

آینه عماد

آینه اعتماد ویژه نامه چهل و سومین
سالروز تأسیس شورای نگهبان
تابستان ۱۴۰۲

چگونگی مواجهه اعضای
شورای نگهبان با موضوعات گوناگون

پاسدار رای و امنیت مردم

شورای نگهبان؛ مطالبه
عمومی برای اجرای شریعت

حمله به نظارت استصوابی برای عبور از ارزش ها

مزیت شورای نگهبان
نسبت به نهادهای مشابه

سلايق مردم يا
سلايق گروه های سياسی؟

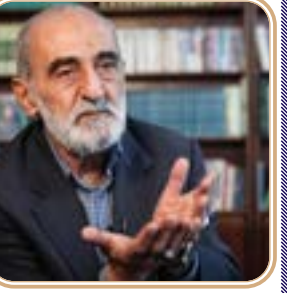




بهترین مردم کسی است که برای مردم مفید تر باشد.

پیامبر اکرم ﷺ

فهرست مطالب

شورای نگهبان؛ مطالبه عمومی برای اجرای شریعت ۱۶ 	شورای نگهبان حافظ خواست دینی مردم ۱۴ 	روایت صحیح و هنرمندانه؛ نیاز امروز شورای نگهبان ۵ 	شورای نگهبان و صیانت از ارزش های اساسی ۴ 
ایستادگی چهل و سه ساله در دفاع از اسلام و حق مردم ۳۲ 	آیا در انتخابات اصل بر برائت است؟ ۲۸ 	راه گشایی تفاسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی ۲۶ 	پایه پای انقلاب با شورای نگهبان ۲۲ 
بازوی علمی و حقوقی شورای نگهبان ۷۸ 	گزارش ویژه از مجمع مشورتی فقهی ۷۴ 	روایت مصور از تاریخ شورای نگهبان ۶۰ 	صیانت از شورای نگهبان و تداوم انقلاب اسلامی ۴۲ 

حضرت امام خمینی (ره)

«شورای محترم نگهبان که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تایید اینجانب می باشند؛ و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تاثیر هیچ جوی واقع نمی شوند.» (صحیفه امام ج ۱۹ ص ۱۵۵)



حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)

«بالاخره شورای نگهبان همچنان که واقعاً وسیله ای اعتماد عمومی بوده است، باید مظهر این اعتماد هم باشد. هرچه افراد از جهات و جناح های مختلف بیشتر در انتخابات شرکت کنند، این برای نظام بهتر است؛ برای شورای نگهبان هم بهتر است. ما باید کاری کنیم که این امکان و وسیله برای ورود اشخاص بیشتر فراهم بشود. نباید طوری باشد که یک جریان، ولو در یک شهر خاص، احساس بکند که در این انتخابات وارد نیست؛ باید طوری باشد که در همه جا همه احساس کنند که می توانند آن فرد مورد نظر خودشان را واقعاً آزادانه انتخاب بکنند؛ یعنی شورای نگهبان و حرکتی که در این مقطع انجام می دهد، باید مظهر و آینه ای اعتماد عمومی باشد.»

(۴ اسفند ۱۳۷۰ / در دیدار اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس)



آینه اعتماد؛ ویژه نامه چهل و سومین سالروز تأسیس شورای نگهبان

تابستان ۱۴۰۲



تهیه و تدوین:

اداره اطلاع رسانی / اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان امام خمینی (ره) روبروی دانشگاه افسری امام علی (ع) - خیابان فلسطین جنوبی - نهاد شورای نگهبان
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۱۲۰
وب سایت: shora-gc.ir
پست الکترونیکی: info@shora-gc.ir



یادداشت دکتر ره‌پیک قائم‌مقام دبیر و عضو حقوقدان شورای نگهبان؛

شورای نگهبان وصیانت از ارزش‌های اساسی

مراقبت و صیانت از ارزش‌های اساسی و آرمان‌های یک ملت به شدت مورد توجه نظام‌های سیاسی است. زیرا بقا و هویت یک ملت دولت منوط به بقا و قوام بنیان‌های ارزشی و آرمانی آن‌هاست.

جریان و سریان این بنیان‌ها در ارکان و اجزای پیکره سیاسی اجتماعی از طریق ساز و کارهای تقنینی و اجرایی مقدمه شکل‌گیری انسجام اجتماعی و وحدت ملی می‌باشد.

صیانت از بنیان‌های اساسی به صورت عام برعهده همه نهادها و آحاد جامعه می‌باشد اما این صیانت به طور خاص به نهاد یا نهادهای معینی واگذار می‌شود تا با تعیین حدود مسئولیت‌ها و اختیارات نهادهای مختلف امکان مراقبت و صیانت فراهم گردد.

قانون اساسی در یک کشور مهمترین سند حقوقی-سیاسی است که متضمن بیان ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و تقسیم قدرت و اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای اساسی می‌باشد. لذا به طور معمول در این سند نهاد صیانت‌کننده از قانون اساسی که خود مهمترین ارزش بنیادین یک ملت محسوب می‌شود تعیین می‌گردد.

استقراء در رویکرد کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نهاد صیانت‌کننده و اعضای آن از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردارند. زیرا انجام وظایف خطیر این نهاد و لزوم تبعیت سایر نهادها و اشخاص از آن اقتضا دارد موقعیت سیاسی-حقوقی ویژه‌ای برای این نهاد در نظر گرفته شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان با ترکیب منحصر به فردی از اعضای فقیه و حقوقدان برای صیانت از موازین شرع مقدس و اصول قانون اساسی در حوزه تقنین و مقررگذاری پیش‌بینی شده است.

از یک سو، ترکیب اعضای شورای نگهبان حتی در قانون اساسی ترکیب بی‌نظیری است زیرا یک مجموعه تخصصی-علمی در این سطح در هیچ جای دیگر پیش‌بینی نشده است و از سوی دیگر دخالت رهبری و دو قوه قضائیه و مقننه در ساخت این مجموعه، شان ویژه‌ای را برای شورای نگهبان ایجاد می‌کند.

نکته مهم دیگر آن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نقش صیانتی شورای نگهبان در حوزه تقنین، در حوزه کلان تصمیم‌گیری کشور نیز این نقش را توسعه داده و نظارت بر انتخابات و انتخاب تصمیم‌گیران اساسی و مدیران عالی کشور را برعهده شورای نگهبان قرار داده است. در واقع از نظر موسسان قانون اساسی، صیانت از ارزش‌های اساسی کشور از دو طریق توسط یک نهاد عالی یعنی شورای نگهبان شکل می‌گیرد؛ اول مراقبت از اصول قانون اساسی و دوم مراقبت از صلاحیت تصمیم‌گیران اصلی کشور و نحوه انتخاب آن‌ها.

لذا اگرچه ممکن است در ابتدا، وظایف و اختیارات شورای نگهبان در موارد مذکور، مستقل و جداگانه به نظر برسد اما دقت در فلسفه وجودی شورای نگهبان نشان می‌دهد که این دو موضوع کارکرد و هدف مشابه بلکه یکسانی دارند و صیانت از ارزش‌ها و بنیان‌های اساسی ملت و کشور تنها از یک طریق، کامل نمی‌شود بلکه برای اطمینان از حصول نتیجه لازم است ضمن صیانت از قانون، از تصمیم‌گیرانی که باید حافظ و توسعه‌دهنده ارزش‌ها باشند نیز صیانت شود. از این جهت نقش شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران نقشی بی‌بدیل و کاملاً ویژه می‌باشد.

به لطف خداوند متعال شورای نگهبان در ادوار مختلف از حیات خود، با حفظ استقلال رای در حوزه نظارت بر قوانین و نیز نظارت بر انتخابات تلاش کرده است به وظایف مهمی که برعهده داشته عمل نماید تا نقش خود در مراقبت از بنیان‌های نظام اسلامی را ایفا کند. حمایت‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی از شورای نگهبان صرف نظر از دخالت ویژگی‌های شخصی اعضای شورای نگهبان در این امر را باید در موقعیت راهبردی و عمیق این شورا در تصویر کلی جمهوری اسلامی جستجو نمود. از خداوند متعال توفیق همگان به ویژه اعضای محترم شورای نگهبان در انجام تکالیف شرعی و قانونی خود را مسالت داریم.



یادداشت دکتر طحان‌نظیف سخنگوی شورای نگهبان و مدیر مسؤل ویژه‌نامه آینه اعتماد؛

روایت صحیح و هنرمندانه؛ نیاز امروز شورای نگهبان

زمان، امکانات، نگاه جهادی و همت مضاعف همه کسانی است که بضاعتی در این زمینه داشته و دل در گرو عزت انقلاب اسلامی دارند. بنابراین برای مدیریت این حوزه، باید شناختی به‌روز از عوامل مؤثر بر افکار عمومی حوزه عملکردی‌مان داشته باشیم.

و در این مسیر، نیازمند تولید هنرمندانه روایت‌های صحیح هستیم. شناساندن وجوه فقهی و حقوقی شورای نگهبان یکی از موارد ضروری است که باید افکار عمومی را با آن آشنا کرد. متأسفانه غالب مردم شورای نگهبان را تنها با موضوع سیاسی انتخابات، آن هم با مقوله بررسی صلاحیت نامزدها، می‌شناسند که از قضا همین شناخت نیز بر اساس روایت‌های صحیح نیست. ما اگر بتوانیم وجه حقوقی و فقهی شورای نگهبان را به مردم و نخبگان معرفی کنیم و نشان دهیم که شورای نگهبان نهادی است که وظیفه مهم و اساسی بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی به منظور عدم مغایرت با موازین شرع و اصول قانون اساسی را برعهده دارد و برای انجام این وظیفه، بر توان علمی فقها و حقوقدانان برجسته عضو شورای نگهبان تکیه کرده و با احترام به خرد جمعی، از نظرات کارشناسی نخبگان جامعه نیز بهره‌می‌برد، در نتیجه آن اقدامات شورای نگهبان به عنوان یک نهاد تخصصی فقهی و حقوقی، در نظارت بر انتخابات نیز از پذیرش بیشتری در افکار عمومی برخوردار خواهد شد. همچنین افکار عمومی اگر از کمیت دفاع شورای نگهبان از حقوق ملت و محوریت قانون در بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی اطلاع داشته باشند، راحت‌تر و بهتر می‌پذیرند که این نهاد در بررسی صلاحیت نامزدها حقوق ملت و قانون را محور کار خود قرار می‌دهد.

با این حال متأسفانه روال معمول این است که موضوع جایگاه و عملکرد شورای نگهبان فقط در ایام انتخابات در فضای افکار عمومی مطرح می‌شود و چون در آن ایام معمولاً اکثر افراد جامعه به نوعی نسبت به تصمیمات شورای نگهبان ذی‌نفع یا متضرر هستند، از دیدگاه منافع شخصی به این نهاد می‌نگرند و اقدامات شورا را با این نگاه تفسیر می‌کنند. لذا تلاش ما همواره بر این بوده است تا موضوعات و مسائل مرتبط با شورای نگهبان در ایام غیرانتخابات نیز مطرح شود تا به دور از حب و بغض‌ها و در فضایی حقوقی و منطقی و نه سیاسی، امکان روایت درست اقدامات شورای نگهبان فراهم شود.

همچنین در این مسیر بر این باوریم که اگر نخبگان جامعه از قبیل دانشگاهیان، اهالی رسانه، افراد صاحب‌تربیت و... جایگاه و عملکرد شورای نگهبان را بشناسند و نسبت به آن اقناع شوند، می‌توان امیدوار بود که این اقناع را به افکار عمومی نیز تسری دهند؛ فلذا امیدواریم با روایت درست، دقیق و هنرمندانه اقدامات شورای نگهبان، به فرموده کلام شیوای رهبر معظم انقلاب اسلامی، «مظهر و آینه اعتماد مردم» باشیم. ان شاء‌الله.

امروزه سخن‌گفتن از اهمیت افکار عمومی چیزی شبیه سخن‌گفتن از بدیهیات است؛ بدون تعارف باید گفت واقعیت نه چندان مطلوب این است که در روزگار ماعلاً کسانی جوامع را اداره می‌کنند که مدیریت افکار عمومی را در دست داشته باشند. بنابراین برای اتخاذ تصمیمی ناگزیر هستیم ابتدا زمینه‌پذیرش آن تصمیم را فراهم کنیم؛ چرا که در صورت مهیا نبودن زمینه‌های پذیرش عمومی یک تصمیم، آن تصمیم هر چقدر هم صحیح و قابل دفاع باشد، در عمل یا اجرا نمی‌شود یا اجرای آن با مقاومت و یا حتی تنش مواجه خواهد شد.

در همین راستا نیز امیرالمومنین علی علیه السلام در خطبه‌ها و فرامین خویش به کارگزاران‌شان، مسئله جلب اعتماد مردم و به دست آوردن رضایت آنان را مهم می‌شماری و از آنان می‌خواهند با روش‌هایی مانند حضور در جامعه و شنیدن مشکلات مردم و مهربانی کردن و مدارا با آن‌ها افکار عمومی را همسو و مدیریت کنند.

مقام معظم رهبری نیز به طور مکرر بر این امر تأکید داشته‌اند و به عنوان نمونه در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «وقتی افکار عمومی یک ملت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت». راهکار جامعی که ایشان بارها برای مدیریت افکار عمومی و در مواجهه با جنگ روایت‌ها و در مقابل روایت‌های ناصحیح توصیه می‌فرمایند، «جهاد همگانی تبیین» است؛ زیرا دشمن به پهنه یک جهان گسترده به نام فضای مجازی، به جعل روایت و جنگ نرم روی آورده است و ما ناگزیر از ایستادن در برابر دشمن در این معرکه هستیم و هر یک به اندازه توان خود باید در این عرصه بکوشیم.

واقعیت این است که گستردگی جوامع امروزی باعث شده، مردم نتوانند مستقیماً وقایع را مشاهده کنند و اغلب روایت‌ها را می‌بینند لذا تنها راه آشنایی آن‌ها با وقایع جاری، روایات منقول رسانه‌ها و افراد از وقایع و حوادث است. بنابراین قبل از اینکه به تبیین چگونگی یک اقدام بپردازیم، باید ابتدا آن اقدام را درست روایت کنیم. اگر این ضرورت به درستی صورت نپذیرد، روایت‌های جعلی جایگزین روایت صحیح می‌شوند؛ در نتیجه جاعلان و تحریف‌کنندگان، تصویرسازی در افکار عمومی را به دست می‌گیرند و رفتارهای جامعه نسبت به آن اقدام را شکل می‌دهند. این در حالی است که گاهی حتی تأخیر در بیان و انتقال روایت صحیح باعث می‌شود، روایت‌های جعلی در فضای عمومی جایگزین و غالب شوند و اصل تصمیم تحت‌الشعاع قرار گیرد.

ما در شورای نگهبان ضمن اذعان و باور به اهمیت افکار عمومی، دشواری کار در این حوزه را درک می‌کنیم. با این حال معتقدیم علی‌رغم تلاش‌های فراوان صورت گرفته همچنان تا وضعیت مطلوب فاصله داریم و می‌دانیم که تصویر ترسیم شده شورای نگهبان در افکار عمومی همچنان نیازمند اصلاح است و این اصلاح قطعاً محتاج



یادداشت مسعود بصیری مدیرکل روابط عمومی شورای نگهبان و سردبیر ویژه‌نامه آینه اعتماد؛

سخن نخست

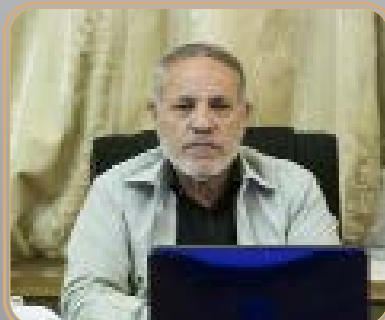
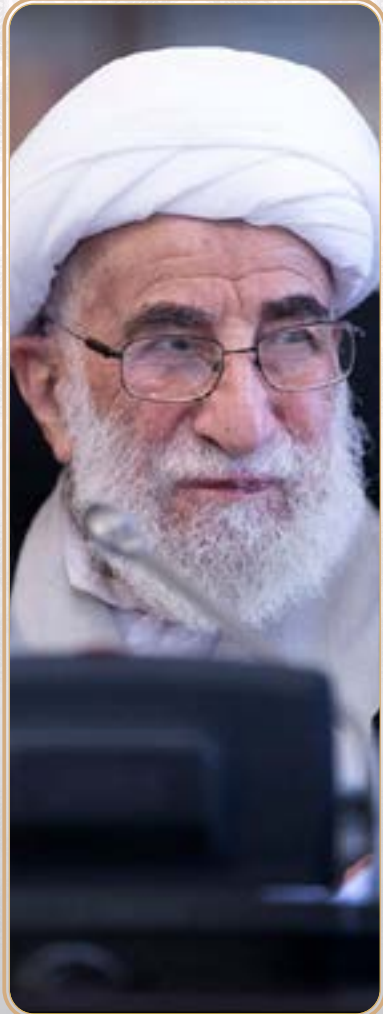
۴۳ سال از تاسیس شورای نگهبان می‌گذرد و این نهاد همچنان در مقامی که برایش متصور شده بود، چونان سروی مقاوم ایستاده و به نگهبانی و پاسداری از شرع مقدس و قانون اساسی در مسیر قانون‌گذاری و انتخاب مجریان قانون، قانون‌نویسان و خبرگان می‌پردازد. گواه این گزاره نیز سخنان و تاییدات دوستان و رفتارهای دشمنان است. هجمه‌ها و حملات دشمنان به شورای نگهبان نشان‌دهنده این است که این نهاد جایگاه گلوگاهی دارد و به خوبی به وظایف و ماموریت‌هایش عمل می‌کند.

دشمنانی که از نام شیخ فضل‌الله نوری پدیدآورنده جایگاه علمای طراز برای دفاع از شرع در قانون اساسی مشروطه هراس دارند، بدون شک نسبت به نهادی که نسبت به آن نهاد مشروعیت‌ساز در مشروطه پیشروتر و توسعه‌یافته‌تر است، هراس و خشم بسیار بیشتری دارند و از هر خدعه و نیرنگی برای به انزوا کشاندن شورای نگهبان بهره می‌برند؛ کما اینکه در چهار دهه گذشته در برهه‌های مختلف دیدیم که چگونه به این شورا هجمه کردند و می‌خواستند با ترفندهایی از آن عبور کنند تا ابتدا استحاله و سپس اضمحلال نظام جمهوری اسلامی ایران را رقم بزنند و آرمان‌های انقلاب اسلامی را به فراموشی بسپارند.

چهل و سه سالگی شورای نگهبان فرصتی است تا به راهی که آمدیم نگاهی بیاندازیم و ببینیم که این نخل قدکشیده چه مسیری طی کرده، اکنون چه وضعیتی دارد و در آینده چگونه خواهد بود. برای بررسی تهدیدها و فرصتهایی که پیش‌روی شورای نگهبان است، باید هم از تجارب و هم از تاملات و ایده‌های نخبگان و خبرگان استفاده کرد. در ویژه‌نامه «آینه اعتماد» تلاش شده تا از نظرات صاحبان فکر و تجربه استفاده شود. با بسیاری از افراد گفتگو شد و از برخی افراد نیز خواسته شد تا مکنونات خویش را در قالب مکتوبات در اختیار ما قرار بدهند که در بخش دوم این ویژه‌نامه، گفتگو با حاج اسلام سعدی، کعبی و رجبی و آقایان سیدمرتضی نبوی، مظفر، صفارهرندی، خرمشاد و جمشیدی و گفتارها و یادداشت‌های آقایان رحیم‌پور ازغدی، حسین شریعتمداری و مهدی فضائلی را می‌خوانید.

گفتگوها و نوشته‌های این افراد که صاحب‌نظر در حوزه‌های علوم سیاسی، حقوقی و اجتماعی هستند، در رابطه با موضوعات مختلفی همچون نقش و جایگاه شورای نگهبان، مقایسه این نهاد با نهادهای مشابه در سایر کشورها، نقاط قوت و آسیب‌ها و تهدیدهایی که شورای نگهبان در چهار دهه گذشته با آن مواجه بوده یا در آینده با آن روبرو خواهد شد، قانون اساسی و نقش آن در افزایش مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم، انتخابات و شایسته‌سالاری و... است.

در این ویژه‌نامه نگاهی به نظرات و دیدگاه‌های اعضای محترم شورای نگهبان اعم از فقها و حقوقدانان نیز انداخته شده و در رابطه با عملکرد این شورا در یک سال گذشته و نقشی که پژوهشکده شورای نگهبان (مجمع مشورتی حقوقی) و مجمع مشورتی فقهی در استحکام نظرات شورای نگهبان دارند، گزارش‌ها و گفتگوهایی ارائه شده است. امید است که این ویژه‌نامه مورد توجه و دقت خوانندگان محترم قرار گیرد و ما را از نظرات خود برای افزایش کیفیت این مجموعه بهره‌مند سازند.



دیدگاه‌های اعضای شورای نگهبان

دیدگاه‌های اعضای فقه‌ها و حق‌وقدانان شورای نگهبان



پای‌بندی به انجام وظایف قانونی

آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان:

«درود می‌فرستیم به روان پاک امام خمینی (ره) و همه کسانی که برای استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مجاهدت کردند و در ادامه با تدوین و تصویب قانون اساسی زمینه‌ساز حفظ جمهوریت و اسلامیت نظام شدند. قانون اساسی وظایفی خطیر برعهده نهاد شورای نگهبان گذاشته است و تاریخ انقلاب اسلامی نشان‌دهنده پای‌بندی اعضای شورای نگهبان به انجام این وظایف قانونی است. شورای نگهبان یک وظیفه جاری و دائمی دارد که بررسی مصوبات به لحاظ مغایرت یا عدم مغایرت آن‌ها با احکام اسلام و قانون اساسی است و وظایف دیگری هم دارد که دائمی نیستند و شورا در مقاطع خاص به آن‌ها می‌پردازد؛ نظارت بر انتخابات از جمله این وظایف است. از رسانه‌ها درخواست می‌شود تا وجوه فقهی و حقوقی شورای نگهبان در بررسی مصوبات را که نزد جامعه ناشناخته مانده است بیشتر مورد توجه قرار دهند.»



معیار، معتمد و چشم‌نظام

آیت‌الله سید محمد رضا مدرسی یزدی عضو فقیه شورای نگهبان:

«نظام بر پایه اسلام و جمهوریت بنا شد، اگر هر کدام آسیب ببینند، دیگری دچار آسیب می‌شود. بنابراین وظیفه اعضای این شورا، حفظ این ۲ رکن اساسی است. پایه و اساس نظام و انقلاب اسلامی بستگی به عملکرد این شورا دارد. اگر به رسالت خود درست عمل کنند، انقلاب و نظام بیمه می‌شود. شورای نگهبان نهاد معیار، معتمد و چشم نظام است که با دقت به انجام وظایف خطیر خود عمل می‌کند. مسئولیت همه ارکان نظام مستقیم یا غیرمستقیم بر دوش مردم است و نظارت بر اینکه هر کدام رسالتشان را به درستی انجام دهند به غیر از نظر شورای نگهبان ممکن نیست.»



عمل طبق وظایف شرعی

آیت‌الله محمد مهدی شب‌زنده‌دار عضو فقیه شورای نگهبان:

«همه فقهای شورای نگهبان بر طبق وظیفه شرعی و الهی عمل می‌کنند. از زمانی که در جمع این شورا حاضر شدم، تعهد الهی را در فقهای این شورا دیدم؛ چنانچه حاضر نیستند برای امور دنیوی و سلايق شخصی آنچه که وظیفه شرعی و الهی است را زیر پا بگذارند. شکل‌گیری انقلاب اسلامی به دلیل این بوده است تا احکام الهی پیاده شود. همه اعضای این شورا برای صیانت از انقلاب اسلامی، بر اساس موازین دینی عمل می‌کنند، چنانچه حقوق‌دانان این شورا نیز با تعهد و تدینی که دارند بر اساس قواعد و ضوابط به وظیفه قانونی خود عمل می‌کنند. آگاهی از مقتضیات زمان و مسائل روز از شروط فقهای شورا است. ما جزء مردم هستیم و مثل بقیه افراد در بین مردم زندگی می‌کنیم و این وظیفه‌ای که به عهده ما گذاشته شده، باعث نشده است تا از مردم جدا شویم.»



ضرورت اعتماد سازی

آیت‌الله علیرضا اعرافی عضو فقیه شورای نگهبان:

«شورای نگهبان دارای جایگاه بزرگ و رفیعی در کشور است. این شورا باید از ارزش‌های انقلاب و مصالح مردم حفاظت کند که بخشی از آن در عرصه انتخابات بوده و بخشی هم در حوزه بررسی قوانین کشور است. باید نقش شورای نگهبان در صیانت از قانون اساسی و منافع مردم و اسلام تبیین شود. معتقدم اگر توده مردم و نخبگان از نحوه صیانت از مصالح و منافع مردم و قانون اساسی مطلع شوند، شورای نگهبان را خواهند ستود. وظیفه همه ما این است که اعتماد مردم را جلب کنیم، درست است که شورای نگهبان در معرض حرف و حدیث‌هاست، ولی نباید ما را از توضیح و اقناع مردم باز دارد. ناظران انتخابات و شورای نگهبان باید بدون حب و بغض قانون و منطق انقلاب را اصل قرار داده و در برابر هجمه‌ها پرچم‌دار اصول مهم انقلاب باشند.»



پاسداری از آرای مردم

آیت‌الله سید احمد خاتمی عضو فقیه شورای نگهبان:

«مردم‌سالاری دینی بر پایه اسلامیت و جمهوریت می‌باشد. در جمهوری اسلامی امور کشور باید با اتکا به آرای مردم اداره شود که این امر از طریق انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و همه‌پرسی صورت می‌گیرد. پاسداری از آرای مردم به شورای نگهبان سپرده شده و طبق اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات‌ها برعهده این نهاد است. بنابراین تحقق مردم‌سالاری دینی به شورای نگهبان گره خورده است. همچنین تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و اصول قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است. بنابراین همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمود بود و نبود نظام جمهوری اسلامی به بود و نبود شورای نگهبان وابسته است. لذا گرامیداشت شورای نگهبان، گرامیداشت یک سرمایه برای اساس نظام اسلامی است.»



حافظ سلامت نظام

آیت‌الله سید احمد حسینی خراسانی عضو فقیه شورای نگهبان:

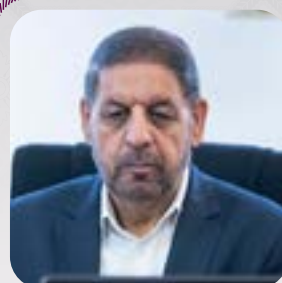
«شورای نگهبان حافظ سلامت نظام است و این رسالت بسیار سنگین در فضایی بدون تعارف و ملاحظات کاری انجام می‌شود. برای شورای نگهبان گروه‌ها و احزاب مختلف مهم نیستند، بلکه تنها ارزش‌ها از اهمیت برخوردارند و همه مردم نیز فرزندان نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. نظام برای عزتمند شدن هزینه‌های زیادی داده است. اکنون هیچ قدرتی برای ما تهدید نیست و همه نیز این را می‌دانند. مردم قدرت و پشتوانه نظام هستند. هم‌اکنون باید به تمامی اقشار جامعه توجه کرد. نباید نارضایتی ایجاد شود و باید به مردم خدمت کرد. مردم همواره پای کار بوده‌اند و اینک باید تنها به فکر خدمت به مردم بود.»



حق الناس در بررسی صلاحیت‌ها

دکتر غلامرضا مولایی عضو حقوقدان شورای نگهبان:

«همانطور که رای مردم حق الناس است، بررسی دقیق احراز صلاحیت‌ها نیز حق الناس می‌باشد. اگر کسی که فاقد صلاحیت‌های لازم است، وارد مجلس شورای اسلامی شود به جامعه آسیب خواهد زد و در آن صورت حق مردم تضییع خواهد شد. اگر آن فردی هم که واجد صلاحیت‌های لازم است، احراز صلاحیت نشود، حق آن فرد و بلکه جامعه تضییع شده است. در بررسی صلاحیت‌ها نیز ملاک وضع فعلی افراد است. از این رو ممکن است فردی که در گذشته صلاحیتش احراز شده در این دوره صلاحیتش تایید نشود و کسی که در گذشته صلاحیتش احراز نشده، در این دوره صلاحیتش احراز شود.»



جایگاه ویژه

دکتر خیرالله پروین عضو حقوقدان شورای نگهبان:

«از قرن‌های ۱۷ و ۱۸ که قانون اساسی تدوین شد، روش‌هایی برای نظارت بر آن به عنوان هنجار برتر نیز پدید آمد. نهادهای ناظر در همه کشورها یکسان نیستند. برخی دیوان عالی کشور را ناظر قرار دارند تا بر مصوبات مجلس نظارت کنند. برخی کشورها هم دادگاه قانون اساسی را نهاد ناظر قرار دادند و مقرر کردند قوه قضاییه دادگاهی در این رابطه تعیین کند. برخی هم عنوان کردند چون این جایگاه ویژه است، نهاد ناظر باید مستقل باشد. نگاه کشورها در خصوص ماهیت نهاد ناظر بر مصوبات مجلس شورای اسلامی متفاوت است؛ برخی آن را مرجع سیاسی و برخی مرجع قضایی می‌دانند. شورای نگهبان یک رکن رکن از نهادهای جمهوری اسلامی ایران است و جایگاه ویژه‌ای دارد و اعتبار مجلس منوط به وجود شورای نگهبان است.»



مردم‌سالاری برآمده از دین

دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان:

«نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران یک نظام دینی و یک نظام مردم‌سالار است که به تعبیر مقام معظم رهبری مردم‌سالاری از آموزه‌های دینی استخراج شده و شباهتی با نظام‌های سیاسی دیگر ندارد. مقام معظم رهبری تاکید دارند که وقتی گفته می‌شود «نظام مردم‌سالاری دینی» منظور دو بُعد مختلف نیست بلکه یک حقیقت واحد است؛ یعنی مردم‌سالاری را از دل احکام اسلامی استنباط می‌کنیم و اینگونه نیست که به تبعیت از نظام‌های غربی به دنبال حضور مردم باشیم و البته نظام اسلامی حقیقتاً بدون حضور مردم معنایی ندارد. این اعتقاد راسخ رهبری به عنوان یک اندیشمند اسلامی درخصوص مردم‌سالاری دینی مسئله‌ی مهمی است که باید در دانشگاه‌ها و کلاس‌های درس تبیین شود.»



آماده‌برگزاری انتخابات

دکتر محمدحسن صادق‌مقدم عضو حقوقدان و معاون اجرایی امور انتخابات شورای نگهبان:

«ساز و کار و تشکیلات مناسب در ۳۱ استان و ۴۵۰ شهر با مشارکت حدود ۲۶ هزار ناظر در قالب ناظر، ناظر مسئول و سرناظر برای برگزاری انتخابات ۱۴۰۲ فراهم شده است. اصرار ما در شورای نگهبان به حفظ حقوق شرکت‌کنندگان و رای مردم است. اعتقاد شورای نگهبان این است که از رای مردم به عنوان حق الناس باید صیانت شود و انتخابات در کمال سلامت برگزار شود. کلیه ناظرین که از میان مردم با ایمان، دلسوز و بصیر هستند بدون کمترین چشمداشت بحث نظارت بر انتخابات را بر عهده می‌گیرند. از کلیه ناظرین به عنوان «مدافعان حریم مردم‌سالاری دینی» تقدیر و تشکر می‌کنیم.»

گفتگو با آیت‌الله عباس کعبی نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری؛

مزیت شورای نگهبان نسبت به نهادهای مشابه

آیت‌الله عباس کعبی نسب هم فقیه و هم حقوقدان است. وی نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است؛ او از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ نیز عضو حقوقدان شورای نگهبان بوده است.

وی مؤلف کتاب‌ها و مقالات متعددی با عناوین و موضوعاتی از جمله «فلسفه حقوق»، «حقوق بین الملل اسلامی»، «حقوق اساسی»، «ضمانت‌های اجرایی قانون اساسی»، «مردم‌سالاری دینی»، «حقوق شهروندی و جامعه مدنی» و «کنکاشی درباره اختیارات و وظایف رهبری» است که به رشته تحریر درآورده و به زیور طبع آراسته شده است.

پیش از تشریف آیت‌الله کعبی به سرزمین وحی و سفر حج تمتع، با وی گفتگویی داشتیم که بخش‌های مهم این گفتگوار در ادامه می‌خوانید:



دیدگاه شما راجع به فلسفه وجودی شورای نگهبان چیست و این شورا در نظام جمهوری اسلامی چه ماموریت‌ها و کارویژه‌هایی برعهده دارد؟

فلسفه تشکیل شورای نگهبان شامل چند موضوع است؛ نخست اینکه در نظام جمهوری اسلامی ایران، نهادی باید پاسدار ارزش‌های اسلامی و تضمین‌کننده اصول شریعت و هنجارهای فقهی و حقوقی بر پایه بنیادها و قواعد و جوب اجرای شریعت و حاکمیت دین در همه عرصه‌های اجتماعی باشد. آیات و روایات بسیاری درباره این فلسفه وجود دارد. یکی از آن‌ها آیه ۴۰ سوره یوسف است که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». مورد دیگر آیات ۱۸ و ۱۹ سوره جائیه است که خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبَعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ * إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَغْضَهِمْ أَوْلِيَاءُ بَغْضِي وَاللَّهُ وَلِيَّ الْمُتَّقِينَ».

ادله مربوط به وجوب اجرای شریعت بر پایه توحید در حاکمیت و توحید در تقنین، آیات و روایات بی‌شماری است. بنابراین اجرای شریعت جزء ضروریات و قطعیات دین است. این موضوع در اصل چهارم قانون اساسی هم تبلور یافته و آمده است که «کلیه قوانین و مقررات حاکم در جمهوری اسلامی باید مطابق با موازین اسلامی باشد». این اصل بر تمامی قوانین و مقررات از جمله بر خود قانون اساسی هم حاکم است؛ لذا تشخیص اینکه آیا یک مصوبه یا مقرر به موازین اسلامی مطابقت دارد یا خیر بر عهده شورای نگهبان است.

دومین فلسفه وجودی شورای نگهبان این است که یک نهاد باید اصل برتری قانون اساسی بر تمامی هنجارهای حقوقی را تضمین کند. بنابراین برتری قانون اساسی بر هنجارهای حقوقی اقتضا می‌کند که کلیه قوانین و مقررات از جهت انطباق یا عدم مغایرت با قانون اساسی مورد نظارت قرار بگیرد که آیا طبق قانون اساسی است یا خیر؟

شورای نگهبان متکلف این امر است که تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی را بدون استثنا مورد بررسی قرار دهد تا اصل برتری قانون اساسی بر کلیه هنجارهای حقوقی رعایت شود.

اگر سایر مصوبات و دستورالعمل‌ها یعنی قوانین به غیر از قوانین عادی مانند بخشنامه‌ها مغایر قانون اساسی و شرع باشد، چه باید کرد؟

اگر تصویب نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات مقامات عالی نیز مخالف قانون اساسی و قوانین عادی باشد، دیوان عدالت اداری درباره آن‌ها اظهار نظر خواهد کرد. اگر هم آن تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات مقامات عالی خلاف موازین شرع باشد، دیوان عدالت اداری از فقه‌های شورای نگهبان استعلام خواهد کرد.

بنابراین تأسیس شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران یک تصمیم مترقی برخاسته از موازین فقهی و حقوقی است. ضمن اینکه در نظام‌های حقوقی گوناگون، دو مدل متفاوت برای حراست از قانون اساسی وجود دارد؛ یکی دادگاه قانون اساسی است که در نظام‌های ریاستی همچون کشور آمریکا وجود دارد و دیگری شورای قانون اساسی است که در کشورهایی همچون فرانسه وجود دارد. کشورها برای کنترل قوانین و مقررات یا از مدل آمریکایی یا از مدل فرانسوی استفاده می‌کنند.

در مدل دادگاه قانون اساسی، اگر احساس شود مصوبه‌ای

خلاف قانون اساسی است، نسبت به آن مصوبه به دادگاه قانون اساسی شکایت می‌شود و آن دادگاه می‌تواند مصوبه را باطل اعلام کند و لغو سازد. این در حالی است که پیش از آن، قانون اساسی نقض شده و این قانون برای مدت زمانی نیز به اجرا درآمده است و ضمن اینکه ممکن است کسی متوجه نقض قانون اساسی در مورد مصوبه یا مقرره‌ای نشود. همچنین در چنین مدلی و در مدل شورای قانون اساسی، تمامی مصوبات و قوانین و مقررات کنترل نمی‌شود.

در رابطه با کشور انگلیس هم باید بگویم که در آنجا قانون اساسی برتر نیست و قانون عادی مصوب پارلمان می‌تواند برخلاف قانون اساسی عرف و نانوشته آنجا باشد. (در کشور انگلیس برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، یک سند مشخص برای قانون اساسی وجود ندارد، به همین دلیل به آن قانون اساسی نانوشته می‌گویند.)

اما در نظام جمهوری اسلامی ایران و در مدل شورای نگهبان یک مصوبه پیش از آنکه به قانون تبدیل شود باید توسط فقها و حقوقدانان مورد بررسی قرار گیرد و در صورتی که با شرع و قانون اساسی مغایرت نداشته باشد به قانون تبدیل خواهد شد.

در ایران، شورای نگهبان متضمن اصل برتری قانون اساسی و شرع است و از این منظر شورای نگهبان یک نهاد برتر فقهی و حقوقی است که در مقایسه با نهادهای مشابه در جهان از مزیت‌هایی برخوردار است.

نقش و فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری چیست؟

سومین فلسفه وجودی شورای نگهبان، تضمین سلامت انتخابات‌ها و رأی مردم است. لازم است نهادی بر امر انتخابات نظارت کند. این نهاد اگر برخاسته از قوه مجریه باشد، منافع و مصالح آن قوه را در نظر می‌گیرد. ضمن اینکه مجری انتخابات نمی‌تواند ناظر هم باشد.

همچنین این نهاد نمی‌تواند قضایی و زیر نظر قوه قضائیه باشد؛ چراکه موضوع انتخابات ماهیت قضایی ندارد. موضوع فعل قوه قضائیه، قضاوت و داوری است و با نظارت تفاوت دارد؛ البته قوه قضائیه می‌تواند به جرایم انتخاباتی رسیدگی کند.

اگر هم این نهاد از قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی باشد، آن قوه هم مانند قوه مجریه منافع و مصالح خودش را در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر قوه مقننه نمی‌تواند بر انتخابات خودش نظارت کند و اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، طبق قول فلاسفه عمل «دور» صورت گرفته است.

بنابراین امر نظارت بر انتخابات باید بر عهده یک نهاد بی‌طرف باشد و متأثر از قوای مجریه، مقننه و قضائیه هم نباشد. از این رو چون شورای نگهبان یک نهاد برتر تضمین‌کننده فقهی و حقوقی قانون اساسی است، قانون‌گذاران تشخیص دادند که این نهاد بی‌طرف بر انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری نظارت کند. در اصل ۹۹ قانون اساسی آمده است که «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد».

بنابراین شورای نگهبان در مقایسه با نهادهای مشابه در جهان، نظارت بر انتخابات را هم بر عهده دارد و یک نهاد بی‌نظیر است. اگر شورای نگهبان در چهار دهه گذشته نبود، شاید نفوذ در حاکمیت، عبور از قانون، انجام رفتارهای فراقانونی و فراحقوقی و زیاده‌خواهی و انحصارطلبی بسیاری به وجود می‌آمد.

شورای نگهبان با نظارت عالی بر انتخابات تضمین‌کننده مردم‌سالاری دینی و سلامت انتخابات‌ها بوده است. نگاه این شورا به رأی مردم، نگاه به حق الناس است. شورای نگهبان با تشکیل دفاتر نظارتی و بازرسی انتخاباتی در استان‌ها و با استعلام از مراجع نظارتی در کشور از بانک اطلاعاتی بسیار غنی و ارزشمندی برخوردار است و در این رابطه می‌تواند به برخی از نهادها کمک کند.



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین محمود رجبی رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛

شورای نگهبان حافظ خواست دینی مردم

حجت الاسلام والمسلمین محمود رجبی رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان در خصوص اهمیت و نقش شورای نگهبان در جایگاه تقنینی و حکمرانی کشور، عنوان کرد: شورای نگهبان تضمین کننده اسلامیت و مقررات نظام است و از نفوذ عناصر فاقد صلاحیت در ارکان نظام جلوگیری می کند؛ به تعبیر دیگر شورای نگهبان زمینه ورود افراد فاقد صلاحیت در پست های مختلف را مسدود می کند.

بنابراین شورای نگهبان تضمین کننده قوانین و مقرراتی است که نظام می خواهد با آن اداره شود؛ هم نسبت به افرادی که در مقام حکمرانی قرار می گیرند؛ یعنی تضمین کننده اسلامیت نظام و هم داشتن صلاحیت های قانونی در مقام حکمرانی.



در انتخابات های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری که در هر کدام از این ها افرادی برای پست های کلیدی انتخاب می شوند و برای انجام وظایف مقرر در قانون اساسی به سمت هایی گمارده می شوند، شورای نگهبان با بررسی سوابق و مدارکی که وجود دارد بر اساس قانون صلاحیت آن ها را شناسایی می کند و آن هایی که دارای صلاحیت هستند را معرفی می کند تا از نفوذ افراد فاقد صلاحیت یا احياناً نفوذی های بیگانگان در نظام جلوگیری شود.

همچنین طرح ها و لوایحی که به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسند و بنا است نظام ما بر اساس آن اداره شود، شورای نگهبان به لحاظ سازگاری مصوبات با دین مبین اسلام و سازگاری با قانون اساسی ایفای نقش می کند تا مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی نداشته باشند. طبیعی است که اگر در بُعد تعیین حکمرانان و پست ها، شورای نگهبان وجود نداشت، طبیعاً ممکن بود افراد فاقد صلاحیت پست هایی را اشغال کنند و از این طریق به نظام اسلامی ضربه وارد شود و هم اینکه ممکن بود به لحاظ توان مدیریتی، افراد فاقد صلاحیت در پست های مختلف، کشور را دچار بحران کنند و هم اینکه چون به لحاظ اعتقادی این افراد، اعتقاد راسخ به نظام جمهوری اسلامی ندارند، از ناحیه این افراد به کشور ضربه وارد می شد و دشمنان افرادی را در این مناصب نفوذ می دادند و از این طریق هم به نفع دشمنان کشور در مقام حکمرانی عمل می شد. بنابراین در این صورت نظام اسلامی ما آسیب بسیار جدی می دید و هیچ ضمانتی برای بقا، بالندگی و کارآمدی نظام وجود نداشت.

در بُعد قوانین هم اگر شورای نگهبان نبود و قوانین از نظر اسلامیت و مطابقت با قانون اساسی بررسی نمی شد؛ به مرور زمان چه بسا قوانینی برخلاف موازین اسلام و قانون اساسی تصویب و اجرا می شد و حاکمیت دوگانه ای به وجود می آمد. آن وقت اسلامیت نظام که مردم به آن رأی داده اند، به خطر می افتاد.

امامین انقلاب در راستای اجرای دقیق قانون اساسی و همچنین وظایف خود که رصد مخاطرات و مسائل کلان نظام برای جلوگیری از رخداد آن است، شورای نگهبان را به دلیل جایگاه ویژه اش کمک و یار خود در صیانت از نظام و جلوگیری از آسیب های کلان به نظام جمهوری اسلامی ضروری قلمداد کردند. علاوه بر این بر اساس موازین دینی ما و فرهنگ غنی اسلام که مردم کشور هم ۹۸ درصد به آن رأی داده اند، وجود شورای نگهبان برای اسلامیت نظام واجب و ضروری است.

امامین انقلاب هم بر اساس موازین دینی، هم بر اساس قانون اساسی و هم بر اساس رسالتی که بر دوششان هست از حیث جلوگیری از آسیب به نظام، از شورای نگهبان، این نهاد مقدس حمایت و پشتیبانی کرده اند. در واقع امامین انقلاب بخشی از وظیفه دینی، ملی و انقلابی خودشان و وظیفه ای که قانون اساسی بر دوششان گذاشته است را در شورای نگهبان و پشتیبانی از آن عملی کرده اند.

دشمنان از شورای نگهبان به دلیل اینکه از تأمین مطامع آن ها در نظام اسلامی جلوگیری می کند و مانع از ورود عناصر مزدور آن ها در موقعیت های حساس کشور می شود و همچنین از اینکه فرهنگ مبتذل غربی از طریق قوانین و

مقررات در جامعه پیاده شود، جلوگیری می کند؛ ناخشنود هستند. دشمنان نظام همواره در مقاطع مختلف علیه شورای نگهبان به میدان آمدند و علیه این نهاد تهاجم کردند به دلیل اینکه شورا در مقابل توطئه ها و طرح های استکباری و سوء استفاده آن ها ایستاده است.

نقش بی بدیل در صیانت از حقوق مردم

مهم ترین نقش شورای نگهبان صیانت از اهداف نظام اسلامی است و صیانت از نظام نیز به دو عامل وابسته است یکی به قوانینی که منطبق با اسلام و قانون اساسی باشد و دیگر اینکه مدیرانی که مجری قانون هستند، باید افرادی صالح باشند که شورای نگهبان به عنوان تأمین کننده اسلامیت و جمهوریت نظام در این دو حوزه ایفای نقش می کنند.

سابقه و عملکرد شورای نگهبان از زمان حیات حضرت امام خمینی (ره) و شکل گیری این نهاد مقدس تاکنون، مثبت بوده است؛ اگر شورای نگهبان طبق وظیفه قانونی، تذکرات دقیق خود را در مورد مصوبات به مجلس انعکاس نمی داد امروز با قوانین فراوانی که با موازین شرعی و قانون اساسی منافات داشت، مواجه بودیم چنانکه اگر در بررسی صلاحیت کاندیداها نیز دقت های لازم از سوی شورای نگهبان صورت نمی گرفت افرادی شکان پست های حساس نظام را به عهده می گرفتند که ممکن بود ضربات سنگینی به پیکره نظام وارد کنند.

اگر می بینیم که امروز نظام با اقتدار در مسیر صحیح خود حرکت می کند پس از رهبری داهیانه مقام معظم رهبری، مرهون تلاش های شورای نگهبان و حضور مردم در صحنه است.

با شناخت دقیقی که از فقهای شورای نگهبان از ابتدای تشکیل این شورا تاکنون دارم، این بزرگواران که اسلامیت قوانین بر مبنای نظریات آن ها تأمین می شود، همه از شخصیت های وارسته، علمی و مدافع اصول و ارزش های اسلام و موازین اسلامی و نظام هستند.

بُعد دیگری از فعالیت های شورای نگهبان حراست از حقوق مردم و حفظ منافع ملی است؛ چراکه مردم در تعیین سرنوشت خود نقش به سزایی دارند و با حضور در پای صندوق های رأی درصدد تعیین بهترین سرنوشت برای خود و کشور هستند و شورای نگهبان در تأیید صلاحیت نمایندگان مجلس که نقش مهمی در سرنوشت و مصالح و معیشت مردم دارد، نقش بی بدیلی دارد چراکه تأمین بسیاری از حقوق مردم وابسته به قوانین است و چنانچه قوانین به طور صحیح و اصولی وضع نشود حقوق مردم در این میان ضایع خواهد شد.

فقهای شورای نگهبان با دقتی که در بررسی و تأیید قوانین کشور دارند، مصلحت مردم را در نظر می گیرند و برخی از ایرادات آن ها به طرح ها و لوایح یا در بررسی بودجه مجلس علاوه بر صیانت از اسلامی بودن آن ها، برای دفاع از حقوق مردم و آسیب ندیدن مردم است؛ شورای نگهبان بدون آنکه تحت تأثیر فضای سیاسی یا خواست و منافع جناح های سیاسی قرار گیرد در صدد است که مدافع حقوق مردم در چارچوب قوانین اسلامی باشد.

شورای نگهبان آماج ترور شخصیت و تخریب ها قرار می گیرد. چنانچه یک چنین دستگاهی در صدد صیانت از نظام و حقوق مردم برآید طبیعتاً دشمنان مردم و نظام آرام نخواهند نشست؛ چراکه می دانند با حضور فعال شورای نگهبان سنگر انقلاب فتح نشدنی است.

واضح است که دشمنان ما می خواهند با ترور شخصیت شورای نگهبان و بدبین کردن مردم به این نهاد مقدس، پیوند مردم و نظام اسلامی را سست کرده و یا بتوانند نفوذ های خود را در پست های مدیریتی وارد کنند تا ضربه ای محکم به نظام بزنند.

امام خمینی (ره) تا پایان عمر خود از اعضای شورای نگهبان حمایت و اعلام رضایت کردند و از آن ها با تجلیل یاد کردند که این امر نشان دهنده تحقق اهداف امام راحل (ره) در شورای نگهبان بود.



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین حسینعلی سعدی نماینده مجلس خبرگان رهبری و رئیس دانشگاه امام صادق (ع)؛

شورای نگهبان؛ مطالبه عمومی برای اجرای شریعت

عصر یک روز تابستانی که به نظر می‌رسید بسیاری از دانشجویان برای گذراندن تعطیلات به شهرهایشان رفته‌اند به ساختمان ریاست دانشگاه امام صادق (ع)، آن‌سوی پل مدیریت تهران رفتیم تا با حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسینعلی سعدی گفتگو کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین سعدی هم تحصیلات حوزوی دارد و هم تحصیلات دانشگاهی؛ در حوزه تا مرتبه اجتهاد رسیده و در دانشگاه نیز استاد تمام فقه و حقوق اسلامی است. او برای طلاب خارج فقه تدریس کرده و برای دانشجویان مقطع دکترا و کارشناسی ارشد نیز دروس دانشگاهی را تدریس می‌کند.

این فقیه حقوقدان در سال ۱۳۹۷ و سه سال پس از رحلت آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی به عنوان سومین رئیس دانشگاه امام صادق (ع) انتخاب شد که تاکنون عهده‌دار این مسئولیت است. وی همچنین در سال ۱۴۰۰ در جریان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری در استان تهران به همراه حجت الاسلام والمسلمین احمد دانش‌زاده مؤمن و حجت الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی راهی این مجلس شد.

از حجت الاسلام والمسلمین سعدی کتاب‌ها و مقالات بسیاری منتشر شده که از جمله آنها می‌توان به «فقه قدرت»، «تعارض ادله»، «چالش‌های اجتهاد در فقه سیاسی»، «تحلیل فقهی مبانی مشروعیت دفاع» و «فقه و تمدن‌سازی» اشاره کرد. او همچنین بیش از ۵۰ رساله و پایان‌نامه دانشگاهی راهنمایی، مشاوره و داوری کرده است که تعدادی از آن‌ها در رابطه با مبانی فقهی بانک، بیمه و تجارت است.

در ادامه بخش‌هایی از گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعدی رئیس دانشگاه امام صادق (ع) را می‌خوانید:

در ابتدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنیم. سؤال نخست ما این است که جایگاه شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید و اعضای این شورا یعنی فقها و حقوقدانان چه نقشی در تحقق این شأن و جایگاه دارند؟

بسم الله الرحمن الرحیم. در آستانه سالروز تأسیس شورای نگهبان، یاد و خاطره فقها و حقوقدانانی را که به رحمت خدا رفتند، گرامی می‌دارم و برای اعضای کنونی این شورا آرزوی موفقیت دارم.

چون در این باره بحث‌های مفصل و مبسوطی صورت گرفته است، من به صورت گذرا به این موضوع می‌پردازم. در ابتدای مقدمه قانون اساسی آمده است که «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.» این عبارت ضرورت وجود نهاد شورای نگهبان را موجه می‌کند. شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی تأمین‌کننده اصول و ضوابط اسلامی است. شاید اساسی‌ترین بخش مقدمه قانون اساسی نیز همین باشد.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مردم در مورد زندگی فردی از فقها پرس‌وجو می‌کردند و زندگی خود را پیش می‌بردند. تکرر آرا و تعدد مراجع نیز اختلالی در حیات فردی مسلمانان به وجود نمی‌آورد. برخی از متدینین نیز ابا داشتند تا وارد نهادهای رژیم شاهنشاهی شوند یا اینکه در نظام بانکی طاغوت پول بگذارند و بردارند؛ چرا که معادلات و مبادلات آن را مشروع نمی‌دانستند.

اجرای موازین شرعی خواست مردم بود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادها بر اساس موازین شرعی تأسیس شد؛ این خواست مردم بود تا حیات و مناسبات اجتماعی بر اساس شریعت و موازین شرعی انطباق پیدا کند. در اینجا سؤال این است که چه نهادی می‌تواند از این موضوع پاسداری کند؟ پاسخ نهاد «شورای نگهبان» است. شورای نگهبان مناسبات اجتماعی را با موازین و احکام شرعی و همچنین با قانون اساسی انطباق می‌دهد که البته قانون اساسی و شرع یکی هستند؛ بدین معنا که بین قانون اساسی با موازین شرعی اختلافی وجود ندارد.

وجهی که در مذاکرات خبرگان قانون اساسی بر آن تأکید شده و منطقی نیز می‌باشد، برجسته ساختن موازین اسلامی است.

در این رابطه یک دغدغه ملی و مطالبه اجتماعی وجود داشت و به تعبیر روایات، رجوع مردم به فقه‌ها صورت گرفت؛ این خود یک ضرورت است. از سوی دیگر بر علما ضرورت دارد که اگر اراده ملی بر انطباق نهادهای اجتماعی با شریعت است، آن‌ها در میدان حضور یابند. لذا به نظرم درباره ضرورت شورای نگهبان همین جمله نیز کفایت می‌کند که این یک مطالبه عمومی است.

شورای نگهبان یک نهاد بی‌بدیل و شاید منحصر به فرد است که جمهوریت و اسلامیت نظام را تضمین و تأمین می‌کند. امام خمینی (ره) در برابر کسانی که حرف‌هایی در مورد شورای نگهبان بیان می‌کردند، جدی بودند و حتی عنوان افساد فی الارض برای برخی از آن‌ها به کار می‌بردند. پایگاه (نهاد) شورای نگهبان جدی است و اصل هویت جمهوری اسلامی را نگهبانی، پاسداری و تضمین می‌کند. وجود شورای نگهبان ضرورت دارد و این ضرورت قابل واگذاری به غیر نیست.

نهادهای پاسدار قانون اساسی ایدئولوژیک هستند

هر ساختار و نظم سیاسی، مجموعه‌ای دارد تا از ارزش‌ها و قانون اساسی‌اش که میثاق ملی است، پاسداری کند. این مجموعه در کشور فرانسه شورای قانون اساسی است و ایدئولوژیک نیز می‌باشد؛ بدان معنا

که اگر مصوبه‌ای خلاف ارزش‌هایش باشد از قانونی شدن آن جلوگیری می‌کند. آیا می‌توان اینگونه تفسیر کرد که ماهیت اینگونه نهادهایی که عقلی و مدرن نیز هستند، دفاع از ارزش‌ها می‌باشد؟

بله؛ بحث نگهبانی از قانون اساسی است و قانون اساسی به معنای تجلی ارزش‌های ملی مردم است. اینکه گفتم اراده ملی منظورم همین بود. حوزه‌های ارزشی در قانون اساسی متجلی شده و باید نهادی

وجود داشته باشد تا از قانون اساسی پاسداری کند و تمام مناسبات اجتماعی را ذیل این نظام ارزشی ملی که در قانون اساسی تبلور یافته کنترل کند.

این موضوع در تمام نظام‌های دنیا وجود دارد و بسته به قانون اساسی هر کشور، این صیانت به شکل قضایی یا سیاسی انجام می‌گیرد.

نقش شورای نگهبان در تضمین آزادی‌های مشروع

برخی ادعای می‌کنند که وجود نهادی مانند شورای نگهبان در قانون اساسی خلاف آزادی است و این نهاد آزادی‌ها را محدود می‌کند.

این موضوع بیشتر به حوزه اقناع افکار عمومی و تصویرسازی برمی‌گردد. ضرورت وجود نهادی که از قانون اساسی صیانت کند، هم به لحاظ فقهی و هم به لحاظ حقوقی قابل تبیین است. از لحاظ سیره عقلا در کشورها نیز قابل دفاع است. تصویرپردازی و معتبر ساختن تصمیمات

باید مبتنی بر تحلیل توصیفی فعالیت‌ها باشد. لازم است کار رسانه‌ای بیشتری در این رابطه انجام گیرد.

اتفاقاً برای صیانت از ارزش‌های بنیادی یک جامعه مانند آزادی، استقلال و... که در قانون اساسی هر کشوری آمده است، باید چنین مجموعه‌ای وجود داشته باشد. وجود این مجموعه نه تنها در تضاد با آزادی نیست بلکه به نوعی از مصادره شدن ارزش‌های بنیادین جلوگیری خواهد کرد. یک بخش شورای نگهبان تقنینی و بخش دیگرش اجرایی و عملیاتی (احراز صلاحیت‌ها) است. این نهاد در هر دو حوزه باید با رویکرد پاسداری از ارزش‌ها پیش برود. اگر مجموعه‌ای بخواهد قانونی تصویب کند که با قانون‌های بنیادین تبلور یافته در قانون اساسی تضاد داشته باشد، یک مرجع تصمیم‌گیر برای انطباق تصمیمات باید وجود داشته باشد تا از تصویب و اجرایی شدن آن جلوگیری کند.

یا اینکه اگر یک مجموعه بخواهد در حوزه اجرا همه ارزش‌های مورد قبول را زیر پا بگذارد، یک مرجع باید وجود داشته باشد تا از اقدامات آن مجموعه جلوگیری کند. ورود شورای نگهبان به موضوع احراز صلاحیت عناوین و سمت‌ها به همین دلیل است؛ این کار نه تنها مانع آزادی نیست بلکه تضمین‌کننده تحقق اهداف بنیادین قانون اساسی از جمله آزادی است.

آسیب‌شناسی مشارکت مردم در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی

سؤال بعدی ما درباره نقش قانون اساسی در توسعه مشارکت‌های مردمی است. قانون اساسی تا چه میزان به حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف توجه دارد و این مشارکت‌ها را چگونه می‌توان افزایش و توسعه داد؟

مشارکت یعنی اراده حضور مردم در عرصه‌های مختلف حکمرانی. ذیل اصول مختلف قانون اساسی این حضور به نحوی طراحی و پیش‌بینی شده است. به طور مثال در اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، مشارکت مردم در حوزه اقتصادی برجسته شده است. به عنوان آسیب‌شناسی بیان می‌کنم آیا واگذاری ثروت از بخش عمومی و دولتی به بخش خصوصی که با هدف تأمین مشارکت مردم در حوزه اقتصادی بوده، محقق شده است؟

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بستر برای مشارکت مردم در حوزه اقتصاد طبق اصل ۴۴ فراهم نشده است. ما در دانشگاه آسیب‌شناسی

کردیم که چرا بستر مشارکت فراهم نشده است؟ یکی از مهمترین دلایل این بود که ضوابط و راه‌های انتقال ثروت از بخش دولتی به بخش خصوصی به خوبی مطالعه نشده است. وقتی انتقال‌ها منضبط و با ضوابط انجام نگیرد، اشکالاتی به وجود خواهد آمد. ما می‌خواستیم ذیل اصل ۴۴، مشارکت مردم در حوزه اقتصادی افزایش یابد اما محقق نشد.

حوزه‌های دیگر را هم می‌توان مثال زد؛ در بخش فرهنگی، حوزه‌های سیاست‌گذاری و استفاده از ابزار را در انحصار دولت می‌دانیم و مردم نمی‌توانند در این حوزه‌ها وارد شوند. قلمرو حضور دولت در حوزه فرهنگ به معنای عام باید مشخص شود.

اگر ساختارهای تقنینی، ذیل اصول قانونی قرار بگیرد، می‌تواند مشارکت را تأمین کند و اگر قرار نگیرد، از قانون اساسی گرفته تا سیاست‌های کلی ابلاغی و قواعد موجود، دوگانگی احساس می‌شود که این احساس دوگانگی برای مشارکت خلاء ایجاد خواهد کرد.

نقش عدم تحقق وعده‌ها در کاهش مشارکت

حوزه دوم در رابطه با مشارکت، بحث‌های اجرایی است. عدم توفیق یک گفتمان، مشارکت سیاسی و اجتماعی را کاهش خواهد داد؛ یعنی اگر کسی شعاری مطرح کند و این شعار در حوزه‌های عملیاتی و اجرایی موفق نشود، قطعاً ریزشی در مشارکت ایجاد خواهد کرد. اگر فردی با شعاری در حوزه اقتصادی وارد صحنه شود و نتواند در تحقق آن شعار موفق شود، در مشارکت ریزش به وجود خواهد آورد. این وضعیت در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی نیز وجود دارد. آن کسی که در انتخابات شرکت می‌کند، به امید بهتر شدن وضع موجود مشارکت می‌یابد. حال شورای نگهبان در اینجا چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ اخیراً بحث شد که باید ضوابط و صلاحیت‌هایی برای مناصب مختلف در نظر گرفت. اگر نماینده‌ای با حداقل ضوابط تقنین آشنا نیست، چه باید کرد؟ اگر یک مدیر اجرایی حداقل ضوابط اجرایی را ندارد، چه باید کرد؟ عدم آشنایی با تقنین و عدم توان اجرا موجب ریزش مشارکت شده است.

بنابراین اگر گفتمانی بیاید و در عمل موفق نباشد، مشارکت ریزشی خواهد شد. حال اگر یک اجماع مرکب از عدم موفقیت‌ها درست شود بدین معنا که در سه، چهار گفتمان ناموفق باشد، مشارکت قطعاً آسیب خواهد دید. بنابراین اگر کارآمدی ارتقا یابد، مشارکت هم افزایش خواهد یافت. مشارکت تابعی از کارآمدی است. می‌توان این بحث‌ها را در احراز صلاحیت‌ها مدنظر قرار داد.

این کار نیازمند اصلاح قانون است و اگر قرار است شورای نگهبان عملی در این رابطه انجام دهد باید در چارچوب قانون باشد.



بله باید در قانون انتخابات و چگونگی احراز صلاحیت‌ها اصلاحی صورت بگیرد. البته این سؤال هم مطرح است که آیا بر اساس قانون موجود می‌توان این چالش را برطرف کرد یا خیر؟

ضرورت بازاریابی سیاسی مبتنی بر قواعد فقهی

رهبر معظم انقلاب در انتخابات‌های پیشین، معمولاً از یک سال قبل درباره انتخابات صحبت نمی‌کردند تا فضای کشور انتخاباتی نشود. اما ایشان درباره انتخابات پیش‌رو از ابتدای سال جاری چهار راهبرد «مشارکت»، «سلامت»، «امنیت» و «رقابت» مطرح کردند. شورای نگهبان در مورد سلامت انتخابات مسئولیت مستقیم و در رابطه با سایر راهبردها مسئولیت غیرمستقیم دارد. در باب مشارکت به نظر می‌رسد که بیشتر مسئولیت متوجه دستگاه‌های اجرایی و موضوع معیشت و اقتصاد است. اما برخی به شورای نگهبان هم‌همه می‌کنند و می‌گویند درها را باز کنید و افرادی که واجد

صلاحیت نیستند را تأیید کنید تا سلاقی متکثر شود و مشارکت افزایش یابد. آیا مشارکت با باز کردن درها رخ می‌دهد یا اینکه گروه‌های سیاسی باید به سراغ شایستگان بروند و از آن‌ها بخواهند تا کاندیدا شوند؟ در این رابطه باید درباره وضع موجود و وضع بایسته سخن گفت. متأسفانه ما بازاریابی سیاسی مبتنی بر مبانی فقهی طراحی نکردیم؛ برخی از مشکلات بدین دلیل است. بازاریابی سیاسی یک دانش پیچیده فنی است که در دانشگاه‌های معتبر دنیا درباره آن کار می‌شود.

این موضوع از نظر فقهی قابل بررسی است؟

بله. ما بحث‌های فقهی بازاریابی سیاسی را انجام داده‌ایم و می‌توانیم به نهادهای مختلف ارائه بدهیم که بازاریابی سیاسی مبتنی بر قواعد فقهی چیست.

شورای نگهبان بر اساس مقدمه قانون اساسی که در ابتدای گفتگو

به آن اشاره کردم، باید از ریل‌گذاری کلان نظام پاسداری کند؛ شورای نگهبان باید بر اساس مطالبات اساسی مردم که در قانون اساسی آمده صلاحیت‌ها را احراز کند. درب باز و بسته معنی ندارد، درب باز مبتنی بر هیچ مبنایی نیست. اگر منظور از درب‌های باز و گشوده این است که ضوابط نادیده گرفته شود، هیچ وجه حقوقی و شرعی ندارد. منتهی بحث دیگری مطرح است و آن این‌که نمایندگان افکار و سلاقی ذیل قانون اساسی حضور داشته باشند.

حضور و نامزدی براندازه‌ها در انتخابات که تکلیف‌شان مشخص است و هیچ‌یک از قانون‌های اساسی دنیا مجوز نمی‌دهد که براندازه‌ها در انتخابات‌ها حضور داشته باشند. جالب است که برخی پیشنهاد براندازی بر اساس بعضی از ظواهر قانون اساسی هم ارائه می‌دهند؛ این دیگر از آن چیزهای عجیب و غریب در دنیای امروز است.

بنابراین ذیل قانون اساسی به‌گونه‌ای می‌توان مدیریت کرد تا زمینه مشارکت فراهم شود؛ یعنی اگر کسی ذیل اصل ۴۴ (اقتصاد غیردولتی) سلیقه‌ای دارد این را بدانند که نماینده‌ای دارد و می‌تواند حرفش را بیان کند. یا اگر کسی نگرشی در حوزه فرهنگی دارد که ذیل قانون اساسی است، بدانند که نماینده‌ای دارد و می‌تواند حرفش را بیان کند.

البته من معتقدم که بخش زیادی از افزایش مشارکت متوجه نهادهای دیگر است و تنها تمرکز بر ایفای نقش و مسئولیت شورای نگهبان پوششی برای ضعف‌های دیگر است؛ یعنی یک نفر که نمی‌تواند در حوزه نظری و عملکردی مقبولیت ایجاد کند، به شورای نگهبان حمله می‌کند تا آن ضعف را پوشش دهد.

تفاوت منکرات حوزه حکمرانی با حوزه فردی

یکی از موضوعاتی که در قانون اساسی به آن پرداخته شده اما شاهد بروز و ظهور آن به شکل فراگیر نیستیم و به نوعی مورد غفلت قرار گرفته است، اصل هشتم و موضوع امر به معروف و نهی از منکر و به‌طور خاص امر به معروف و نهی از منکر و نهی از منکر مردم نسبت به دولت است. این اصل از قانون اساسی را چگونه می‌توان عملی کرد و چه راهکارهایی وجود دارد؟

زمانی که نافرمانی مدنی مطرح شد ما بحث‌های فقهی این موضوع را کار کردیم. اگر موافق باشید من به موضوع امر به معروف و نهی از منکر به چند دلیل نپردازم. متأسفانه تلقی سطح

عمومی جامعه از امر به معروف و نهی از منکر بر اساس نگاه فردی است و حکومتی نیست و ساختارها نیز برای تحقق این رسالت اجتماعی که نظارت عمومی را در بر می‌گیرد آماده نشده است. لذا به همین دلیل می‌بینیم که هر از چند گاهی نسبت به یک منکر، در مسجد، روزنامه، شبکه تلویزیونی و... داد زده می‌شود که این برخوردها خیلی فنی نیست. منکرات حوزه حکمرانی با منکرات حوزه فردی متفاوت است. یک وقت من به عنوان رئیس دانشگاه کاری انجام می‌دهم که حکمرانی من و حکمرانی بر علم من باید مورد ارزیابی قرار بگیرد و این موضوع با اینکه شخص بنده احکام شرعی را رعایت نکنم تفاوت دارد. بنابراین سازوکار مواجهه با منکرات حوزه حکمرانی با سازوکار مواجهه با منکرات فردی نیز متفاوت است.

من در یک جلسه به صورت مفصل در این باره صحبت کردم و به توضیح حرام فقهی و حرام سیاسی پرداختم. اینکه حرام سیاسی چیست

و نحوه مواجهه با آن چگونه است؟ آیا نحوه مواجهه با حرام سیاسی با نحوه مواجهه با حرام فقهی یکسان است؟ و در نهایت عنوان کردم که سیاست‌گذاری فرهنگی در قبال حرام سیاسی کدام ریل و مسیر را باید طی کند. در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر هم آثاری آماده شده که می‌توان استفاده کرد.

مواجهه با مسائل مدرن و پیچیده باید چگونه باشد؟

اگر اجازه بفرمایید من بحثی درباره وضع بایسته شورای نگهبان داشته باشم. امام خمینی (ره) در رفت و برگشتی که فقهای محترم شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی داشتند که منجر به تأسیس مجمع تشخیص مصلحت شد (البته در آنجا گروهی برای تشخیص مصلحت در نظر گرفته شد که در بازنگری قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت تأسیس شد) جمله مهمی بیان فرمودند؛ امام (ره) فرمودند که «اجتهاد مصطلح در حوزه‌های علمیه کافی نیست.»

چه اتفاقی رخ داده بود که امام (ره) این جمله را بیان کردند؟ قانون کار پیش‌زمینه این اتفاق بود. فقها براساس احکام اولیه عنوان کردند که مصوبه مجلس را تأیید نمی‌کنند و آن را مغایر شرعی دانستند اما مجلس اصرار داشت که مصلحت نظام اقتضا می‌کند روابط موجر و مستأجر اصلاح شود.

معنای مصلحت چیست؟ مصلحت یعنی آن عنصری که واقعیت‌های اجتماعی را ذیل موازین شرعی مدیریت کند؟ این تعریف اجمالی و مختصر از واژه مصلحت است.

امام (ره) در آن نامه‌ای که در خصوص مصوبه قانون

کار بین شورای نگهبان و مجلس اختلاف به

وجود آمده بود، در منشور برادری، دو جمله

بیان فرمودند؛ ایشان عنوان کردند (نقل

به مضمون) اگر آقایان فقهای شورای

نگهبان قبل از اینکه این اشکالات

به وجود بیاید، مصالح را مدنظر قرار

می‌دادند شاید نیازی به تأسیس

اینگونه نهادی نبود.

ما یک انطباق احکام فردی با موازین

شرعی داریم که این یک مدل ارزیابی

است، اما مگر می‌شود در مورد

مسائل و نهادهای پیچیده مانند

پول، بانک، ارز و انفال با عرضه به

فقه فردی حکم آن را پیدا کرد؟ یکی

از بحث‌ها ذیل اصل ۴۴ این است که ضوابط انتقال انفال به بخش خصوصی چیست؟

نحوه مواجهه فقها و حقوقدانان شورای نگهبان با مسائل مدرن می‌تواند با دو رویکرد صورت بگیرد؛ یک رویکرد می‌تواند جزءنگر باشد که خروجی آن این شده که مراجع انتقاد دارند که خروجی بانک‌ها مشروع نیست، چرا خروجی بانک‌ها مشروع نیست؟ این یک بحث فنی فقهی دارد.

امام (ره) در تذکر به شورای نگهبان فرمودند که روابط پدیده‌های مدرن، ماهیت پدیده‌ها را تغییر می‌دهد؛ بانک یک پدیده مدرن است و اینگونه نیست که به ۳۰ گزاره حلاجی کنیم و بعد یکی یکی حل کنیم.

آیا مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأیید شورای نگهبان است؟

ماجرای مضاربه اکنون همین‌گونه است؛ مضاربه یعنی اینکه من پول می‌دهم، شما کار انجام می‌دهید و اگر سود حاصل شد برابر توافقی که کرده‌ایم تقسیم خواهد شد. حال اگر من شرط کنم من پول می‌دهم، شما کار انجام دهی و اگر خسارتی حاصل شد بر عهده من نیست، تکلیفش چیست؟ اگر این موضوع در فقه فردی بررسی شود، درست است اما وقتی بانک به عنوان یک نهاد مدرن تمام قواعد بانکی‌اش را بر من الزام می‌کند تا بر بانک هیچ خسارتی نباشد و تمامی خسارت بر مضارب و عامل منتقل شود، مشروع نیست.

امام (ره) به فقهای شورای نگهبان فرمودند که اگر شما این مصالح را در نظر بگیرید شاید نیاز به جای دیگری نباشد. قانون اساسی هم می‌گوید که مرجع تشخیص انطباق با شرع شورای نگهبان است؛ یعنی در همه اصول و در همه جا شورای نگهبان باید تشخیص بدهد. دیوان عدالت اداری هم اگر احساس کند که یک چیزی غیرشرعی است، خودش نمی‌تواند ورود کند و باید از فقهای شورای نگهبان بپرسد.

اگر مجلس و شورا در مورد مصوبه‌ای اختلاف داشته باشند، آن مصوبه به مجمع خواهد رفت؛ آیا آنچه در مجمع تصویب می‌شود، مورد تأیید شورای نگهبان است و آیا نباید شورای نگهبان آن را تأیید کند؟

پول و بانک با فقه فردی تحلیل نمی‌شود

محدوده و حدود و ثغور اینکه یک فقیه می‌خواهد

مصوبات را با شرع انطباق بدهد، چیست؟ فقیه در کجا باید

به مسائل اجتماعی توجه کند؟

آیا مردم (منظور ساختارهای نظام است که مبتنی بر اراده مردم شکل گرفته) وقتی به شورای نگهبان مراجعه می‌کنند، به عنوان مکلف فردی رجوع پیدا می‌کنند؟ قطعاً اینگونه نیست. فرد در حوزه تقلید به مرجع تقلیدش مراجعه می‌کند که آیا این موضوع فردی مجاز است یا خیر؟ به‌طور مثال خونی که در تخم مرغ است پاک است یا نجس؟ اختلاف فتوا هم ممکن است وجود داشته باشد و اشکالی در فقه فردی به وجود نخواهد آورد. اما شورای نگهبان محل رجوع و عرضه ساختارهای سیاسی بر موازین شرعی است.

شورای نگهبان در انطباق مصوبات می‌تواند دو



رویکرد داشته باشد؛ نخست رویکرد فردی فرعی و دیگری رویکرد ساختاری سیستمی. من بانک را مثال زدم؛ امام (ره) نیز می‌فرمایند که بانک، پول و ارز از مسائل پیچیده است. پول واقعاً پدیده پیچیده‌ای است، اما نباید با نگاه فردی پول را تحلیل کرد.

بانک به عنوان یک نهاد مدرن در دولت مدرن یک کارکرد اصلی دارد و آن «تجهیز و تخصیص منابع» است؛ یعنی پول‌های خرد را از مردم می‌گیرد و به آن‌هایی که مولد هستند، می‌دهد. به فرض آن بانک (مبتنی بر ربا) ۲۰ درصد ربح می‌گیرد و به مردم ۱۵ درصد سود می‌دهد، مابه‌التفاوت هم به بانک

می‌رسد. حال نهاد بانک را باید بر اساس عقود مبادله‌ای طراحی کرد یا بر اساس عقود مشارکتی؟ بانک در نهاد مدرن شریک نمی‌شود. اکنون در موضوع بانک تکتک گزاره‌های فقهی درست است اما خروجی مشروع نیست، چه باید کرد؟

بنابراین شورای نگهبان مرجع تصمیم‌گیری برای حیات اجتماعی است و نه حیات فردی. درباره حیات فردی که هر یک از افراد مقلد یکی از مراجع هستند؛ ما می‌خواهیم ببینیم آیا ساختارها مبتنی بر فقه است؟ اگر با این نوع نگاه جلو برویم شاید اتفاقات خوبی در طراحی ساختارها به وجود آید.

من مشاور و راهنمای ۵ رساله دکتر دربارہ چالش‌های نظام بانکی بودم؛ در آن رساله‌ها جمع‌بندی شد که تکتک گزاره‌ها بر اساس استفتاهایی که صورت گرفته مجاز است، اما وقتی ساختار طراحی شد، خروجیش منطبق با موازین شرعی نبود.

نقل قولی از آیت‌الله مهدوی‌کنی درباره آیت‌الله جنتی

سؤال پایانی مادر باره آیت‌الله جنتی است؛ شما عضو مجلس خبرگان رهبری هستید که ایشان ریاست آن را بر عهده دارد. ممنون می‌شویم درباره ویژگی‌های شخصیتی ایشان نیز نکاتی بیان بفرمایید و اگر خاطره‌ای دارید بگویید.

تجلیل از شخصیت آیت‌الله جنتی یک ضرورت و رسالت است. من دو مؤلفه در رابطه با ایشان عرض می‌کنم که البته باید تفصیلاً به آن ورود پیدا کرد. دو عنصر در حیات بیش از نود ساله آیت‌الله جنتی برجسته است؛ یک تکلیف‌گرایی و دوم استقامت و صلابت در مسیر حق؛ یعنی پذیرش

هزینه‌های صلابت و استقامت در موضع حق که خیلی مهم است. یکی از آفت‌هایی که امروزه به کسانی که در حوزه حکمرانی مشغول هستند، وارد می‌شود این است که عمل بر اساس ضابطه نباشد. استقامت در مسیر الهی نباید با ملامت‌ها تغییر موضع ایجاد کند. آیت‌الله جنتی در این حوزه یا بی‌نظیر یا خیلی خیلی کم‌نظیر است. اگر به حیات سیاسی-اجتماعی این مرد نگاه شود تکلیف‌گرایی (این موضوع خیلی مهم و یک عنصر مهم در بازاریابی سیاسی است) به خوبی دیده می‌شود.

در ماجرای فتنه ۸۸ وقتی فشار زیاد می‌شد، بسیاری از خواص تاب تحمل هزینه‌ها را نداشتند. هزینه‌ها هم دو گونه است؛ یکی هزینه‌های اصولی برای دفاع از مبانی است و دیگری هزینه‌های جانبی است. من هزینه‌های دفاع از مبانی و ارزش‌ها را می‌گویم، ایشان در وسط میدان ایستاد و از حق الناس با وجود هزینه‌های فراوان دفاع کرد. البته نقش رهبری و مواضع ایشان در صیانت از آرای مردم نیز بی‌بدیل بود.

یک‌بار خدمت آیت‌الله مهدوی‌کنی رسیدم-حول وحوش سال ۸۵ بود-؛ به مناسبتی ذکر نام آیت‌الله جنتی به میان آمد؛ ایشان جمله‌ای به من گفت، من از ایشان خواستم که آن جمله را با عنایت تکرار کنند؛ آن جمله این بود که «من بیش از ۴۰ سال است که با آیت‌الله

جنتی حشر و نشر دارم، یک‌جا خلاف اراده خدا من از ایشان مشاهده نکردم.» من به آیت‌الله مهدوی‌کنی گفتم که این حرف عجیب است و ایشان گفت که من این جمله را با تأمل گفتم.

شخصیت ارزشمندی که اینگونه خودش را برای انقلاب و صیانت از انقلاب فدا کند و این همه هزینه بدهد کم پیدا می‌شود؛ واقعاً یا پیدا نمی‌شود یا کم پیدا می‌شود و لازم است که از این شخصیت تجلیل شود.

در مجلس خبرگان هم ایشان چند ویژگی دارد؛ نخست اینکه در جلسات حضور می‌یابد و با دقت به سخنان حاضران گوش می‌دهد و حضور ایشان در جلسات پررنگ است. دوم اینکه نسبت به درد مردم دغدغه دارد و در نطق‌های افتتاحیه و در ضیافت شام که بحث می‌شود، ایشان در هر موضوعی که ورود پیدا می‌کنند، معیشت مردم و وضع اقتصادی را مطرح می‌کنند و این نشان می‌دهد که علمای اصیل، نسبت به وضعیت زندگی مردم دغدغه‌های جدی دارند.



یادداشت حسین شریعتی — داری نماینده ولی فقیه و مدی — رمسئول روزنامه کیهان؛

پایه پای انقلاش ورای نگهبان

۱. تاسیس و تشکیل یک نظام حکومتی، تمام کار نیست. نظام حکومتی بعد از تاسیس به حفاظت و حراست نیاز دارد. چراکه اگر در ساختار نظام هیچ نهاد و مرکزی برای حفظ اصول و مبانی نظام وجود نداشته باشد، کمترین امیدی به بقای آن نیست.

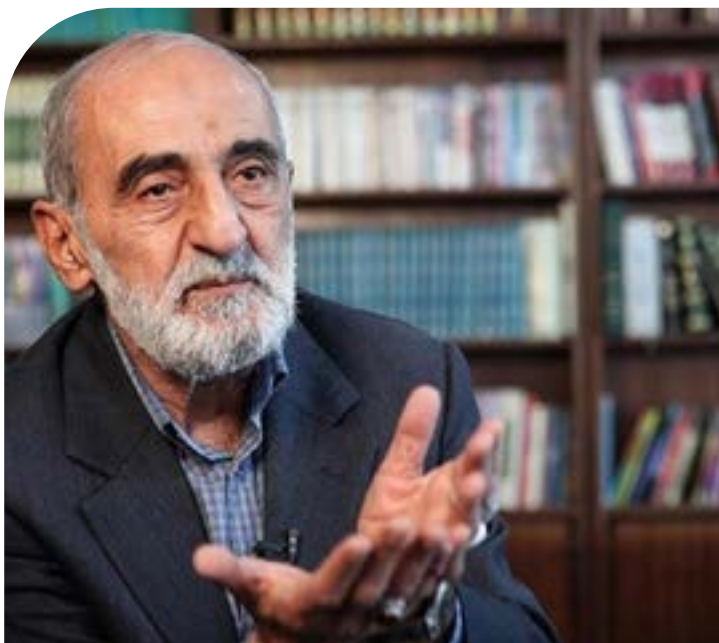
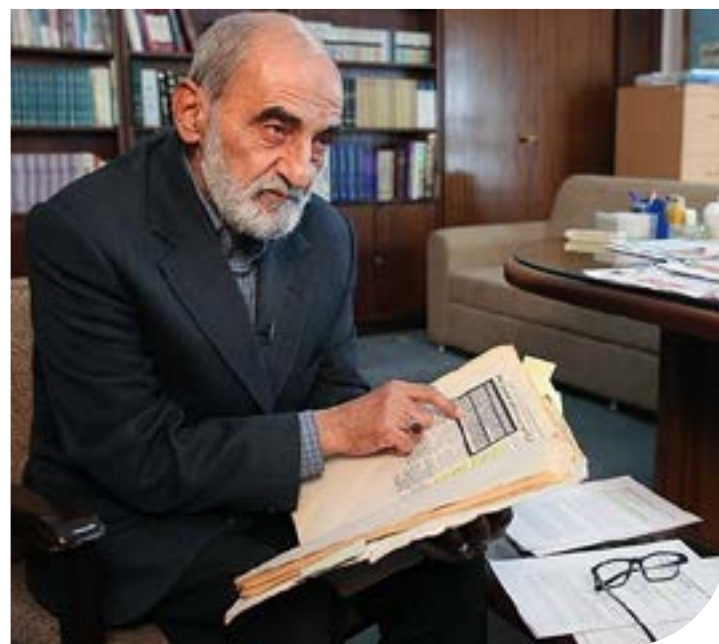
تصور این که در یک نظام حکومتی هیچ نهاد و مرکزی برای نظارت بر مفاد قوانین، صلاحیت مسئولان و انطباق قانون با مبانی مورد قبول نظام، وجود نداشته باشد، نه فقط تعجب آور است، بلکه احمقانه نیز هست. فرض کنید که مسئولان نظام کسانی باشند که به نظام اعتقادی ندارند! و یا قوانینی که در قوه مقننه وضع می شود با مبانی و اصول نظام همخوانی نداشته و با آن در تعارض باشد! بدیهی است که یک نظام حکومتی با این مختصات کمترین زمینه ای برای تداوم و بقا نخواهد داشت. شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران برای تامین این نیاز ضروری و حیاتی پیش بینی شده و در قانون اساسی گنجانده شده است.

۲. وجود یک مرکز و نهاد با مسئولیت حفاظت از اصول و مبانی یک نظام حکومتی منحصر به ایران اسلامی و شورای نگهبان نیست بلکه در ساختار تمام نظام های حکومتی دنیا (غیر از نظام های قبیله ای یا حکومت هایی که با دیکتاتوری مطلق اداره می شوند، نظیر عربستان و امارات) مرکز و یا نهادهای شبیه شورای نگهبان وجود دارد که وظیفه آن مراقبت بر وضع قوانین و تأیید یا رد صلاحیت کسانی است که به مسئولیت های کلیدی نظیر ریاست جمهوری، نخست وزیری، وزارت، نمایندگی مجلس و... گمارده می شوند. این نهاد در برخی از کشورها با عنوان «دادگاه قانون اساسی» در ساختار نظام گنجانده شده و از عالی ترین رتبه حکومتی برخوردار است و از این روی «دادگاه عالی» نامیده می شوند. حوزه اصلی اختیارات این دادگاهها نظارت بر قوانین مصوبه و بررسی سازگاری یا ناسازگاری آن ها با قانون اساسی است. در این و جیزه به دیوان عالی قانون اساسی در آمریکا اشاره ای گذرا داریم. این بررسی اجمالی به وضوح نشان می دهد که شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر موارد مشابه مترقی ترین، علمی ترین و مردمی ترین آن هاست.

۳. دیوان عالی قانون اساسی در آمریکا سوپریم کورت - Supreme Court of the United States - نامیده می شود و در هرم قضایی آمریکا از بالاترین جایگاه برخوردار است.

سوپریم کورت از ۹ قاضی تشکیل شده است. قضات دیوان عالی از سوی رئیس جمهور آمریکا و با رای اعتماد مجلس سنا منصوب می شوند. ماموریت و مسئولیت قضات دیوان عالی مادام العمر است و هیچ مقامی حتی رئیس جمهور، سنا، مجلس نمایندگان و کنگره حق عزل آنها را ندارند (مقایسه کنید با انتصاب فقها و انتخاب ۶ حقوقدان شورای نگهبان). دیوان عالی آمریکا، تنها مرجع تفسیر قانون اساسی است (همان وظیفه ای که شورای نگهبان برعهده دارد و رسانه ها و محافل غربی و پادوهای داخلی آن ها علی الدوام علیه آن تبلیغ کرده و دست به شانتاژ می زنند).

ماموریت دیگر سوپریم کورت نظارت بر مصوبات کنگره، مجلس



نمایندگان و مجلس سنای آمریکا است و چنانچه قوانین تصویب شده با قانون اساسی آمریکا مغایرت داشته باشد به دستور سوپریم کورت از درجه اعتبار ساقط می شود. (باز هم مقایسه کنید با تبلیغات پر حجم دشمنان علیه همین ماموریت شورای نگهبان).

دیوان عالی قانون اساسی آمریکا بالاترین مرجع تصمیم گیری در حوزه ماموریت ها و وظایف خود است و هیچ مقامی حق عدول و سرپیچی از تصمیمات آن را ندارد.

اعضای سوپریم کورت براساس سلیقه و نظر خود تصمیم می گیرند و موظف به انطباق تصمیمات خود با هیچ قانون و دستورالعملی نیستند! (مقایسه کنید با تصمیمات شورای نگهبان که باید برای هریک از این تصمیم ها توجیه و توضیح قانونی داشته باشد و مغایرت فلان مصوبه با قوانین اسلامی و یا قانون اساسی را اعلام کند).

اعضای دیوان عالی آمریکا در مقابل هیچ مرجع و کانون دیگری پاسخگو نیستند (بازهم مقایسه کنید با شورای نگهبان خودمان) به عنوان مثال در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا علی رغم آن که تعداد آراء «الگور» از جرج بوش بیشتر بود، سوپریم کورت جرج دبلیو بوش (بوش پسر) را برنده انتخابات اعلام کرد و آب هم از آب تکان نخورد!

۴. اگرچه همه ماموریت های شورای نگهبان ضرورت بنیادین دارند ولی در میان وظایف و ماموریتی که در قانون اساسی برای شورای نگهبان تعریف شده است، دو ماموریت از بیشترین اهمیت برخوردار بوده و در حفظ و حراست از موجودیت نظام نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده دارند. اول؛ نظارت بر قوانین و مصوبات به منظور عدم مغایرت آن ها با قانون اساسی و احکام شرعی و دوم؛ بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلسی خبرگان رهبری.

شورای نگهبان با انجام این دو ماموریت، راه ورود عناصر و عوامل ناهم خوان با مبانی اصلی نظام به کانون ها و مراکز تصمیم ساز و سیاست پرداز جمهوری اسلامی سد می کند و این به تنهایی تضمین کننده حفظ، تداوم و بقای نظام است و منحصر به شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران نیز نمی باشد بلکه در تمام نظام ها و سیستم های حکومتی به عنوان یک اصل بدیهی و غیر قابل خدشه تعریف شده و انجام می پذیرد. بدیهی از این روی که سپردن مسئولیت های کلیدی یک نظام حکومتی به کسانی که (به هر علت) با مبانی نظام زاویه دارند و یا به دلایل دیگری صلاحیت های لازم برای تصدی آن مسئولیت را ندارند، زمینه سازی برای فروپاشی و سقوط نظام است و چنانچه از روی عمد باشد، «خیانت» و در غیر این صورت «حماققت» است و حالت و احتمال سومی در میان نیست.

۵. شورای نگهبان یکی از مردمی ترین نهادها در ساختار جمهوری اسلامی است، چرا؟!

اول آن که از موجودیت جمهوری اسلامی ایران که امانت مردم است حفاظت می کند و دوم این که با بررسی و تأیید یا رد صلاحیت نامزدها به مردم در انتخاب گزینه مطلوب و پرهیز از حضور افراد نامطلوب و فاقد صلاحیت در مراکز کلیدی نظام کمک می کند.

توضیح آن که شناخت هویت نامزدها برای همه مردم امکان پذیر نیست چرا که به اطلاعات لازم برای پی بردن به هویت آن ها دسترسی ندارند و از سوی دیگر این اطلاعات نمی تواند و نباید به صورت علنی اعلام شود، زیرا پای آبروی نامزدها در میان است و از جمله آن که ممکن است فلان نامزد صلاحیت لازم برای کاندیداتوری ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و یا مجلس خبرگان را نداشته باشد ولی در همان حال برای تصدی برخی از مسئولیت های دیگر مناسب باشد و یا فلان نامزد نقطه نامطلوبی در کارنامه خود داشته باشد که اعلام آن بازی با آبرو و حیثیت وی تلقی شود. حُب چاره چیست؟

در این نقطه است که شورای نگهبان به عنوان نهادهای متشکل از اعضای مومن، آگاه و با تقوا به کمک مردم می شتابد. اطلاعات لازم درخصوص نامزدها را از مراجع ذیربط دریافت می کند و با بررسی های میدانی که توسط ناظران گزینش شده شورا انجام می پذیرد، اطلاعات بیشتری به دست

هفته وحدت و سالروز میلاد
حضرت محمد (ص) و امام صادق (ع)
بر تمام مسلمانان مبارک باد

محرم مصطفی تعظیم



۷. حالا و بعد از شرحی که درباره شورای نگهبان و جایگاه سرنوشت ساز آن از نظر تان گذشت، وقت آن است که از میان ده ها نظری که حضرت امام و رهبر معظم انقلاب درباره شورای نگهبان بیان کرده اند به دو جمله از این دو بزرگوار نگاهی بیاندازید.

«وظیفه شورای نگهبان حفظ نظام جمهوری اسلامی است که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی کند» (امام خمینی (ره)).

«بود و نبود شورای نگهبان به معنای بود و نبود نظام جمهوری اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نباید بکنید» (رهبر معظم انقلاب).

این دیدگاه درباره شورای نگهبان را با دیدگاهی که به حکمت درباره جایگاه سپاه مطرح شده است مقایسه کنید. چه شباهت عجیبی دارند... «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود» و «بود و نبود شورای نگهبان به معنای بود و نبود نظام جمهوری اسلامی است».



می آورد. مجموعه این اطلاعات بعد از بررسی و راستی آزمایی به تأیید و یا رد صلاحیت نامزد مربوطه منجر می شود.

حالا دیگر مردم در صلاحیت نامزدهای معرفی شده تردیدی ندارند و تنها سلیقه های متفاوت سیاسی در انتخاب این یا آن نامزد نقش دارد. همین جا باید به این نکته عالمانه از قول حضرت آقا اشاره کرد که می فرموده اند: «سهوها و نسیانها و خطاها در همه امور، متصور است و از همه کس قابل صدور است، آن ها بحث دیگری است؛ اما پیکره نظام، انطباقش با اسلام، انطباقش با موازین اسلامی و با قانون اساسی، مرهون حضور و دقت شورای نگهبان است و کار بسیار بزرگی است».

۶. گفته می شود - و دور از انتظار هم نیست - که ۷۰ درصد کسانی که به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در قید حیات بوده اند، از دنیا رفته اند و بر این اساس ادعا می کنند که رفراندوم تعیین نوع حکومت از استواری و اتقان قبلی برخوردار نیست! در این خصوص گفتنی ها بسیار است ولی در این وجیزه به چند نکته کوتاه و مستند اشاره می شود:

الف) حضور چند ده میلیونی مردم در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و نمونه های مشابه دیگر، به وضوح حکایت از آن دارد که اگر هم مردم به برخی از عملکردها انتقاد داشته باشند - که طبیعی نیز هست - ولی به اصل نظام کاملاً وفادار هستند.

ب) در تشییع پیکر مطهر سردار دلها، شهید حاج قاسم سلیمانی، چند ده میلیون از مردم ایران اسلامی در سراسر کشور حضور یافته بودند و اگر قرار بود به درخواست همه شهرها برای تشییع جداگانه پیکر مطهر آن شهید بزرگوار پاسخ مثبت داده شود، چه بسا که تدفین آن عزیز به چند ماه بعد از شهادتش موکول می شد. حاج قاسم نماد انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و اعتقاد راسخ به امام راحل و خلف حاضر ایشان بود.

ج) در سال گذشته سرود «سلام فرمانده» که با توجه به لطافت آهنگین و صلابت آهنگین آن به جرات می توان گفت که برگه هویت انقلاب اسلامی و شناسنامه ملت های مسلمان است، با سرعتی فراتر از تصور و با شتابی معجزه گون، نه فقط سراسر ایران اسلامی را فرا گرفته، بلکه مرزهای جغرافیایی را نیز پشت سر گذاشته و هرجا مسلمانی هست و در هر منطقه ای که مسلمان نشین است، دل ها را به تسخیر درآورده است. این استقبال بی نظیر (و نه کم نظیر) به چه معنی است؟!

د) و ده ها نمونه غیر قابل انکار دیگر از گسترش روزافزون الگوی جمهوری اسلامی ایران که شرح آن مثنوی هفتاد من کاغذ است و به درازا می کشد. شورای نگهبان از این امانت گرانقدر مردم ایران و به بیان جامع تر از این امانت گران بهای جهان اسلام و همه ملت های مسلمان حفاظت می کند.





گفتگو با دکتر مرتضی نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

راه‌گشایی تفاسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی

دکتر سیدمرتضی نبوی از سال ۱۳۷۵ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. او در دولت‌های دوم و سوم وزیر پست و تلگراف و تلفن بود و در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی نیز به نمایندگی از مردم تهران در آن مجالس حضور پیدا کرد. وی علاوه بر این مسئولیت‌ها در دوره‌ای عضو هیات عالی حل اختلاف قوا و اکنون نیز عضو هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است. در ادامه گفتگو با این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام رادر ادامه می‌خوانید:

در آستانه سالروز تأسیس شورای نگهبان قرار داریم. به نظر شما این نهاد تا چه میزان در بررسی مصوبات با موازین شرع و اصول قانون اساسی موفق عمل کرده است؟

بیست و ششم تیر ماه سالروز تأسیس نهاد «شورای نگهبان» است. این نهاد مبارک طبق اصل ۹۱ قانون اساسی به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی به وجود آمده است. مسئولیت این نهاد تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی است. این نهاد حقوقی - فقهی با توجه به ترکیب آن که از حقوقدانان و فقها تشکیل شده، برای تشخیص

عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی کاملاً مناسب طراحی شده و طی بیش از ۱۰ دوره قانون‌گذاری خدمات شایانی انجام دادند. مباحث و استدلال‌های این نهاد و اعضای محترم آن برای علاقه‌مندان به حقوق

و فقه بسیار آموزنده و گران‌بهاست. رویه‌هایی هم که این نهاد برای تشخیص «عدم مغایرت» بدان دست یافته بسیار کارساز می‌باشد. در دسترس قرار گرفتن مباحث و استدلال‌های شورای نگهبان برای پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های ذیربط یک اقدام بسیار راهگشا و مفید برای علاقه‌مندان است و می‌تواند منبعی برای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا باشد.

یکی دیگر از وظایف شورای نگهبان تفسیر اصول قانون اساسی است. عملکرد شورادر این رابطه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در طول بیش از چهار دهه که از عمر جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، حکمرانی و قانونگذاری با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است. اختلاف قوا در برداشت از اصول قانون اساسی یکی از پرچالش‌ترین مسائل حکمرانی بوده است.

اینجانب به عنوان فردی که عضو هیات عالی حل اختلاف قوا بوده، شاهد بودم که تفسیر شورای نگهبان از برخی اصول قانون اساسی (طبق اصل ۹۸) که ابهاماتی در مورد آن‌ها وجود دارد و منشأ بروز اختلاف بین قوا شده راهگشا و برطرف‌کننده اختلافات بوده است. این‌گونه تفاسیر برای طلاب و پژوهشگران فقه و حقوق و سایر رشته‌های مرتبط بسیار آموزنده است.

در مجموع می‌توان گفت شورای نگهبان در صیانت از احکام اسلام و قانون اساسی و همچنین تفسیر اصول آن بسیار مؤثر و موفق ظاهر شده است.

ارتباط شورای نگهبان با مجمع تشخیص مصلحت نظام و هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را چگونه برآورد می‌کنید؟

از خدمات ارزنده شورای نگهبان طی سال‌های اخیر ایجاد ضمانت اجرایی برای رعایت سیاست‌های کلی رهبری در امر قانون‌گذاری است. این مأموریت را شورای نگهبان اصالتاً و وکالتاً به انجام می‌رساند. طبق بند ۱ اصل ۱۱۰، رهبری سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و طبق بند ۲ اصل ۱۱۰ بر حسن اجرای آن نظارت می‌کنند.

این وظیفه یا مأموریت یعنی نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی را رهبری به جمعی از مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کرده‌اند. این جمع به هیات عالی نظارت بر سیاست‌های کلی نام برده شده است. شورای نگهبان با هدایت رهبری و نیز اصالتاً، رعایت نظرات هیات عالی نظارت بر سیاست‌های کلی را در مصوبات مجلس شورای اسلامی تضمین می‌کند.

بخش دوم سوالات ما درباره قانون

اساسی است. قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک میثاق ملی شناخته می‌شود. چه ساز و کاری باید اتخاذ شود تا با توجه به برخی التهابات که در کشور اتفاق افتاد، این ساختار به عنوان میثاق ملی، موجب همبستگی اجتماعی شود؟

در قانون اساسی به حق حاکمیت ملت، حقوق ملت، اصول حاکم بر قانون‌گذاری و شکل‌گیری نظام حقوقی کشور و ساختار سیاسی نظام و... پرداخته شده است. در ایران با توجه به اقوام و مذاهب گوناگون برای اینکه همبستگی اجتماعی حفظ شود باید کرامت انسانی همه آحاد ملت از هر قومی و مذهبی رعایت شود و حاکمیت قانون برای تمام مسئولان و مردم به طور یکسان اعمال گردد. باید همه احساس کنند در برابر قانون مساوی هستند و در حمایت قانون قرار دارند.

نظام حقوقی باید شفاف، منسجم و کارآمد باشد تا پشتوانه‌ی خوبی برای کارآمدی نظام سیاسی و تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی عادلانه شود.

خلاءهای ساختاری قانون اساسی مانند جایگاه احزاب، مجلس دوم و حدود اختیارات قوا باید ترمیم شود که اختلافات قوا برطرف و نقش مردم در مشارکت سیاسی تثبیت شود.

نقش مردم در تحقق اصول قانون اساسی چیست؟

در این قانون به نقش مردم در تشکیل شوراهای انتخاباتی، اقتصاد خصوصی و تعاونی و... اشاره شده است.

باید بسترهای قانونی برای نقش مردم در «تصمیم‌سازی» و «تصمیم‌گیری» فراهم شود. نقش احزاب در انتخابات و مجلس و دولت و... روشن نیست و تثبیت نشده است. امروزه حکمرانی الکترونیک امکان مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را فراهم کرده است که متأسفانه در این زمینه در اول راه هستیم.

قوانین و نظام اداری ما به جای اینکه نقش مردم را در نظام ارتقا بخشد، مانع مشارکت مردم حتی در زمینه‌های اقتصادی است. همچنان دولت در اقتصاد فعال ما پیشاء است.

قانون اساسی ما به مثابه اولین قانون برای ساختار سازی حکومت دینی طراحی شده است. به نظر شما این امر تا چه میزان محقق شده است؟

تجربه موفقی برای نظام‌سازی اسلامی بوده است منتهی با تجربیات چهار دهه ابهامات و نواقص قانون اساسی مشخص شده که باید اصلاح و تکمیل شود تا الگوی موفقی را از جمهوری اسلامی به دنیا ارائه کند. تاخیر در اصلاح و تکمیل توهم ناکارآمدی نظام را القا خواهد کرد.



گفتگو با دکتر حسین مظفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

آیا در انتخابات اصل بر برائت است؟

دکتر حسین مظفر از سال ۱۳۸۰ با حکم رهبر معظم انقلاب عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. وی پیش از آن وزیر آموزش و پرورش دولت هفتم بود و در برهه‌ای که در مجمع بود، ۲ دوره (دوره‌های هفتم و نهم) نماینده مجلس شورای اسلامی شد.

البته سوابق وی محدود به عضویت در مجمع، تصدی یک وزارتخانه و نمایندگی مجلس نیست. دکتر مظفر در عرصه‌های مبارزه، جهاد و خدمت‌رسانی نیز حضور داشته است. او در دوره‌ای که سرباز و دانشجو بود به مبارزه با نظام شاهنشاهی پرداخت و با عضویت در گروه «توحیدی صف» با مسئولیت شهید محمد بروجردی اقدامات تشکیلاتی برای سرنگونی رژیم پهلوی انجام داد.

در دوران جنگ تحمیلی نیز علاوه بر اینکه خود در عملیات‌هایی حضور داشت و جانباز شد، در جریان عملیات مرصاد سه تن از برادرانش به نام‌های حسن، علی و رضا توسط منافقین به شهادت رسیدند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز عضو منتخب مردم تهران در شورای عالی هلال احمر ایران بود.

وی که سال‌ها در وزارت آموزش و پرورش فعالیت و مسئولیت داشته هم اکنون عضو کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام است و در هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام نیز عضویت دارد. او معتقد است که مسئولیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران را باید به افراد شایسته سپرد و برای اینکه موضوع محقق شود شورای نگهبان باید به بررسی و احراز صلاحیت‌های داوطلبان بپردازد. مظفر همچنین می‌گوید: کسانی که می‌خواهند در یک نظام مسئول بشوند، نباید اپوزیسیون آن نظام باشند یا بشوند. در ادامه گفتگو با این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام رادر ادامه می‌خوانید:

ابتدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنیم. قانون اساسی هر کشوری میثاق ملی مردم آن سرزمین است. چگونه می‌توان از این قانون اساسی حراست و پاسداری کرد؟ کشورهای دیگر چگونه از آن پاسداری می‌کنند؟ و حراست از قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با حراست از قانون اساسی در دیگر کشورها دارد؟

قانون اساسی مهمترین سند حقوقی هر کشور است. همه کشورها تلاش‌شان این است که آن قانون را طی برگزاری یک همه‌پرسی به تایید عموم مردم برسانند. از این رو قانون اساسی به عنوان میثاق‌نامه ملی شناخته می‌شود و همه دستگاه‌ها و نهادها در یک کشور باید آن را بپذیرند و طبق آن عمل کنند.

قانون اساسی در هر کشوری سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان را برای تمامی ارکان یک نظام سیاسی مشخص می‌کند. اصول قانون اساسی باید تابلوی رفتاری قوای سه‌گانه و حاکمیت باشد. از این رو لازم است که از قانون اساسی حراست شود.

راه‌های حراست از قانون اساسی

یک راه برای حراست از قانون اساسی مبتنی بر ساده‌اندیشی است و اینکه امیدوار باشیم قانون اساسی مورد توجه قرار خواهد گرفت و دولت‌ها، مجالس و مردم منافع حزبی، محلی و شخصی را کنار خواهند گذاشت و بدان عمل خواهند کرد. اما ممکن است رئیس‌جمهوری و مجلسی به قدرت برسد و سیاست‌ها و برنامه‌هایی را دنبال کند که در تضاد و مخالفت با قانون اساسی باشد. بنابراین با اجرای چنین راه‌حلی، اصول قانون اساسی همواره در معرض خطر نقض و بی‌توجهی خواهد بود.

نیز متفاوت است و در تعدادی از کشورها روسای جمهور ادوار گذشته عضو این شورا هستند. در بعضی از کشورها نیز دادگاه‌ها عهده‌دار پاسداری از قانون اساسی می‌باشند. آن‌ها هر مصوبه یا قانونی را که در تضاد با قانون اساسی باشد، رد یا باطل می‌کنند. در برخی از کشورها نیز یک قاضی این کار را انجام می‌دهد. در نظام‌های پادشاهی و سلطنتی هم حاکم خود از قانون اساسی حراست خواهد کرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نهاد «شورای نگهبان» برای حراست و پاسداری از قانون اساسی پیش‌بینی شده است. البته چون نظام ایران یک نظام دینی است، این نهاد از شرع نیز حراست و پاسداری می‌کند.

بنابراین هر کشوری که قانون اساسی دارد، راهی برای حراست و پاسداری از آن تعبیه کرده تا سایر قوانین و مصوبات در چارچوب قانون اساسی باشد و به این میثاق ملی خدشه‌ای وارد نشود.

در رابطه با اعضای شورای نگهبان هم باید گفت که ترکیب خوبی پیش‌بینی شده که جمعی از فقها و حقوقدانان هستند. این ترکیب پوشش‌دهنده دو بُعد پاسداری از شرع و پاسداری از قانون اساسی است.

همچنین در هر کشوری که یک نهاد تقنینی و یک نظارتی در کنار آن وجود داشته باشد، یک نهاد یا فرد سومی هم باید باشد تا اختلافات بین این دو نهاد را حل کند و بن‌بست‌ها را از بین ببرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، این نهاد سوم «مجمع تشخیص مصلحت نظام» است.

ضرورت حضور شایستگان در مناصب

فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری چیست؟

نظام سیاسی کشور ما «جمهوری اسلامی» و مبتنی بر دو رکن «جمهوریت» و «اسلامیت» است. قانون اساسی ما برای تحقق این دو رکن پیش‌بینی‌هایی به عمل آورده است. برای تحقق «جمهوریت» انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا در نظر گرفته است.

برای تحقق «اسلامیت» نیز شورای نگهبان نقش دارد تا از تصمیمات مجلس شورای اسلامی حراست کند. البته

حضور ولی‌فقیه در راس نظام جمهوری اسلامی برای حراست و پاسداری از جمهوریت و اسلامیت نظام است.

در رابطه با انتخابات برای اینکه این امر با محوریت شرع انجام بگیرد و افراد شایسته در مناصبی همچون ریاست‌جمهوری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری قرار بگیرند، شورای نگهبان نقش دارد. بنابراین وجود شورای نگهبان ضرورتی برای حراست از شرع و قانون اساسی می‌باشد.

شکل‌گیری ارکان حکومتی بارای مردم

سوال بعدی من در رابطه با قانون اساسی است. قانون اساسی چقدر به نقش آفرینی مردم و مشارکت آن‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه دارد؟

قانون اساسی ساز و کارهایی برای تحقق جمهوریت نظام جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی کرده است. برخی به اشتباه تصور می‌کنند که مردم در نظام ولایی، نباید نقشی داشته باشند. در حالی که مردم در این نظام نقش پررنگ‌تری دارند.

شکل‌گیری تمام ارکان حکومتی با رای مردم صورت می‌گیرد. نظام جمهوری اسلامی با رای مردم (همه‌پرسی ۱۲ فروردین) مستقر شد. اعضای خبرگان قانون اساسی با رای مردم برگزیده شدند و به تدوین قانون اساسی پرداختند. وقتی هم که قانون اساسی آماده شد از طریق مراجعه به آرای عمومی تأیید شد. بنابراین قانون اساسی با نظر مردم آماده گردید.

رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای مجلس خبرگان رهبری و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز با رای مردم انتخاب می‌شوند. مردم در انتخاب رهبری نیز نقش دارند؛ مردم خبرگان فقیه و عادل را انتخاب می‌کنند تا

آن‌ها به شناسایی فردی که شایستگی رهبری نظام جمهوری اسلامی دارد، بپردازند.

حضور کمی مردم در انتخابات‌ها نیز قابل توجه است. کشورهای مدعی دموکراسی در این موضوع نمی‌توانند با جمهوری اسلامی ایران رقابت کنند. مردم در انتخابات‌ها نقش فعال، جدی و پررنگی داشته‌اند.

در خصوص ابعاد دیگر هم باید گفت که قانون اساسی توجه ویژه‌ای به حقوق ملت دارد و در این رابطه یک «فصل» در قانون اساسی است که به حقوق مردم در خصوص شغل، مسکن، آزادی‌های مشروع و... اشاره دارد.



تاریخچه شکل‌گیری مجمع‌تشخیص

در دوسه سال گذشته بحث‌ها و گفتگوهایی درباره نظرات هیات‌عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فضای رسانه‌ای و سیاسی

کشور به وجود آمده است. مبدا و منشأ قانونی این هیات چیست و سازو کارهای اجرایی آن چگونه می‌باشد؟

اگر اجازه بفرمایید پیش از آنکه به این موضوع بپردازم، بحثی درباره مجمع تشخیص مصلحت نظام داشته باشم. در قانون اساسی اولیه (پیش از بازنگری)، نهادهی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود نداشت. مجلس در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی تلاش می‌کرد تا مصوباتش بر مبنای شرع باشد و نظرات شورای نگهبان را هم می‌پذیرفت و رعایت می‌کرد.

اما پس از مدتی اختلافاتی بین نهاد تقنینی (مجلس) و نهاد نظارتی (شورای نگهبان) به وجود آمد؛ بدین معنا که مجلس طرح‌ها یا لایحی به تصویب می‌رساند که از نظر شورای نگهبان مغایر با موازین شرع و اصول قانون اساسی بود، اما مجلس بر نظر خودش اصرار می‌کرد. نخستین مصوبه در این رابطه در مورد مالکیت اراضی بود که موضوع به امام خمینی (ره) ارجاع داده شد و ایشان نظر نهایی را اعلام کردند. امام مواردی را هم به قائم‌مقام خود واگذار کردند. اما پس از چند مورد هیاتی شامل سران سه قوه، حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی و آیت‌الله توسلی برای بررسی اختلافات تشکیل دادند. یکی دو نفر دیگر هم بعد اضافه

شدند.

به مرور زمان میزان اختلافات افزایش یافت و این موضوع با بازنگری قانون اساسی مصادف شد. از این رو سران قوا به امام خمینی (ره) پیشنهاد دادند تا در بازنگری قانون اساسی نهاد جدیدی به وجود آید. ایشان نیز به اعضای شورای بازنگری ابلاغ فرمودند که نهاد «مجمع تشخیص مصلحت نظام» به وجود آید.

پس از بازنگری قانون اساسی و تأسیس مجمع، اگر اختلافی بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به وجود بیاید و یک مصوبه ۲ بار بین این دو نهاد رفت و آمد داشته باشد، آن مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده خواهد شد. مجمع هم باید بر اساس «مصلحت» تصمیم‌گیری کند.

مجمع وقتی یک مصوبه دریافت می‌کند آن را به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع می‌دهد؛ همانطور که یک مصوبه در پژوهشکده شورای نگهبان و مجمع فقهی این شورا مورد بررسی قرار می‌گیرد، مجمع نیز مصوبات را در پنج کمیسیون خود مورد کارشناسی قرار می‌دهد. نمایندگان دولت، مجلس و شورای نگهبان در کمیسیون‌های مربوطه حضور پیدا می‌کنند و به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود می‌پردازند. جمع‌بندی جلسات کمیسیون‌ها در صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه و درباره آن مصوبه تصمیم‌گیری می‌شود.

تصمیم مجمع می‌تواند سه گونه باشد؛ یا اینکه مجمع آن مصوبه را به مصلحت می‌داند و نظر مجلس را تأیید می‌کند، یا آن مصوبه را به مصلحت نمی‌داند و نظر شورای نگهبان را تأیید می‌کند و یا در آن مصوبه اصلاحات جزئی به وجود می‌آورد و به عنوان نظر نهایی مجمع اعلام می‌کند.

خاستگاه هیات‌عالی نظارت

حال بازگردیم به سوال شما. یکی از وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه مشورت به رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام است. یکی از وظایف رهبری نیز نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است که طبق قانون اساسی می‌تواند به شخص (حقیقی یا حقوقی) دیگری واگذار کند.

از آنجایی که مجمع تشخیص عهده‌دار تدوین سیاست‌های کلی نظام است، رهبر معظم انقلاب تشخیص دادند که نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها را نیز به این مجمع تفویض کنند.

این کار ابتدا با نظر رهبری در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت می‌گرفت، اما باتوجه به اینکه وقت زیادی از جلسات مجمع و اعضای آن گرفته می‌شد و ضمن اینکه اعلام نظر درباره مصوبات باید سریع انجام می‌شد، با نظر رهبر معظم انقلاب هیاتی ۱۵ نفره شامل رئیس و دبیر مجمع و ۱۳ نفر منتخب از سوی مجمع تشکیل شد تا به این کار بپردازند. این هیات گاهی هفته‌ای ۲ بار برای بررسی مصوبات و تطبیق آن‌ها با سیاست‌های کلی جلسه برگزار می‌کند تا به مهلت ۲۰ روزه شورای نگهبان برای اظهار نظر درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی برسد. این هیات برای نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها، احکام هر یک از سیاست‌های کلی را احصا می‌کند. سپس دستگاه‌های مسئول اجرای هر یک از احکام را شناسایی و شاخص‌های تحقق هر یک از آن‌ها را مشخص می‌کند. در ادامه از دستگاه‌های مسئول گزارش گرفته می‌شود و نمایندگانی هم برای نظارت به آن دستگاه‌ها اعزام می‌شوند.

مصوباتی هم که در فرآیند قانونی شدن قرار دارند باید با سیاست‌های کلی تطبیق داده شوند تا مغایرتی با آن سیاست‌ها نداشته باشند. نظرات این هیات ابتدا برای رهبر معظم انقلاب ارسال می‌شد، اما ایشان فرمودند مستقیم برای شورای نگهبان ارسال شود تا اعلام مغایرت شود.

رهبر معظم انقلاب نیز به شورای نگهبان فرمودند که در ارزیابی‌ها ضمن توجه به موازین شرع و اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی را هم طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد توجه قرار بدهید.



قانون انتخابات باید جامع باشد

سوال بعدی من درباره سیاست‌های کلی انتخابات است. راه‌های تحقق این سیاست‌ها چیست و در صورت تحقق آن چه تغییراتی در فرآیند انتخابات‌ها به وجود خواهد آمد؟ ضمن اینکه رهبر معظم انقلاب در ابتدای سال جاری، چهار راهبرد «سلامت»، «رقابت»، «امنیت» و «مشارکت» برای انتخابات ۱۴۰۲ مطرح کردند. به نظر شما چگونه می‌توان این راهبردها را عملی کرد؟

قانون انتخابات ده‌ها بار توسط مجالس و طبق سلايق نمایندگان هر دوره تغییر یافته است. در حالی که به نظر ما، قانون انتخابات یک قانون جامع و مادر است. اولاً نباید مدام تغییر کند. دوم اینکه نباید توسط کسانی که ذی‌نفع هستند، تغییر کند. نماینده ذی‌نفع است و قانون را به گونه‌ای می‌نویسد که به نفع خودش باشد.

سیاست‌های کلی انتخابات بر این اصول تأکید دارد که ثبات قانون انتخابات حفظ شود و سلايق در تغییر آن‌ها اثر نگذارد.

توصیه و پیشنهاد شما چیست؟ اصلاح قانون انتخابات باید با ارسال لایحه‌ای از سوی دولت انجام بگیرد؟

به نظر من فرقی نمی‌کند «اصلاح قانون انتخابات» در قالب لایحه باشد یا طرح، اما باید سیاست‌های کلی نظام را مدنظر قرار دهد. قانون انتخابات باید به گونه‌ای نوشته شود که سلايق مختلف نتوانند در آن اعمال نظر کنند.

تاکید بر نظارت موثر شورای نگهبان

در رابطه با انتخابات پایان سال هم باید بگویم که مشارکت برای ما بسیار مهم است؛ به خصوص در وضعیتی که بیگانگان نظام جمهوری اسلامی را متهم به بی‌توجهی به نظرات مردم می‌کنند. البته دشمنان همواره از این سخنان می‌گویند و در ۴۰ سال گذشته شاهد بودیم که مشارکت مردم در انتخابات‌ها بی‌تأثیر بوده است.

برخی در این رابطه عنوان می‌کنند که اگر نظام می‌خواهد مشارکت افزایش یابد، شورای نگهبان نباید در بررسی صلاحیت‌ها سخت‌گیری داشته باشد. یا اینکه نظرات استصوابی را زیر سوال می‌برند و می‌گویند اصل بر برائت است و نباید در امور شخصی افراد تجسس کرد. این استدلال آن‌ها اشتباه است؛ چراکه اصل برائت یک اصل اساسی و حیاتی در اسلام است اما مربوط به حقوق شهروندی می‌باشد. آن کسی که می‌خواهد مسئول و نماینده شود باید از حداقل شرایطی برخوردار و شایسته باشد.

از این رو مسئولیت‌ها باید به افراد امین سپرده شود و درباره اینکه یک فرد امین است یا خیر باید در مورد وی احراز صلاحیت صورت بگیرد. در آموزه‌های اسلامی شایسته‌سالاری با خوش‌باوری جور در نمی‌آید. بنابراین در حقوق شهروندی امیدواریم که همه خوب باشند، اما در موضوع واگذاری مسئولیت‌ها باید احراز صلاحیت صورت بگیرد.

در تمام نظام‌های سیاسی ضوابطی برای احراز صلاحیت وجود دارد. در ایران نیز شورای نگهبان مسئول احراز صلاحیت افرادی است که داوطلب نمایندگی مجلس هستند. اگر اینگونه نباشد، کسانی که شایسته نیستند وارد مجلس خواهند شد.

کسانی که می‌خواهند در یک نظام مسئول بشوند، نباید اپوزیسیون آن نظام باشند یا بشوند. آن کسی که می‌خواهد در این کشور مدیر، مسئول و نماینده بشود باید به نظام جمهوری اسلامی اعتقاد داشته باشد. هیچ نظامی نمی‌پذیرد کسی که او را قبول ندارد در مقام مسئولیتی حضور داشته باشد.

من چند بار گرفته‌ام کسانی که نظام را قبول ندارند، اصلاً نباید نامزد شوند. کسی هم که مسئول شد، حق ندارد اپوزیسیون شود. آن کسی که مسئول است خودش شریک است و حق اپوزیسیون شدن ندارد.

آیت‌الله جنتی: ایستاده‌پای آرمان‌ها

سوال پایانی بنده در رابطه با آیت‌الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان است. مهمترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان را چه می‌دانید؟

آیت‌الله جنتی یک شخصیت استثنایی و بی‌بدیل است. ایشان مبارز قبل از انقلاب اسلامی بود و با پیروزی انقلاب اسلامی در صحنه‌های مختلف حضور داشت و پای آرمان‌های انقلاب ایستاد. استواری و صلابت ایشان پای آرمان‌های انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و شهدا هیچ انحرافی نداشته است.

آیت‌الله جنتی از ابتدا تاکنون در صراط مستقیم انقلاب و امام خمینی (ره) حرکت کرده است. ایشان با وجود اینکه به لحاظ سنی از رهبر معظم انقلاب بزرگتر است، اما همواره در کنار رهبری بوده و از ولی فقیه دفاع کرده است. ایشان همان اعتقادی را که نسبت به امام خمینی (ره) داشتند، نسبت به مقام معظم رهبری دارند. البته نباید فراموش کرد که امام شخصیت یگانه تاریخ بود. همه‌های دشمنان به آیت‌الله جنتی نیز به دلیل ایستادگی وی پای آرمان‌ها و ارزش‌هاست.

گفتگو با دکتر محمدحسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

ایستادگی ۴۳ ساله در دفاع از اسلام و حق مردم

محمدحسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان اظهار داشت: من در صحبت‌هایی که درباره شورای نگهبان بیان می‌کنم و در جلساتی که برای اعضای شوراهای نظارت‌سخرانی می‌کنم، این جمله را همواره می‌گویم که «شورای نگهبان چه دوستش داشته باشیم و چه دوستش نداشته باشیم، جزء سه نهاد اصلی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که تیرهای تهمت، کینه و دشمنی بیش از سایر نهادها به سویش روانه می‌شود.»



وی ادامه داد: علاوه بر ساحت رهبری و نهاد ولی فقیه، دو سه نهاد در کشور مرکز حملات دشمن هستند؛ یکی از آن دو سه نهاد، شورای نگهبان است. در این حملات رمزی نهفته است و به عبارتی دیگر این حملات بی‌دلیل نیست؛ یعنی اینگونه نیست که چون دشمنان از آیت‌الله جنتی خوششان نمی‌آید، هجمه وارد می‌کنند یا اینکه نقدشان این باشد چرا ترکیب شورای نگهبان ۱۲ نفر است و ۱۰ نفر نیست. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه ماهیت مأموریت شورای نگهبان، برای مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران آزاددهنده است، گفت: مأموریت‌های شورای نگهبان در دو مقوله دسته‌بندی می‌شود؛ یک دسته از مأموریت‌های شورای نگهبان کنترل ورودی‌ها و دسته دیگر کنترل خروجی‌هاست.

وی در خصوص ورودی‌ها توضیح داد: منظور از ورودی‌ها کسانی هستند که قرار است متصدی امور در دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری و... شوند؛ داوطلبان از کانال کنترلی عبور می‌کنند تا ویژگی‌هایشان با شرایط جمهوری اسلامی تطبیق داده شود.

صفارهرندی خاطرنشان کرد: در همه‌جای دنیا این کار انجام می‌شود و روال عقلانی است؛ این‌طور نیست که چون ما نظام اسلامی هستیم و باید اسلامیت افراد احراز شود، این کنترل مختص ایران است؛ خیر، حتی در کشورهایی هم که لائسیته هستند، ابراز وفاداری نامزدهای انتخاباتی مهم است. لذا در فرانسه و آمریکا هم این کار را انجام می‌شود و اینگونه نیست که هرکسی بتواند کاندیدا شود و بگویند مردم خودشان می‌فهمند.

وی در ادامه به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۲ فرانسه و رقابت مکرون با مارین لوپن اشاره کرد و گفت: در فرانسه کسانی بودند که از کانال ابتدایی عبور کردند؛ یعنی محرز شد که با لائسیته و معیارهای مقبول دنیای غرب انطباق دارند، اما علائمی داشتند که دوستشان نداشتند. مارین لوپن دختر آقای لوپن که در انتخابات ۲۰۰۲ با شیراک رقابت کرد، در سال ۲۰۲۲ کاندیدا شد و تفاوتی که با دیگران داشت این بود که خیلی ملی‌گرا بود و این ملی‌گرایی به تفکرات شبه‌نازی تنه می‌زد؛ حامیان مکرون تصور می‌کردند که اگر ۱۰ درصد هم رأی بیاورد، اتفاق خاصی نخواهد افتاد اما در دور اول او ۲۳ درصد رأی آورد و مکرون که رقیب جدی‌اش بود، ۲۷ درصد رأی آورد که این وضعیت هراس بسیاری برای حامیان مکرون به وجود آورد.

صفارهرندی ادامه داد: بنابراین همه فرانسه را بسیج کردند تا اینکه لوپن در انتخابات برنده نشود؛ حتی در مهدکودک‌ها هم تبلیغ کردند، بچه‌ها را به خیابان کشاندند. ماسک زده بودند و می‌گفتند ما در فضایی که لوپن رئیس‌جمهور شده باشد، نمی‌توانیم تنفس کنیم و خفه می‌شویم. غرب وقتی می‌خواهد حرف خودش را به کرسی بنشاند اینگونه یکپارچه می‌شود. دیکتاتورمآب‌تر از آن‌ها پیدا نمی‌شود. بازیگران فیلم‌های پورن هم مصاحبه کردند که اگر لوپن رئیس‌جمهور شود، ما دیگر برهنه نمی‌شویم؛ یعنی آن‌هایی که به دنبال برهنگی و فیلم‌های پورن هستند، بدانند که در

حال نزدیک شدن به چه جهنمی هستیم.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد: بنابراین ورودی برای غربی‌ها مهم است؛ در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه دیدیم که مخالفان لوپن هر کاری می‌توانستند انجام دادند تا او رأی نیاورد. البته لوپن از نظر ما نیز فرد مطلوبی نیست چراکه ضداسلام است و برخورد‌های شبه نژادپرستانه دارد.

صفارهرندی گفت: در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز شورای نگهبان محلی است که ورودی‌ها را کنترل می‌کند، اما این کنترل منطبق بر هواهای نفسانی و منبّات نیست، بلکه بر اساس قواعد و چارچوب‌هاست. هرچه دقیق‌تر به این قواعد و چارچوب‌ها عمل شود، خروجی قابل قبول‌تر و قابل دفاع‌تری برای مردم و جامعه خواهد داشت.

عدالت اعضای شورای نگهبان را در بزنگاه‌ها می‌توان اندازه‌گیری کرد. بزنگاه آن جایی است که با دوست خودشان آنگونه رفتار می‌کنند که با دیگران رفتار می‌کنند. از این رو می‌بینیم که برخی از شخصیت‌های موجه و محترم که از دوستان اعضای شورای نگهبان بوده‌اند در ارزیابی‌ها تایید صلاحیت نشدند

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: شش فقیه در شورای نگهبان حضور دارند که شرط حضورشان در شورا، عادل بودن است؛ عادل بودن جزء شرایط اولیه برای عضویت فقها در شورای نگهبان است و آن کسانی که در شورا به عنوان فقیه حضور دارند، عدالت‌شان از سوی رهبر معظم انقلاب احراز شده است. در مورد حقوق‌دانان نیز مسیری که برای انتخاب آن‌ها طی می‌شود، نزدیک

به این است تا کسانی که ملکه عدالت در وجودشان حضور دارد، انتخاب شوند.

وی ادامه داد: با این وجود ممکن است فقها و حقوق‌دانان اشتباه کنند؛ البته نباید فراموش کرد که بیشتر اوقات همه اعضا درباره صدور رأی درباره یک نفر، متفق‌القول نیستند؛ چنانچه بارها گفته شده است که رأی‌گیری کردیم و به‌طور مثال ۷ نفر تأیید کردند و ۵ نفر رأی منفی دادند، در نتیجه پذیرفته شد یا اینکه عکس این اتفاق افتاد و پذیرفته نشد. اعضای شورای نگهبان بر اساس یافته‌ها و داده‌های مختلف نظر می‌دهند.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه به توضیح خروجی‌ها پرداخت و ضمن بیان این نکته که همانگونه که ورودی‌های نظام مهم است، خروجی‌ها هم مهم است، عنوان کرد: خروجی‌های نظام همان قواعد و قوانینی است که در مجلس تصویب می‌شود و شورای نگهبان وظیفه دارد این مصوبات را با قانون اساسی و شرع تطبیق دهد؛ اگر انطباق داشت، پذیرفته می‌شود و اگر منطبق نباشد، بازگشت داده می‌شود.

وی بیان داشت: این دو وظیفه شورای نگهبان خیلی مهم است و نهاد دیگری در نظام جمهوری اسلامی ایران چنین مسئولیتی بر عهده ندارد؛ بنابراین دشمنی با این نهاد بسیار است.

صفارهرندی با اشاره به هجمه‌هایی که به شورای نگهبان وارد می‌شود، گفت: در مشروطه جمعی از علمای تراز برای بررسی مصوبات مجلس انتخاب شدند؛ پس از مدتی، عده‌ای گفتند نیاز به مشارکت علما نیست و لازم نیست آن‌ها در حکومت‌داری دخالت کنند. در دوران مشروطه وقتی دیدند روحانیون در بین مردم نفوذ دارند به آن‌ها نزدیک شدند و زمانی که به مقصودشان رسیدند، آن‌ها را کنار زدند و گفتند اینجا دیگر محل حضور شما نیست، شما بروید به کارتان برسید ما هم مملکت‌داری کنیم؛ لذا امروز بدخواهان فکر می‌کنند می‌توانند دوره مشروطه را احیا کنند.

وی با بیان اینکه تندروها می‌خواهند شورای نگهبان را به یک نهاد تشریفاتی تبدیل کنند که هر بار فشار آوردند در برابر فشارها عقب‌نشینی کند، به حمایت‌های امام خمینی (ره) از شورای نگهبان

اشاره کرد و گفت: امام خطاب به اعضای شورای نگهبان چنین فرمودند که اگر همه عالم بخواهند دعوت به غیر حق کنند، من جلوی‌شان می‌ایستم، شما هم همین‌طور باشید. (نقل به مضمون) امام (ره) نسبت به شورای نگهبان نقد هم داشت اما آنجا که موضوع حق بود، حامی جدی شورای نگهبان بود.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: انصافاً شورای نگهبان در چهار دهه گذشته به خوبی توانسته است، حق حمایت‌های امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب را ادا کند. این شورا مردانه ایستاده و می‌گوید فهم ما از نسخه دینی طراز که ولی امر بر آن صحنه گذاشته‌اند، این است؛ البته ممکن است برخی بگویند ما تفسیر دیگری از دین داریم اما تفسیرهای آنها مبنا نیست. لذا علی‌رغم اینکه تهمت‌های بسیاری

به شورای نگهبان زده می‌شود و تحت فشار است ولی این نهاد، جوانمردانه پای حق ایستاده و به خوبی ایستادگی می‌کند؛ البته متأسفانه این فشارها هم گاهی از سوی دوستان است. صفارهرندی گفت: هرچند نقدهایی به شورای نگهبان وارد است، اما انصافاً شورا مأموریت خطیر خود را علی‌رغم فشارهای سنگین به خوبی انجام داده و عملکردش قابل دفاع است؛ شورای نگهبان مرام اولیه‌اش را حفظ کرده و جنس و ماهیتش تغییر نکرده است. در این نهاد ممکن است بر اثر شرایط زمانه، تغییراتی در اجتهاد و... به وجود آمده باشد که امام هم اینگونه بودند، اما همچنان به فقه جواهری وفادار مانده است. فقه‌های جوان‌تری که وارد شورا شده‌اند، تناسب‌شان با موقعیت جدید بیشتر است و کمبودهای قبلی را می‌توانند جبران کنند.

وی همچنین خاطرنشان کرد: عدالت اعضای شورای نگهبان را در بزنگاه‌ها می‌توان اندازه‌گیری کرد؛ بزنگاه آن جایی است که با دوست خودشان آنگونه رفتار می‌کنند که با دیگران رفتار می‌کنند. از این‌رو می‌بینیم که برخی از شخصیت‌های موجه و محترم که از دوستان اعضای شورای نگهبان بوده‌اند در ارزیابی‌ها تأیید صلاحیت نشدند؛ در انتخابات‌های مجلس خبرگان از این دست موارد زیاد دیدیم و مشهور بودن افراد نیز اعضای شورای نگهبان را مرعوب نکرده و نمی‌کند؛ یا در خصوص مصوبه‌ای، شورای نگهبان وقتی آن را منطبق بر شرع مقدس و قانون اساسی ندانسته، محکم ایستاده و به مجلس بازگردانده است.

عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به دلیل شکل‌گیری این مجمع بیان داشت: وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نظام این است که اگر تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس بر ضروری بودن امری (مصوبه‌ای) تأکید داشتند، درباره آن مصوبه داوری کند. این مجمع قرار نیست کار شورای نگهبان را انجام دهد و لزومی هم ندارد که مسائل فقهی را بداند؛ مجمع فقط مصلحت را مشخص می‌کند. آن فقیه عضو شورای نگهبان که در مجمع عضو بوده و حضور دارد ممکن است در شورای نگهبان رأی منفی داده باشد اما در مجمع از باب مصلحت رأی مثبت می‌دهد؛ یعنی می‌گوید من در شورای نگهبان مسئول انطباق مصوبه با مَرّ قانون اساسی و شرع هستم

اما در مجمع وظیفه دارم بنا بر مصلحت نظر بدهم.

محمدحسین صفارهرندی در بخش دیگری از این گفتگو درباره حقوق عامه و نقشی که شورای نگهبان در دفاع از این حقوق دارد، گفت: تفسیر نوین از حقوق عامه کمک‌کننده است؛ در قوه قضائیه چه آن موقع که آیت‌الله رئیسی به عنوان رئیس قوه حضور

شورای نگهبان در انتخابات ۸۸ کارش را به خوبی انجام داد. ایستادگی بر موضع حق و متانت در برخورد، مؤثر بود و خودشان بعد آمدند اعتراف کردند که تقلبی صورت نگرفته است. همین‌هایی که اکنون بلبل‌زبانی می‌کنند، در گعده‌های زندانی‌شان گفتند که می‌دانیم تقلب نشده است. شورای نگهبان از این جهت وجیه است و بی‌آبرو نیست.

دوره کنونی ریاست قوه قضائیه باز شده و دوباره آغاز به فعالیت کردند، به همین دلیل بوده است.

وی افزود: حقوق عامه شقوق بسیاری دارد؛ یکی از آنها این است، افرادی که توسط مردم انتخاب می‌شوند، باید انسان‌های صالحی باشند. شورای نگهبان سازوکاری دارد که کارآمد است یعنی این شورا در مورد کسانی که در مظان نامزدی هستند، تحقیق می‌کند و کار بسیار خوبی است؛ یعنی با این تحقیق و ارزیابی‌ها حتی‌المقدور چهره شخص، مخفی نمانده و نمی‌تواند در مناصب مهم قرار بگیرد. صفارهرندی به یکی از دوره‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره و بیان کرد: در یکی از انتخابات‌ها که مربوط به بیست سال پیش است، پزشکی در یکی از شهرهای کوچک ۱۰۰ میلیون تومان کسه آن زمان پول هنگفتی بود، هزینه کرد تا نماینده مجلس شود، علی‌رغم اینکه از اقبال عمومی خوبی برخوردار بود، در آخرین لحظات ردصلاحیت شد. پس از گذشت دو سه ماه، او یک نفر را

و ی افزود: قتل یک وجهش کشتن انسان است، اما وجه دیگرش این است که یک ملت را می‌گذشد. مرحوم استاد جعفری می‌گفت اگر کسی درختی را قطع کند، با او برخورد می‌کنند، اما اگر کسی پنهانی جنگل را به آتش بکشد، کسی با او کاری ندارد؛ این‌هایی که پنهانی روان مردم را آشوب زده و فرهنگ ملت را



نابود می‌کنند، باید یک‌جایی حساب شود.

وی ادامه داد: برخی می‌گویند مردم خودشان آگاه هستند و می‌فهمند که به چه کسی رأی بدهند؛ اگر مردم آگاه هستند، پس چرا آرم استاندارد درست کرده‌ایم و بر روی موادهای خوراکی می‌زنیم؟ آیا موضوعات دیگر نباید استاندارد داشته باشد؟! وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه شورای نگهبان محل استانداردسازی این جریان حکومتی است، اظهار داشت: وقتی فرد آرم استاندارد از سوی شورای نگهبان دریافت می‌کند، علی‌الاصول منطبق با شرایط است، اما مردم باید خودشان انتخاب کنند. برخی انتقاد می‌کردند آقای روحانی را شورای نگهبان بر مردم تحمیل کرد، در صورتی که شورای نگهبان گفت این هم یکی مانند بقیه است؛ انتخاب مردم در ۶-۵ نفر محدود شد، اما مردم می‌توانستند به او رأی ندهند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ گفت: در آن سال شورای نگهبان آن کاری که بر عهده‌اش بود یعنی ایستادگی بر موضع قانونی را به خوبی انجام داد. درست است که همه نامزدهای ریاست‌جمهوری سال ۸۸ با جواز شورای نگهبان وارد عرصه انتخابات شدند اما جنس حجت‌های شورای نگهبان، آشکار است و نمی‌تواند به نیت پنهانی اتکا کند. حجت آشکار شورای نگهبان برای یکی از نامزدها این بود که در مناصب حساس مسئولیت داشت و حتی گاهی حضرت آقا ایشان را صدا می‌زدند و مشورت سیاسی می‌گرفتند و مواضع او هم در آن دوران غالباً خوب بود؛ پس تأییدیه شورای نگهبان موجه بود.

وی اضافه کرد: وظیفه شورای نگهبان پس از بررسی صلاحیت‌ها، بررسی صحت و سلامت انتخابات است؛ این شورا در آن سال اعلام

کرد هرکس می‌گوید تقلب شده است، گزارشش را ارائه کند و هر صندوقی را هم که بخواهید بازشماری می‌کنیم؛ حتی رهبری فرمودند که میزان بیشتری بازشماری شود و اگر نیاز بود همه صندوق‌ها را دوباره بشمارید. خوشبختانه منطقی که شورای نگهبان در آن انتخابات داشت که منطق نظام بود، و به قدری این منطق، مقبول و دنیاپسند بود، جرأت نکردند این‌قلتی وارد کنند. لذا وقتی از آن‌ها پرسیده شد که چرا علی‌رغم آمادگی شورای نگهبان درخواست بازشماری ندادید، حرفی نداشتند. نماینده‌شان در جلسه با رهبری گفت که اگر همه صندوق‌ها را بشمارند، رأی همین خواهد بود. پرسیده شد: پس به چه چیزی اعتراض دارید؟ گفتند: منظور ما فرآیند طی شده است که به قول یکی از تئوریسین‌ها «تدلیس سیستماتیک» صورت گرفته است؛ این‌جور مواقع به پریشان‌گویی می‌افتند و مجبور می‌شوند پرت و بلا بگویند.

صفارهرندی گفت: شورای نگهبان در انتخابات ۸۸ کارش را به خوبی انجام داد. ایستادگی بر موضع حق و متانت در برخورد، مؤثر بود و خودشان بعد آمدند اعتراف کردند که تقلبی صورت نگرفته است. همین‌هایی که اکنون بلبل‌زبانی می‌کنند، در گعده‌های زندانی‌شان گفتند که می‌دانیم تقلب نشده است. لذا شورای نگهبان از این جهت وجیه است.

وی خاطرنشان کرد: البته شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها باید دقت بیشتری کند چراکه برخی جنس قلابی خودشان را خوب عرضه می‌کنند که ما جنس‌مان خوب است.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه افکار عمومی و روابط عمومی را باید جدی گرفت، اظهار داشت: ممکن است گفته شود، ما کاری به این چیزها نداریم و کار خودمان را می‌کنیم؛ اما این جدی گرفتن افکار عمومی به آن معنا نیست که اعضاء رأی‌شان را تغییر بدهند بلکه منظور این است که باید برای افکار عمومی اعتباری قائل شد؛ اگر افکار عمومی توجیه نشود، شورای نگهبان مظلوم واقع خواهد شد.





گفتگو با دکتر محمدباقر خرمشاد عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)؛

سلائیق مردم یا سلائیق گروه‌های سیاسی؟

دکتر محمدباقر خرمشاد عضو هیات علمی و استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی (ع) است که دکترای خود را از دانشگاه لیون ۲ لومیر فرانسه دریافت کرده و رئیس انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران است.

او کتاب‌ها و مقالات بسیاری در حوزه علوم سیاسی نوشته و راهنما و مشاور بیش از ۱۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای بوده است. عنوان پایان‌نامه خودش در فرانسه نیز «علوم اجتماعی و انقلاب: مطالعه موردی تحلیل علوم اجتماعی فرانسه و آمریکا از انقلاب اسلامی ایران» بود که در چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی که در سال ۱۳۸۹ برگزار شد، به عنوان اثر برگزیده در حوزه علوم سیاسی شناخته شد.

او علاوه بر فعالیت‌های علمی، مسئولیت‌های اجرایی و سیاسی متعددی نیز بر عهده داشته است که آخرین آن «معاونت سیاسی وزارت کشور» بود و در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ نیز معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه و ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را بر عهده داشته است.

جایگاه علمی و تجارب مدیریتی دکتر خرمشاد موجب شد تا در اواخر خرداد ۱۴۰۲ و در فصل امتحانات باوی که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی مشغول برگزاری امتحانات بود و دانشجویان در تکاپوی آخرین مطالعات و مباحثات خود بودند، در طبقه سوم آن دانشکده ملاقات و درباره «فلسفه و ضرورت وجود شورای نگهبان»، «نظام انتخاباتی در ایران» و «قانون اساسی» گفتگو کنیم.

وی با توجه به آشنایی که با محیط و تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران دارد و در کشور فرانسه زیسته و با قانون اساسی و نظام سیاسی بسیاری از کشورها آشنایی دارد به سؤالات ما پاسخ داد که در ادامه متن کامل گفتگورا می‌خوانید:

از اینکه وقت خودتان را در اختیار ما گذاشتید، بسیار متشکریم. سؤال نخست این‌که فلسفه تشکیل نهادهایی برای پاسداری از ارزش‌ها و قانون‌های اساسی در نظام‌های سیاسی مختلف جهان چیست؟ در برخی از کشورها

شورای قانون اساسی و در برخی از کشورها دادگاه قانون اساسی وجود دارد و مسئولیت پاسداری از قانون اساسی را عهده‌دار هستند؛ چرا باید این نهادها وجود داشته باشند؟ در رابطه با نظارت بر انتخابات نیز ضمن یک بررسی تطبیقی

فرض کنید پارلمان فرانسه قانونی تصویب کند و طی آن قانون اجازه بدهد تا احزاب سیاسی مذهبی تأسیس شوند. آن مصوبه از سوی شورای عالی قانون اساسی فرانسه رد خواهد شد؛ چرا که با قانون اساسی مغایر است؛ ولو اینکه نمایندگان به آن رای داده باشند. شورای عالی قانون اساسی حافظ و پاسدار لایسیته (سکولاریسم فرانسوی - دخالت نکردن دین در امور دولتی) در فرانسه است.

را بر پایه آن تأسیس و بنا کند؛ اما ممکن است نسل‌های بعد، اطلاعات کافی در مورد زوایای پنهان و آشکار قانون اساسی نداشته باشند، به همین دلیل عقل جمعی بشر ایجاد کرده است تا عده‌ای باشند و کارشان شناخت قانون اساسی باشد و مراقبت کنند تا قوانین دیگری که به تصویب می‌رسد از چارچوب قانون اساسی خارج نشود.

قانون اساسی به مثابه میثاق ملی و به دلیل اینکه بنیادی‌ترین سند قانونی برای اداره کشور محسوب می‌شود، نباید مورد تعرض و عدول قرار گیرد تا کشورها در چارچوبی که بنا کردند و در قانون اساسی‌ای که بنا گذاشتند، اداره شوند.

خواست ملت و قانون اساسی

برخی در برابر عمل به قانون اساسی، عنوان می‌کنند که باید به خواست مردم مراجعه کرد؛ آیا ممکن است که معتقد به یک نظام سیاسی بود و قانون اساسی را که تجلی اراده مردم است را خلاف خواست مردم دانست؟ آیا این تناقض و پارادوکس نیست؟

پاسخ به این سؤال در همه جای دنیا این است که قانون اساسی، قانون بنیادین و میثاقی است که قبول می‌کند یک کشور با بسیج سنت‌ها، گذشته، تاریخ، عقاید، باورها و داشته‌هایش یک قانون را اساس قرار دهد و آن قانون مبنای اداره کشور شود.

ممکن است سلیقه ملت در ادوار مختلف متنوع باشد، اما براساس عقل جمعی و دنیای امروز قبول شده که سلیقه ملت در چارچوب قانون اساسی تعریف شود و نه اینکه قانون اساسی در سلیقه‌های ادواری مختلف ملت تعریف شود؛ این به مفهوم نفی نظر ملت نیست بلکه ملت در چارچوب قانون اساسی مطالبه می‌کند.

اگر هم کسی این قانون اساسی را نمی‌خواهد و قانون اساسی دیگری می‌خواهد، روش‌های دیگری وجود دارد؛ آن روش‌ها در علم سیاست و در عالم سیاست وجود دارد، ولی تا مادامی که آن قانون اساسی وجود



با سایر کشورها، بفرمایید آیا نیاز است تا نهادی وجود داشته باشد که بر انتخابات نظارت کند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. در دنیای جدید وقتی که قانون‌های اساسی برای اداره کشورها نوشته شد و تفکیک قوا و توزیع قدرت صورت گرفت، یکی از تدابیری که قانون‌نویسان اتخاذ کردند این بود که یک نهاد ناظر بر پاسداری از قانون اساسی در نظر گرفته شود تا آن نهاد، قوانین عادی مصوب را کنترل کند تا مبادا از قانون اساسی عدول کند.

بنابراین برای صیانت از قانون اساسی و برای اینکه سایر قوانینی که تصویب می‌شود از قانون اساسی عدول نکند و در چارچوب قانون اساسی باشد، بنا گذاشته شد تا نهاد یا نهادهایی تأسیس شوند که این نهاد یا نهادها، اسامی متفاوتی در قانون‌های اساسی و کشورهای مختلف دارند. این نهاد در برخی از کشورها به عنوان «دادگاه قانون اساسی» و در برخی از کشورها به عنوان «شورای قانون اساسی» شناخته می‌شوند. در کشور ما نیز عنوان آن «شورای نگهبان» است؛ وظیفه این شورا هم نگهبانی از قانون اساسی و موازین شرع است که مصوبات مجلس شورای اسلامی مغایرتی با آنها نداشته باشد.

بنابراین چنین نهادی، یک نهاد عقلانی پیش‌بینی شده توسط بشر امروز در اداره کشورها به خصوص برای کشورهایی که قانون اساسی و مجلس دارند، می‌باشد.

نباید از قانون اساسی عدول شود

قانون اساسی، اساسی‌ترین قانون کشور محسوب می‌شود و کشور قبول می‌کند که تمامی قوانین دیگرش

دارد بایستی قوانین موجود در چارچوب قانون اساسی بگنجد.

البته قانون اساسی نیز برای این موضوع راهکاری پیش‌بینی کرده است.

بله در آخرین اصل قانون اساسی، چگونگی بازنگری ذکر شده است.

ایدئولوژیک بودن نهادهای پاسدار قانون اساسی

نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام دینی و ایدئولوژیک است و شورای

نگهبان نیز یک جایگاه ایدئولوژیک دارد. آیا نهاد پاسدار قانون اساسی باید ایدئولوژیک باشد؟ نهادهای متناظر با شورای نگهبان در سایر کشورها چه وضعیتی دارند؟

در قانون اساسی ما، شورای نگهبان دو بُعد دارد؛ یکی تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی که به نظر می‌رسد در این زمینه کمتر مناقشه‌ای وجود دارد؛ اگر هم در مقاطعی و در اوایل پیروزی انقلاب مناقشاتی بود، بعدها کمتر شد. اکنون عقل جمعی این موضوع را بیشتر پذیرفته است.

نهادی از این جنس شاید در همه‌جا ایدئولوژیک باشد؛ بدین معنا که آن نهاد وظیفه خود می‌داند تا از بنیادهای اصلی و اساسی آن نظام سیاسی حاکم که در قانون اساسی تجلی پیدا کرده دفاع کند و تلاش خود را به کار گیرد تا قانونی خارج از چارچوب قانون اساسی وضع نشود.

فرض کنید پارلمان فرانسه مصوبه‌ای تصویب کند که طی آن اجازه بدهد تا احزاب سیاسی- مذهبی تأسیس شوند؛ قطعاً آن مصوبه از سوی شورای عالی قانون اساسی فرانسه رد خواهد شد چراکه با قانون اساسی آنها مغایرت دارد؛ ولو اینکه نمایندگان به آن رأی داده باشند. شورای عالی قانون اساسی حافظ و پاسدار لائیسیته (سکولاریسم فرانسوی- دخالت نکردن دین در امور دولتی) در فرانسه است. از این جهت شاید همه نهادهای این‌چنینی صرفاً فنی نیستند؛ یعنی فنی به علاوه یک چیز دیگر هستند.

آنچه در مورد شورای نگهبان تا حدودی مناقشه‌برانگیز است بحث نظارت بر انتخابات می‌باشد که این موضوع متفاوت است و باید در

جای خودش مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ چرا که موضوع انتخابات یک بُعد فنی و یک بُعد سیاسی دارد.

فرض کنید پارلمان فرانسه قانونی تصویب کند و طی آن قانون اجازه بدهد تا احزاب سیاسی مذهبی تأسیس شوند. آن مصوبه از سوی شورای عالی قانون اساسی فرانسه رد خواهد شد؛ چراکه با قانون اساسی مغایر است؛ ولو اینکه نمایندگان به آن رأی داده باشند. شورای عالی قانون اساسی حافظ و پاسدار لائیسیته (سکولاریسم فرانسوی- دخالت نکردن دین در امور دولتی) در فرانسه است.

بود، اکنون کم‌توان است و آنچه‌ان از درون تحولات اجتماعی پدید نیامده است. حال با توجه به اصول قانون اساسی و ظرفیت‌هایی که در این قانون وجود دارد، چه اقداماتی می‌توان انجام داد و چه راهکارهایی وجود دارد تا این روند را بهبود بخشید؟

در جامعه‌شناسی سیاسی ارتباط وثیقی بین نظام انتخاباتی و نظام حزبی وجود دارد. حرف شما درست است و باید بررسی کرد که چرا در ۴۵ سال گذشته نهادهای مدنی و نهادهای واسط تقویت نشدند؟ نهادهای مدنی و واسط تقویت نخواهند شد مگر اینکه قانون آن‌ها را به رسمیت بشناسد و قانون فضا را برای فعالیت آن‌ها فراهم سازد. در ایران حزب و به خصوص نظام حزبی راه نیافتاده است؛ به دلیل اینکه شاید نظام انتخاباتی و قانون انتخاباتی ما آن را به رسمیت نشناخته است. اکنون نظام انتخاباتی تلاش دارد با شیوه‌های جدید انتخاباتی به رسمیت بشناسد. قطعاً اگر به رسمیت بشناسد، بخشی از نهادهای واسط که اکنون وظایف‌شان برعهده شورای نگهبان افتاده است، فعال خواهند شد و آن وظایف را خودشان انجام خواهند داد. فقدان آن‌ها بار شورای نگهبان را بیشتر کرده و این موضوع مسأله‌ساز می‌شود. لازمه آن این است که در قوانین انتخاباتی تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. انتخابات‌هایی که در کشور برگزار می‌شود، در امتداد هم دیده و به عنوان مکمل یکدیگر تعریف شوند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان نیز در کنار هم لحاظ شود. آن نوع نظام حزبی نیز مورد قبول است که متناسب با شرایط ایران در قانون گنجانده شود.

تمایل ایران به نظام سه‌حزبی

آن زمانی که بنده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بودم، به افرادی مأموریت دادم تا بررسی کنند اگر روزی قرار شد انتخابات حزبی در ایران برگزار شود، چه نوع نظام حزبی متناسب با شرایط ایران و تاریخ سیاسی کشورمان است. در مطالعاتی که انجام شد از میان سه نوع نظام حزبی یعنی «تک حزبی»، «دو حزبی» و «سه حزبی»، گزینه آخری (سه‌حزبی) مورد توجه قرار گرفت؛ چراکه از ابتدای تشکیل مجلس در ایران (از سال ۱۳۸۵) تاکنون هیچ مجلسی نبوده که کمتر از سه فراکسیون داشته باشد. این بدان معناست که ذائقه مردم ایران دو حزبی و دوقطبی نیست و همواره به ضلع و حزب سومی هم فکر می‌کرده‌اند.

این وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تداوم داشت؛ دو جناح عمده در کشور وجود داشت اما همواره دسته سومی نیز مورد استقبال و پذیرش مردم بود و آرایی را به خود جلب می‌کرد؛ اینکه گفته می‌شود من مستقلم و وابسته به هیچ جناحی نیستم همان دسته سوم است.

بنابراین سیستم ایران یک حزبی و دو حزبی نیست؛ طبع مردم ایران نیز بر اساس تجربه تاریخی و تجربه انقلاب نشان می‌دهد که بهتر است در کشور، نظام سه‌حزبی داشته باشیم. مراجعه به تاریخ ایران نشان می‌دهد که ایرانیان بیش از آنکه به کشورهای آنگلوساکسون (کشورهایی که زبان رسمی آن‌ها انگلیسی است) که نظام دو حزبی و دو قطبی را می‌پسندند به کشورهایی مانند فرانسه و ایتالیا نزدیک‌ترند چراکه در آن کشورها، احزاب متعدّدند اما در سه جبهه قرار دارند. آن جبهه‌ها عبارتند از راست، چپ و میانی (مرکزگراها). البته جبهه میانی نیز به سه دسته مایل به چپ، مایل به راست و میانه‌های میانه تقسیم می‌شود.

تجربه تاریخی ایران هم نشان می‌دهد که در درون هر یک از سه جبهه، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد. لذا براساس مطالعاتی که انجام دادیم، توصیه‌مان این بود که یک نظام حزبی سه جبهه‌ای به رسمیت شناخته شود که در درون هر جبهه احزاب مختلفی حضور دارند و به فعالیت می‌پردازند.

مکانیسم وزن‌کشی احزاب در درون هر جبهه نیز توسط آیین‌نامه‌های داخلی تعیین می‌شود؛ به تعبیر دیگر اینکه هر حزب چه سهم و چه وزنی در درون قدرت جبهه دارد توسط آیین‌نامه داخلی مشخص



می‌گردد. البته باید فضای چهارمی نیز برای کسانی که نمی‌خواهند خودشان را در یکی از این سه جبهه تعریف کنند، در نظر گرفت. اگر نظام حزبی در انتخابات ریاست‌جمهوری به رسمیت شناخته شود دیگر حدود ۲ هزار نفر ثبت‌نام نمی‌کنند که تنها چند نفر تأیید صلاحیت شوند و همه آن‌هایی که ردصلاحیت شدند صدایشان بلند شود. در نظام سه حزبی، سه جبهه به رسمیت شناخته می‌شود که هر جبهه می‌تواند یک کاندیدا داشته باشد. فضایی هم برای کسانی که خودشان را در سه جبهه تعریف نمی‌کنند باز گذاشته خواهد شد، اما باید شرایطی تعیین شود تا خروجی فضای چهارم هم‌وزن فضای سه جبهه دیگر باشد. یکی از شرایطی که در کشورها تعیین شده این است که آن فرد باید از تعداد بسیاری چهره امضا جمع کند. شورای نگهبان هم در راستای انجام وظایفش می‌تواند به جبهه‌ها اعلام کند که هر جبهه می‌تواند سه نفر را اعلام کند تا صلاحیت آن‌ها بررسی شود. شورا یک، دو و یا هر سه نفر را تأیید می‌کند یا اینکه هیچ‌کدام از آن‌ها را تأیید نمی‌کند و به جبهه اعلام می‌دارد باید افراد دیگری را معرفی کنید.

آن ۲ هزار نفری هم که قبلاً برای انتخابات ثبت‌نام می‌کردند، توسط احزاب ردصلاحیت و پالایش خواهند شد و در نهایت چند نفر به عنوان خروجی جبهه معرفی می‌شوند. زمان آغاز فرآیند انتخابات و ثبت‌نام نیز باید به‌گونه‌ای باشد که جبهه‌ها فرصت داشته باشند تا به پالایش افراد و معرفی گزینه‌های نهایی خود بپردازند. این فرآیند بخشی از نارضایتی‌ها را حذف و تولید نارضایتی را به حداقل می‌رساند.

اینکه هر فردی با هر شرایط و وضعیتی بتواند در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کند، مورد قبول کمتر نظام‌های حکمرانی است. داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری باید از حداقل صلاحیت‌هایی در سطح عالی برخوردار باشد.

داوطلبان سلاقی مردم‌اپوشش دهند

مقام معظم رهبری در ابتدای سال جاری و در حالی که حدود ۱۱ ماه به برگزاری انتخابات مانده است، به این موضوع ورود کردند و چهار راهبرد «سلامت»، «رقابت»، «مشارکت» و «امنیت» را مطرح کردند؛ شورای نگهبان



در خصوص راهبرد سلامت، مسئولیت اصلی را برعهده دارد و در رابطه با سایر راهبردها مسئولیت فرعی دارد. برخی مطرح می‌کنند که اگر قرار است مشارکت صورت بگیرد، شورای نگهبان نباید سختگیری داشته باشد و قانونی عمل کند. به نظر شما راهکارهای افزایش مشارکت و رقابتی شدن انتخابات چیست؟

چون نظام ما جمهوری است و جمهور (مردم) باید دست به انتخاب زده و حاکمان اعم از رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و نمایندگان خبرگان را انتخاب کنند، مجموعه‌هایی شکل می‌گیرند تا متناسب با سلايق مردم، نامزدهایی عرضه کنند و مردم دست به انتخاب بزنند.

ببینید همه ما لباس داریم و به احتمال زیاد، هیچ‌کدام از ما هم خودمان آنها را ندوخته‌ایم و بسیار کم پیدا می‌شود که لباس هایمان نیز شبیه لباس‌های دیگران باشد؛ ما چون نیاز به لباس داریم و برای خودمان لباس انتخاب می‌کنیم و می‌خریم، افرادی به موضوع طراحی، دوخت و تولید لباس ورود پیدا می‌کنند و ما از بین تولیدات آنها انتخاب می‌کنیم. تهیه‌کنندگان لباس

هم برای تولید و عرضه به سلايق مشتریان (انتخاب‌کنندگان) نگاه می‌کنند.

وقتی پای انتخاب به میان می‌آید، پای ویتترین نیز به میان می‌آید؛ یعنی تولیدکننده و عرضه‌کننده باید ویتترینی ایجاد کنند تا انتخاب‌کننده به راحتی انتخاب کند. در انتخابات نیز اینگونه است؛ چون پای انتخاب به میان می‌آید، ویتترین‌هایی هم شکل می‌گیرد که این ویتترین‌ها در عالم سیاست (احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی) هستند.

بنابراین منطبق با این منطقی که ما قبول کردیم و مبتنی بر آرای عمومی است، بایستی کالاهایی (کاندیداهایی) عرضه شود که بتوانند بخش زیادی از سلايق مردم را پوشش بدهند. اگر می‌خواهیم در انتخابات مشارکت بیشتری صورت بگیرد، نامزدهایی که مطرح می‌شوند باید بتوانند بخش قابل توجهی از سلايق مردم و خواست‌های آنها را نمایندگی کنند. اگر انتخاب‌شوندگان بتوانند بخش بیشتری از سلايق انتخاب‌کنندگان را تأمین کنند، مشارکت بیشتری صورت خواهد گرفت. البته مفروض این است که انتخاب‌شوندگان واجد صلاحیت‌های لازم و قانونی باشند.

چگونه می‌توان سلايق مردم را تأمین کرد؟

آیا کسی که نظام حاکم را قبول ندارد، می‌تواند کاندیدا شود؟ و به عبارت دیگر آیا نظامی می‌پذیرد آن فردی که او را قبول ندارد، مسئولیت‌های مهمی به او واگذار کند؟ حتی اگر آن فرد بخشی از سلايق مردم را نمایندگی کند؟

آن کسانی که رأی می‌دهند و مشارکت را افزایش می‌دهند، مردم هستند؛ وقتی از مشارکت سیاسی سخن می‌گوییم، منظور مردم هستند و مقصود گروه‌های سیاسی نیستند. از سلايق هم که گفتم منظورم مردم بود. ویتترین‌ها باید بتوانند سلايق مردم را نمایندگی کنند و پاسخگو باشند.

فرض کنید پارلمان فرانسه قانونی تصویب کند و طی آن قانون اجازه بدهد تا احزاب سیاسی مذهبی تأسیس شوند. آن مصوبه از سوی شورای عالی قانون اساسی فرانسه رد خواهد شد؛ چرا که با قانون اساسی مغایر است؛ ولو اینکه نمایندگان به آن رأی داده باشند. شورای عالی قانون اساسی حافظ و پاسدار لائیسیتته (سکولاریسم فرانسوی - دخالت نکردن دین در امور دولتی) در فرانسه است.

طبیعی است تعدادی از ویتترین‌دارها کسانی را معرفی کنند که اعتقادی به نظام سیاسی حاکم نداشته باشند؛ آنها تصور می‌کنند که اگر افراد ضد نظام را معرفی کنند، می‌توانند بخش‌های بزرگتری از سلايق مردم را نمایندگی کنند اما این تصورشان اشتباه است. ویتترین‌هایی هستند که افراد در چارچوب نظام را معرفی و سلايق وسیعی از مردم را نمایندگی می‌کنند.

مردم هرچه بیشتر احساس کنند که در ویتترین‌ها کسانی هستند که می‌توانند سلايق‌شان را نمایندگی کنند، میل به مشارکت و رأی دادن‌شان بیشتر خواهد شد.

این موضوع بیشتر متوجه چه کسانی است؟

بیشتر متوجه گروه‌های سیاسی است؛ وقتی آن گروه‌ها گزینه‌های بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند سلايق مردم را نمایندگی کنند.

نوسان مشارکت در انتخابات

البته موارد دیگر همچون وضعیت اقتصادی و معیشتی نیز در مشارکت مردم مؤثر است؟

این چیزهایی که من گفتم مباحث نظری بود که عمدتاً بروز و ظهور پیدا می‌کند اما اگر بخواهیم مصداقی و عینی بحث کنیم، اکنون یکی از دلایل قهر بخشی از مردم با صندوق‌های رأی مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی است؛ در نتیجه این بحث که اگر فلانی بپاید رأی خواهیم داد در درجه دوم قرار خواهد گرفت.

البته این وضعیت مخصوص ایران نیست و در تمامی جوامع وقتی کشورها دچار مشکلات اقتصادی و معیشتی می‌شوند، بخشی از مردم منفعل و با صندوق‌های رأی قهر می‌کنند. اگر در ماه‌های آینده وضعیت اقتصادی کشور بهتر شود، ارزش پول ملی



افزایش یابد، تورم و گرانی کاهش پیدا کند و درآمدهای مردم بیشتر شود در میزان مشارکت مردم در انتخابات تاثیر خواهد گذاشت. انتظار مردم از نظام سیاسی، برآورده ساختن حقوق پایه‌ای است که در قانون اساسی آمده است؛ مردم این چیزهایی که در قانون اساسی آمده است را می‌خواهند. اگر این‌ها محقق نشود، نارضایتی به وجود می‌آید و وقتی که نارضایتی پدید آید، مردم عکس‌العمل نشان خواهند داد و با انتخابات قهر می‌کنند که البته این قهرها دائمی نیست. برخی تلاش دارند این قهرها را به اصل نظام منتسب کنند اما در بسیاری از کشورها این تجربه وجود دارد که در برهه‌ای میزان مشارکت به حدود ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده و پس از اینکه نظام توانسته خود را بازسازی کند، مشارکت به روال سابق برگشته است. این نوسان در تمام جوامع وجود دارد و به معنای نفی کلیت نظام نیست.

امریه معروف مردم نسبت به دولت

سؤال پایانی مادر باره نقش قانون اساسی در توسعه مشارکت مردم در موضوعات مختلف است؛ قانون اساسی در این زمینه چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی دارد؟

مقدمه قانون اساسی، مانیفست (مرام‌نامه) اسلام‌گرایی ایرانی و نقشه راه مسیریایی است که باید پیموده شود. در مقدمه قانون اساسی بارها بر نقش و مشارکت مردم اشاره و تأکید شده است. در بخش «شیوه حکومت در اسلام» آمده است که «نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقه‌های عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.»

اصول ششم و هفتم قانون اساسی نیز بر مشارکت مردم در امور سیاسی و انتخابات تأکید دارد. اصل هشتم یکی از مهمترین اصول قانون اساسی می‌باشد که مغفول مانده است؛ این اصل بومی‌ترین اصل در موضوع سیاست و نظارت است که خیلی می‌تواند کارآمد باشد. در این اصل آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.»

تحقق و چگونگی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت خیلی مهم است؛ اینکه مردم چگونه می‌توانند به دولت امر به معروف و نهی از منکر کنند، شیوه دینی نظارت مردم بر حاکمان است. *آیا سازوکارهایی برای تحقق این اصل تدارک دیده شده است؟

خیر. قوانین عادی باید این امکان را فراهم سازد. در همان اصل هم آمده است که «شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» باید مکانیسمی برای امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت تعریف شود. این مکانیسم می‌تواند بومی و بر پایه مساجد، هیئات و... باشد.

متأسفانه اصل هشتم مورد غفلت قرار گرفته است؛ باید در مورد آن ادبیات تولید کرد و از درون آن ادبیات، قانون یا قوانینی به تصویب رساند تا وجه متفاوت مردم‌سالاری دینی با سایر مردم‌سالاری‌ها به نمایش گذاشته شود.

در موضوع اقتصاد نیز، قانون اساسی اقتصاد را بر سه نوع دولتی، خصوصی و تعاونی تعریف کرده که در دو نوع خصوصی و تعاونی مردم نقش دارند. اصل ۴۴ در رابطه با اقتصاد خصوصی است که تلاش

دارد بخش بسیار زیادی از اقتصاد کشور را به مردم و بخش خصوصی واگذار کند.

دین در حوزه حکمرانی نگاه دولت‌محور ندارد و نگاهش مردم‌محور است. دولت به مثابه ضرورتی است که باید بخشی از کارها را سر و سامان بدهد؛ تجلی این نگاه در سرتاسر قانون اساسی دیده می‌شود.





اگر از دست‌آورد بی‌نظیر انقلاب اسلامی صیانت نمی‌شد و نشود، نه تنها مسیر کمال خود را طی نخواهد کرد بلکه به سرعت دستخوش استحاله شده بود یا خواهد شد. صیانت از این انقلاب و محصول و نتیجه آن یعنی نظام اسلامی راه‌های گوناگونی دارد که یکی از ابعاد مهم آن حراست از تمامیت قانون

اساسی است که منشور ملی و متنی حاوی مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. خبرگان تدوین قانون اساسی به همین منظور و با بهره‌گیری از تجارب دیگر کشورها و همچنین تجربه «اصل طراز» در قانون اساسی مشروطه، نهادهای با عنوان «شورای نگهبان» را در قانون اساسی کشورمان پیش‌بینی کردند. البته در منابع حقوق اساسی،

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

برای نیل به مقصود صیانت از قانون اساسی ۲ روش ذکر شده است؛ روش کنترل قضایی و روش کنترل غیرقضایی که در جمهوری اسلامی ایران روش کنترل غیر قضایی ترجیح داده شده و نظارت

«شریعت» و «قانون اساسی» نهفته است. در اصول متعددی از قانون اساسی از جمله اصل ۷۱، قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی تحدید گردیده است. «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.» اصل چهارم قانون اساسی نیز از ضرورت انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین شرعی سخن گفته و مرجع تشخیص آن را فقهای شورای نگهبان قرار داده است. علاوه بر آن، در اصل ۹۶ چنین آمده است: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است.»

۲. تفسیر قانون اساسی:

یکی از مسئولیت‌های خطیر شورای نگهبان که آثار بسیار زیادی می‌تواند داشته باشد تفسیر قانون اساسی است. نکته مهم در تفسیر قانون اساسی این است که آنچه به عنوان تفسیر از سوی شورای نگهبان ارائه می‌شود در حکم قانون اساسی است. لذا تفسیر باید همچون خود قانون اساسی پایدار باشد و دستخوش تغییر قرار نگیرد.

یکی از نمونه‌های مهم این تفسیر «نظارت استصوابی» است که این شورا در سال ۱۳۷۰ و در پاسخ به درخواست رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات اعلام کرد.

تفسیر از نظر شورای نگهبان چنین تعریف شده است: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقتن است؛ بنابراین تزییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.» البته کارشناسان معتقدند «نباید تفسیر قانون اساسی را وظیفه مستمر و روزانه شورای نگهبان تلقی کرد و نباید انتظار داشت که در صورت بروز هر مشکلی، شورای نگهبان تفسیری از قانون اساسی ارائه و مشکل مزبور را برطرف کند. به عبارت دیگر، در مورد تفسیر نباید سخاوتمندانه عمل نمود، بلکه فقط در صورتی باید اقدام به تفسیر قانون اساسی نمود که بن‌بست جدی به وجود آمده باشد.»

۳. نظارت بر انتخابات:

سومین وظیفه خطیر شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات است؛ وظیفه‌ای که همواره محل بحث و گفتگو قرار گرفته و موجب هجمه‌های سنگینی علیه این شورا بوده است. اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت، نظارت بر عموم انتخابات و همه‌پرسی‌هایی که در کشور برگزار می‌شود (غیر از انتخابات شوراها) را به عهده شورای نگهبان گذاشته است: «شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد.»

البته بیشترین پیامدهای ورود شورای نگهبان به مقوله انتخابات، ناشی از همین تفسیر فوق‌الذکر و استصوابی بودن این نظارت است. نظارت استصوابی اختصاص به کشور ما ندارد و نمونه‌های آن را در دیگر کشورها مانند آمریکا و فرانسه نیز می‌توان مشاهده کرد هرچند در آن کشورها به دلیل نهادینه شدن احزاب و اعمال بخشی از نظارت استصوابی توسط خود احزاب، این موارد محدودتر است.

ابطال کل نتایج انتخابات مجلس سنا و یا ۲۴ مورد ابطال نتایج انتخابات در حوزه‌های انتخابیه‌ی مورد شکایت که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۸م. در فرانسه و همچنین مداخله‌ی دیوان عالی فدرال آمریکا در نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در سال ۲۰۰۰م. را که جورج بوش را به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا معرفی کرد، می‌توان از جمله مصادیق نظارت استصوابی در کشورهای غربی ذکر کرد.

سخن پایانی اینکه، اهمیت جایگاه و وظایف شورای نگهبان که ۲۶ تیر سال ۵۹ آغاز بکار کرد، از سویی موجب حملات و هجمه‌های

سهمگین معاندان و مخالفان نظام بوده و است و از سوی دیگر حمایت و پشتیبانی بی‌نظیر امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری را متوجه خود کرده است. این شورا می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارتقای حکمرانی داشته باشد. لذا شایسته است با توجه به تجارب گرانقدر بیش از سه دهه خود و نقدهای دلسوزان نظام، با اتقان هر چه بیشتر و سازوکارهای دقیق‌تر در گام دوم انقلاب گام بلندی در این جهت بردارد.





گفتگو با مهدی جمشیدی عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام؛

حمله به نظارت استصوابی برای عبور از ارزش‌ها

فضای اتاقش متفاوت‌تر از هر اتاق دیگری در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به نظر می‌رسد و ترکیبی آمیخته از فضای طلبگی و دانشجویی است. تعداد زیادی کتاب در موضوعات جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اندیشه‌های اسلامی کنار همدیگر در نزدیکی یک زیرانداز روی زمین چیده شده‌اند. آن سوتر نیز یک دستگاه رایانه روی یک میز و چند صندلی برای میهمانان گذاشته شده است. بر در و دیوار اتاق نیز چند قاب آویخته که یکی از آن‌ها تصویر مقام معظم رهبری و دیگری پرتره‌ای سیاه و سفید از شهید سیدمرتضی آوینی است.



«مهدی جمشیدی» محقق و نویسنده در زمینه فرهنگ‌پژوهی و علم اجتماعی اسلام و عضو گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. او در دوره نوجوانی با مطالعه آثار شهید مطهری علاقه‌مند به حوزه‌های اندیشه اسلامی و جامعه‌شناسی شد. علاقه‌مندی وی به این حوزه‌ها موجب شده که به گفته خودش در یک بازه زمانی چند ساله سه چهار هزار کتاب بخواند و با اندیشه‌ها و افکار بسیاری از متفکران ایرانی، مسلمان و غربی آشنا شود.

طی سال‌های گذشته و با پدید آمدن اتفاقات سیاسی و اجتماعی، نام وی و تحلیل‌هایش بیشتر در رسانه‌ها دیده و شنیده است. اما او علاوه بر حضور رسانه‌ای، تالیفات بسیاری هم داشته است که از آن جمله می‌توان به «بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مطهری» انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، «نظریه فرهنگی استاد مطهری» انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «علوم انسانی اسلامی در رهیافت امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای» انتشارات کتابخانه مجلس و «بازسازی انقلابی در ساختار فرهنگی» انتشارات موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی اشاره کرد. او کتاب‌های دیگری در مورد اندیشه‌های شهید مطهری نیز در دست تالیف و انتشار دارد و از این رو جمشیدی به عنوان یکی از شارحان اندیشه شهید مطهری شناخته می‌شود.

گفتگو با وی در دفتر کارش در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام شد و حدود سه ساعت به طول انجامید که بخش‌های مهم این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

ابتدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنیم. در آستانه سالروز تأسیس شورای نگهبان قرار داریم و خدمت شما رسیدیم تا درباره نقش و جایگاه شورای نگهبان گفتگویی داشته باشیم. فلسفه وجودی و منزلت شورای نگهبان چیست و چرا باید نهادی وجود

داشته باشد تا از آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول یک نظام حفاظت کند؟ و این نهاد به طور ویژه در یک نظام سیاسی دینی چه نقش و جایگاهی دارد؟

نکته نخست درخصوص منزلت شورای نگهبان است. برای توضیح این مطلب باید به بیان فلسفه حکومت دینی یا به عبارت دقیق‌تر معنای حکومت دینی پرداخت. جریان‌های روشنفکر و سکولار تعبیر کرده‌اند که حکومت

دینی، حکومت مومنان است و بس؛ در چنین حکومتی مجری منصوب باشد یا نباشد یا قانون از جانب خداوند متعال باشد یا نباشد اهمیتی ندارد.

تعبیر روشنفکران و سکولارها درست نیست و با تفکر امام خمینی (ره) همخوانی ندارد. امام دو عنصر را برای حکومت دینی مقوم و اساس می‌دانست؛ یکی قانون و دیگری مجری. قانون بدین معناست تمام قواعد مختلفی که برای تدبیر اجتماعی طراحی می‌شود باید از شرع یا مطابق با شرع باشد. سرفصل نخست حکومت دینی این است؛ نسخه‌ای که برای جامعه‌پردازی، تدبیر و حکمرانی انتخاب می‌شود باید دینی باشد. بنابراین دستورالعمل باید دینی باشد.

مجری قانون باید دینی باشد

حال اگر این دستورالعمل را در اختیار هرکسی قرار بدهیم، شرط کافی برای دینی بودن حکومت است؟ طبق نگاه امام خمینی (ره) مجری نیز باید منصوب باشد؛ یعنی همچنان که قانون و شریعت حاکمیت بایستی از دین باشد، حاکم و مجری قانون نیز باید منصوب باشد که در اینجا «ولایت

فقیه» موضوعیت پیدا می‌کند. بنابراین ولی‌فقیه کسی است که از جانب امام معصوم (ع) به روش نصب عام به این منصب گمارده شده است. یعنی اگر این قوانین را مهندس بازرگان اجرا کند، حکومت دینی نیست. پس فقط قانون کفایت نمی‌کند.

اکنون می‌توان جایگاه شورای نگهبان را تبیین کرد که در دو گرانیگاه مهم قرار دارد؛ چه کسانی وارد حاکمیت بشوند و چه قانونی تصویب بشود؟ از هرکدام تنزل کنیم و کوتاه بیاییم از حکومت دینی تنزل کرده‌ایم. این‌ها مقوم‌های اصلی و الگوی تمام عیار حکومت دینی هستند.

هر لایه‌ای فروتر از این باشد دیگر حکومت دینی نیست؛ شاید چیزی شبیه به حکومت دینی باشد مانند دوره مشروطه که علما شبه شورای نگهبانی تشکیل دادند و اصل بر حفظ سلطنت در نظر گرفته شد. آن موقع علما در توان خودشان نمی‌دیدند که بتوانند حکومت

دینی تشکیل بدهند و تصورشان این بود که امکان عملی برای طراحی و ایجاد حکومت دینی وجود ندارد. لذا در آن شرایط سلطنت را مشروط به قانونی کردند که به تصویب مجلس می‌رسید و جمعی از علمای تراز در قالب هیاتی بر دینی بودن آن نظارت می‌کردند.

شیخ فضل‌الله نوری پدر فکری شورای نگهبان

آن هیات شبیه شورای نگهبان بود؛ چراکه نقش حداقلی داشت و کاری نداشت که چه کسی وارد مجلس شورای ملی می‌شود و دیگر ساختارهای حکومت چگونه است. آن هیات با تدبیر آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری ایجاد شد و می‌توان او را پدر فکری شورای نگهبان نامید؛ چراکه صورت ابتدایی از شورای نگهبان در دوره مشروطه ایجاد کرد.

شیخ فضل‌الله نوری و جریان اصیل مشروطیت تنها به دنبال نفی استبداد و دیکتاتوری نبودند بلکه هدفشان مقید کردن سلطنت به شرع نیز بود. مجلس شورای ملی استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کرد، اما این نگرانی وجود داشت که مبادا قوانینی خلاف شرع به تصویب برسد. از این رو نسخه اقلی و ابتدایی شورای نگهبان در دوره مشروطه به وجود آمد تا بر مصوبات مجلس شورای ملی نظارت کند.

قیام امام خمینی (ره) برای برپایی حکومت دینی

امام خمینی (ره) یک آرمان حداکثری به معنای اینکه شاه نباشد، سلطنت نباشد و حکومت اسلامی باشد، در نظر گرفت. ایشان از سال ۱۳۲۳ و براساس آن متنی که در دفتر وزیری نوشتند و رهبر معظم انقلاب چند بار بدان اشاره کرد، در اندیشه تشکیل حکومت اسلامی بود. امام در آن متن با صراحت می‌گوید که علما به پا خیزید. ایشان حتی به برخی از علما همچون آیت‌الله کاشانی می‌گفت که چرا علیه شاه قیام نکردید و سقف خواسته‌ها را ملی شدن صنعت نفت در نظر گرفتید. امام معتقد بود که تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد که شاه با پشتوانه استکبار جای پایش محکم نشده بود، می‌شد او را سرنگون کرد و آیت‌الله کاشانی این امکان را در اختیار داشت تا تغییر ایجاد کند.

بنابراین اینکه تصور شود شرایط پیش از رحلت آیت‌الله بروجردی فراهم نبود و

پس از آن فراهم شد و امام امکان تاریخی را فراهم دید، اشتباه است. امام ۲ راهبرد در نظر داشت که در کشف‌الاسرار نیز آمده است. راهبرد نخست امام برچیدن سلطنت بود؛ ایشان امکان انجام این کار را فراهم می‌دید اما مشروط به همراهی علما بود که برخی از علما همراهی نکردند. امام نیز در آن دوره و پیش از آن بضاعت اجتماعی و حوزوی لازم را کسب نکرده بود که به تنهایی اقدام کند. آن عده از علما باور نداشتند که با اجتماع می‌توان سلطنت را برچید. آن‌ها سلطنت را همچون میخ محکمی می‌دانستند که در زمین ایران کوبیده شده است و امام را یک آرمان‌گرای واقعیت‌گریز می‌پنداشتند. اما امام به درستی تصور می‌کرد که اگر آن اراده انقلابی در وجود آقایان شکل بگیرد، می‌توان سلطنت را از بین برد.

راهبرد دوم امام کسب منزلت حوزوی و اجتماعی و انجام یک حرکت انفرادی بود که در تحقق این راهبرد موفق بود. بنابراین امام به اندازه‌ای وزن و منزلت پیدا کرد که توانست به تنهایی قدرت اثرگذاری داشته باشد. البته برخی از علما نیز همراهی‌هایی کردند.

هیچ سلطنتی دینی نیست

البته باید توجه داشت که امام سلطنت را بر هرج و مرج ترجیح می‌داد. ایشان می‌گفت ما موافق بی‌قانونی و هرج و مرج نیستیم و اگر در جایی از سلطنت دفاع کرده در برابر بی‌قانونی و هرج و مرج بوده نه در برابر حکومت دینی. امام سلطنت را حکومت دینی نمی‌دانست و در کتاب ولایت‌فقیه‌اش عنوان می‌کند که مشروطه حکومت دینی نیست چراکه اساساً سلطنت دینی نیست. امام می‌گوید هیچ شاه خوبی نداریم؛ چراکه خوبی یا شاهی در تضاد است. تعبیر «مشروطه مشروعه» را هم که شیخ فضل‌الله نوری به کار برد به معنای اندکی دینی شدن و تقرب به ساختار دینی است. طبق تفکر امام، در راس ساختار سیاسی دینی ولی فقیه قرار دارد.

بنابراین نگاه امام خمینی (ره) از ابتدا مشخص است و هیچگاه دچار تذبذب و سرگردانی نشد. ایشان به دنبال تحقق حکومت دینی و ولایت‌فقیه بود. جمهوری اسلامی نیز مصداق امروزی حکومت دینی است. «جمهوریت» مصداق امروزی بودن حکومت اسلامی است.

مردم‌سالاری برآمده از دین است

امام در سال ۶۷ ت پاسخ به سوالی درباره گستره ولایت‌فقیه فرمود که ولی فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایط ولایت در جمیع صور دارد یعنی ولایت مطلقه دارد لیکن تولی آن وابسته به رای مردم است که از آن در صدر اسلام به بیعت تعبیر می‌شد. بنابراین امام جمهوری امروزی را بیعت دیروزی می‌داند. این همان تعبیر رهبر معظم انقلاب است که فرمود مردم‌سالاری دینی به هم سنجاق نشده‌اند بلکه در درون دین، مردم‌سالاری وجود دارد.

حکومت نبوی و علوی مبتنی بر بیعت بود و امروز نیز برای بیعت چاره‌ای اندیشیده شد که همان جمهوریست است. بنابراین ولایت همان مشروعیت و تولی، بیعت یا جمهوریست همان مقبولیت یک نظام دینی است. رهبری یک بار در سخنرانی ۱۴ خرداد (سالروز ارتحال امام) فرمود که حکومت دینی با تقلب و تغلب (غلبه، تحمیل و زور) جمع‌شدنی نیست. ذات آن نیز با استبداد همخوانی ندارد. برخلاف آن چیزهایی که می‌گویند، علامه مصباح نیز چنین اعتقادی داشت که اگر حکومت دینی مقبولیت نداشته باشد، همان حادثه‌ای که برای حکومت امیرالمومنین (ع) اتفاق افتاد برای حکومت امروز نیز رخ خواهد داد.

راه‌های سنجش مقبولیت یک نظام سیاسی

چگونه می‌توان میزان مقبولیت یک نظام سیاسی را برآورد کرد؟ آیا با استناد به میزان مشارکت مردم در چند انتخابات و یا حضور در راهپیمایی‌ها می‌توان چنین برآوردی داشت؟ چرا که برخی هر از چند گاهی ادعا می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران مقبولیت خود را از دست داده و می‌گویند باید یک همه‌پرسی در این زمینه برگزار کرد.

پاسخ به این سوال خیلی مفصل است. من چندی پیش مناظره‌ای با دکتر زیباکلام داشتم که در همین رابطه به گفتگویی که وی با مرحوم هاشمی رفسنجانی در دهه هشتاد داشته و با عنوان «هاشمی بدون روتوش» منتشر کرده، ارجاع دادم. مرحوم هاشمی در آنجا می‌گوید که هر نظام سیاسی حدود سی چهل درصد مخالف دارد و اگر ۲۰ درصد بدنه اجتماعی تثبیت‌شده داشته باشد و از اهرم‌های مهار اجتماعی برخوردار باشد، برای تداومش کافی است. جامعه‌شناسی سیاسی نیز همین را می‌گوید که هر نظام سیاسی با مخالفان، بی‌تفاوتان، همراهان حداقلی و همراهان حداکثری مواجه است.

کسانی که از عدم مقبولیت سخن می‌گویند یا وجود پاره‌ای از مخالفان را برجسته می‌کنند یا در وجود آن‌ها مبالغه می‌کنند؛ در حالی که در جامعه‌شناسی سیاسی گفته می‌شود که وجود بیست سی درصد مخالف طبیعی و عام است یعنی در همه نظام‌های سیاسی وجود دارد.

من که البته هر اعتراضی را حمل بر مخالفت سیاسی نمی‌کنم. چراکه بر اساس نوسانات مقطعی انتخاباتی نمی‌توان در مورد بدنه اجتماعی حکومت سخن گفت. رهبری فرمود که ما شاهد ۱۰ سال تعطیلی نسبی اقتصاد بودیم. رهبری شهریور سال ۱۴۰۰ و در دیدار با اعضای دولت جدید گفت که جامعه در امید اجتماعی و اعتماد سیاسی دچار ضربه‌خوردگی شده است. این آسیب‌ها نتیجه ۱۰ سال تعطیلی اقتصاد است. اگر جامعه‌ای به مدت ۱۰ سال به خارج از کشور مشروط شود و میزان مشارکت در چند انتخابات کاهش یابد، نمی‌توان نتیجه گرفت که نظام دچار افول سیاسی شده است.

آیا نوسان مشارکت دلیل بر افول سیاسی است؟

افول سیاسی یا ضعف مقبولیت با یک روند مستمر چند لایه شناخته می‌شود. اگر مشارکت در همه دوره‌ها کم باشد، نشان‌دهنده ضعف مقبولیت است. اما وقتی مشارکت در دوره‌هایی بالا و در مقاطعی کاهش می‌یابد، نوسانی است که به معنای از دست رفتن بدنه اجتماعی نیست و برطرف شدنی می‌باشد. ضمن اینکه این نوسانات در هر جامعه‌ای طبیعی است و به متغیرهای دیگری همچون معیشت و اقتصاد وابسته است. به نظر می‌رسد که اگر مشکلات معیشتی

و اقتصادی حل شود، مشارکت نیز تامین خواهد شد. بنابراین مشکل زیرساختی و ایدئولوژیک نیست و مشکل روساختی و سطحی است. این عامل در کاهش مشارکت ارتباطی به شورای نگهبان ندارد و درباره آن کسانی که می‌گویند دلیل کاهش مشارکت مردم در انتخابات سختگیری‌های شورای نگهبان است، باید گفت که تمام تحلیل‌های تک متغیره غلط است.



انتخابات عیان‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی

آیا می‌توان میزان مشارکت مردم در انتخابات‌ها را شاخص مقبولیت یک نظام تعریف کرد؟ بالاخره در کشورهای مختلف شاهد هستیم که میزان مشارکت یا اینکه بسیار پایین و حدود سی چهل درصد است یا اینکه در مقاطعی به این میزان کاهش پیدا می‌کند. این وضعیت نیز تنها مختص کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نیست و در کشورهای توسعه یافته نیز شاهد پایین بودن یا کاهش مشارکت هستیم. آیا تحلیل مقبولیت تنها بر مبنای میزان مشارکت در انتخابات صحیح است؟

اینکه گفته شود انتخابات تنها عامل شناسایی میزان مقبولیت یک نظام است، اشتباه می‌باشد. اما انتخابات نقطه عالی و نقطه تجلی این موضوع است. به نظر می‌رسد به همین دلیل نیز مقام معظم رهبری بر مشارکت حداکثری تأکید دارد. انتخابات رسمی‌ترین، جدی‌ترین و عیان‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی است. اما تنها عامل نیست. مردم‌سالاری دینی تنها انتخاباتی نیست و پس‌الانتخاباتی نیز می‌باشد؛ نقد حاکمیت و ارائه پیشنهادات در راستای مردم‌سالاری پس‌الانتخاباتی است.

زمانی که تشییع پیکر سردار شهید سلیمانی صورت گرفت، بحث‌هایی درباره دینداری مردم و نسبت مردم و انقلاب اسلامی مطرح بود و آن تشییع چند ده میلیونی باطن و هویت جامعه ایران را نشان داد. رهبری فرمود که باطن جامعه ایران را باید زیر تابوت شهید سلیمانی دید. دینداری مردم ایران ابرواقعیت یا به عبارت دیگر واقعیت کلانی است که در تشییع شهید سلیمانی نمایان شد.

بنابراین فریب نوسانات انتخاباتی نباید خورد. از ابتدای پیروزی انقلاب، میزان مشارکت مردم در انتخابات‌ها دارای نوساناتی بوده است. اگر دو سه دوره میزان مشارکت کاهش یافت به

معنای پایان نظام جمهوری اسلامی نیست.

در مورد فتنه‌هایی هم که به وقوع می‌پیوندد باید گفت که فتنه ضرورتاً منجر به برچیده شدن حکومت دینی نخواهد شد، اما لایه‌هایی از نفاق را از بین خواهد برد. این اتفاق را هم در فتنه ۸۸ و هم در فتنه اخیر شاهد بودیم.

امام نگاه حداکثری داشت

امام خمینی (ره) برخلاف گذشتگان نگاه حداکثری داشت و در پی انقلاب اجتماعی بود. هیچکدام از گذشتگان به دنبال انقلاب نبودند. انقلاب به معنای تغییر بنیادها به خصوص حکومت است. ریشه اینگونه انقلابی، انقلاب درونی است؟

بله. امام چنین نگاهی داشت و می‌فرمود که ظهور آن انقلاب بیرونی و اجتماعی است. اینکه رهبری، امام خمینی (ره) را امام تحول نامیدند به همین دلیل است و هیچکس مانند امام نتوانست چنین تحولی به وجود آورد.

آرمان حداکثری امام خمینی (ره)، برقراری حکومت دینی بود و آن را جلوی دیدگان مردم گذاشت. گذشتگان هیچ‌کدام چنین تصویری نداشتند بدین معنا که آن را ممکن نمی‌دانستند. امام با اتکا به مردم و دانش و تجربه اجتماعی که داشت آن آرمان را محقق کرد. ایشان در مسیر تحقق این آرمان هیچگاه دچار ترلز نشد. در چند ماه باقی‌مانده به پیروزی انقلاب، اعضای نهضت آزادی در فرانسه خدمت امام می‌رسیدند

و می‌گفتند شاه پذیرفته تا یک مجلس ملی ایجاد شود و طبق مشروطه سلطنت کند. همین را بپذیریم تا بعد به اهداف عالی برسیم، اما امام با شناخت و دانشی که از مردم داشت گفت شاه و سلطنت باید برود و حکومت اسلامی باید ایجاد شود.

شهید مطهری هم که خدمت امام رفت و گفت ممکن است رژیم حمام خون راه بیندازد، امام گفت قطعاً پیروز خواهیم شد. سپس شهید مطهری گفت من امام را در قله ایمان دیدم که رهبری در سخنان ۱۴ خرداد امسال بدان اشاره کرد.

کوتاه نیامدن از اصول حکمت است

قاطعیت در لحظات تاریخی پیروزی و موفقیت به دنبال می‌آورد. فرض کنید اگر رهبری نیز در سال ۸۸ می‌پذیرفت که لویی جرگه‌ای تشکیل شود، معلوم نبود که چه خواهد شد. رهبری فرمود که من به هیچ وجه تسلیم بدعت‌های شبه قانونی و غیرقانونی نخواهم شد. ایشان اگر در آنجا عقب‌نشینی می‌کرد، یک ریل غیرقانونی به وجود می‌آمد که در هر بزنگاهی باید کوتاه می‌آمد و از خودش، ساختار سیاسی و شورای نگهبان مشروعیت‌زدایی می‌کرد. کوتاه

نیامدن از اصول، جزمیت بدون منطق نیست بلکه حکمت است. مقام معظم رهبری از امام خمینی (ره) آموخت که از خطوط قرمز عقب ننشیند. به طور مثال فتنه برای رهبری خط قرمز است و به هیچ وجه از آن عقب‌نشینی نخواهد کرد. البته رهبری چندین بار از سران فتنه خواستند که از این جریان اعلام برائت کنند و عقب بنشینند، اما این کار را نکردند. این راه بازگشت تا مدت‌ها و تا سال‌ها نیز باز گذاشته شده بود.

در آرمان حداکثری امام چند نکته مهم وجود دارد. به اعتقاد شهید مطهری اسلامیت محتوای نظام سیاسی و جمهوریت شکل و صورت آن است. مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید که مردم‌سالاری دینی نوعی نظام سیاسی است که در آن ارزش‌های دینی حاکم می‌باشد و ذیل آن شاهد انتخاب‌های مردمی هستیم.

هر نظام سیاسی باید امکان بازی‌گری به مردم بدهد. برخی از نظام‌ها که اصلاً امکان بازی‌گری نمی‌دهند. آن نظام‌هایی هم که امکان بازی‌گری می‌دهند برای آن قاعده تعیین می‌کنند. آن دموکراسی که منجر به فاشیسم شود از سوی نظام‌های لیبرال پذیرفته نمی‌شود. بنابراین مردم‌سالاری دینی مقید و معتقد به

اصول چیز عجیب و غریبی نیست.

پس در نظام‌های لیبرالی، لیبرالیسم محتوا و دموکراسی شکل و صورت آن نظام است.

دموکراسی روشی برای تحقق حداکثری ارزش‌های لیبرالیسم است. مردم‌سالاری دینی نیز روشی برای تحقق حداکثری ارزش‌های دینی است.

ولی فقیه نگهبان حرکت کلی انقلاب

نقش شورای نگهبان در تحقق ارزش‌های دینی از روش مردم‌سالاری دینی چیست؟

برای بیان این نقش باید به موضوع مجری پرداخت. ما در نظام اسلامی یک مجری عمده داریم که ولی فقیه است و از سوی امام زمان (عج) نصب عام می‌شود؛ این براساس روایات می‌باشد و در فرمایشات امام خمینی (ره) و کتاب‌های کشف‌الاسرار، بیع و ولایت فقیه ایشان نیز به صورت مکرر آمده است. امام علاوه بر ۱۵ دلیل روایی، دلایل عقلی را نیز مطرح کرده است.

ولی فقیه نیز مجتهد جامع‌الشرایطی است که در تشخیص مصالح سیاسی و اجتماعی از سایر مجتهدان اعلم و افضل است. شهید مطهری می‌فرماید که ولایت فقیه بدان معنا نیست که به عنوان مجری حکومت کند. افراد دیگری مجری هستند و ولی فقیه ناظر است. آیا منظور از ناظر همان ناظر حداقلی دوره مشروطه (هیات نظارت بر مصوبات مجلس شورای ملی) است؟ ولی فقیه در اجراییات دخالت نمی‌کند، اما نگهبان حرکت کلی نهادهی رسمی و توده مردم به سوی ارزش‌های دینی و انقلابی است. البته هرچا که حرکت ناهماهنگ است، دخالت باید صورت بگیرد. بنابراین نظارت ولی فقیه اعتقادی و ایدئولوژیک است.

صدور احکام حکومتی به چه معناست و آیا دخالت در اجرا محسوب می‌شود؟

همانطور که گفتیم رهبری هر کجا بفهمد حرکت ناهماهنگ در حال انجام است، می‌تواند دخالت کند. در واقع از سوی ولی فقیه تنظیم‌گری انجام می‌گیرد. ورود ایشان در اجراییات موردی و برای تنظیم حرکت به سوی اهداف انقلاب اسلامی است. رهبری در مورد سایر اتفاقات که خدشه‌ای به حرکت کلی انقلاب وارد نمی‌کند اما

ممکن است تخلف باشد، ورود پیدا نمی‌کند. ایشان معتقد است در مورد آن اتفاقات، ساختارهای نظارتی درون حکومت دینی باید فعال باشد و رهبری وظیفه دخالت ندارد. اگر وزیری تخلف کرده، هیات دولت باید رسیدگی کند و مجلس هم باید نظارت داشته باشد. رهبری حتی به مجلس خبرگان نیز فرمود که تنها به برگزاری چند جلسه در طول سال کفایت نکنید و فعالیت مداوم در راستای وظایف داشته باشید. ایشان به دنبال فعال‌سازی، بلوغ و توانمندسازی تمام نهادهاست.

حتی به جوانان نیز می‌گوید که شما افسر هستید و سرباز نیستید.

رابطه اصل ۵۷ با اصل ۱۱۰ قانون اساسی

ورود ایشان به آن موارد معدود در راستای عمل به قانون اساسی در خصوص وظایف رهبری نیز است؛ چراکه طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی یک از وظایف رهبری حل اختلاف بین قوا و به عبارت دیگری تنظیم‌گری بین سه قوه است.



در این رابطه دو اصل ۵۷ و اصل ۱۱۰ قانون اساسی وجود دارد که ممکن است برخی بگویند در اصل ۵۷ از ولایت مطلقه فقیه سخن به میان آمده اما در اصل ۱۱۰ وظایف و اختیارات رهبری به مواردی معدود شده و ولایت مقیده است. مرحوم آیت‌الله مصباح می‌گفت که برخی از اصول قانون اساسی بر سایر اصول حاکم هستند. در اینجا نیز اصل ۵۷ بر اصل ۱۱۰ حاکم است؛ بدان معنا که در اصل ۱۱۰ موارد مهم و مواردی که بیشتر پیش می‌آید ذکر شده است. وگرنه امام خمینی (ره) طبق اصل ۵۷ اقدام به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی کرد.

برخلاف اینکه برخی ادعا می‌کنند ولی فقیه، دیکتاتور است، دیکتاتوری اصلاً بر نظریه ولایت فقیه و کارنامه رهبری قابل تطبیق نیست. ایشان تا جایی که می‌توانند از صحنه عمل دوری می‌کنند و موضوعات مختلفی را به مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی هماهنگی سران قوا و... واگذار می‌کنند و راهبری کلی را انجام می‌دهد.

مجریان حکومت باید دینی باشند

در مورد سایر مجریان، یکی از شقوق فاعلیت شورای نگهبان معنا پیدا می‌کند. شورای نگهبان دو نقش مهم یعنی تطبیق مصوبات با قانون اساسی و شرع و نظارت بر انتخابات را برعهده دارد. کسانی که نظارت استصوابی را مورد انتقاد قرار می‌دهند با وجه نظارتی شورا در مورد مجریان مخالف هستند.

شهید مطهری می‌فرماید آدم‌هایی که در حکومت دینی و ایدئولوژیک مسئولیت می‌یابند باید متعهد به آن ایدئولوژی باشند تا اهداف حکومت دینی تحقق یابد. البته شهروند می‌تواند اعتقاد داشته باشد یا نداشته

باشد. جمهوری اسلامی باید به همه شهروندان خدمات عمومی بدهد و در آنجا شهروند درجه یک و درجه دو نداریم. اما درباره جریان‌های سیاسی و کسانی که می‌خواهند در نظام مسئولیت یابند، درجه یک و درجه دو و خودی و غیرخودی داریم که متأسفانه برخی در این رابطه مغالطه می‌کنند. امام خمینی (ره) حتی به نهضت آزادی اجازه نداد که تشکیل حزب بدهند.

صلاحیت‌های ایدئولوژیک و دینی ارتباطی به فعالیت‌های مدنی و

برخی به دنبال این هستند تا از طریق انتخابات در ساختار قدرت حضور یابند و ساخت حقیقی نظام را تغییر بدهند. رهبر معظم انقلاب در برابر این استحاله ایستاده است. از این رو جریان غیرانقلابی همواره به انتخابات به عنوان اهرم فشار برای تغییر حکمرانی رهبر انقلاب و عبور از ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی نگاه می‌کند. آن‌ها مهندسی می‌کنند تا انتخابات رابستری برای اهداف ساختارشکنانه قرار دهند. کدام دستگاه عاقل سیاسی اجازه می‌دهد که چنین افرادی وارد ساختارش بشوند و ساختارشکنی کنند؟

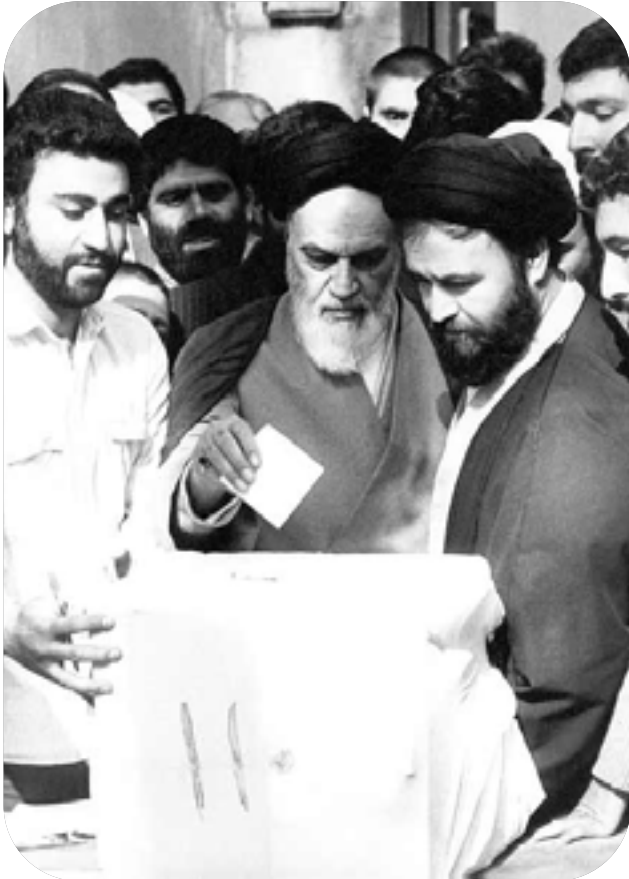
توده‌ای ندارد و ورود به حاکمیت صلاحیت می‌خواهد. از این رو هر کسی نمی‌تواند رئیس‌جمهور بشود.

رئیس‌جمهور و صلاحیت‌های اخلاقی

برخی در مورد احراز صلاحیت‌ها عنوان می‌کنند که اصل بر برائت است و شورای نگهبان نباید به بررسی وضعیت افراد بپردازد.

آنچه شورای نگهبان انجام می‌دهد احراز صلاحیت است؛ یعنی صلاحیت افراد با داوطلبی نمایندگی مجلس یا ریاست‌جمهوری باید محرز شود. سکان کشور را نمی‌توان به دست کسانی سپرد که صلاحیت‌شان مشخص نیست. لذا باید صلاحیت‌شان محرز شود. در سایر کارها نیز اینگونه است؛ فردی که یک شرکت خصوصی دارد و می‌خواهد حسابدار استخدام کند باید حتماً برایش محرز شود که آن فرد با اصول حسابداری آشناست.

اتفاقاً امام در مورد سیاست می‌فرماید که حمل بر صحت نباید کرد. حکومت دینی را نباید به دست هرکسی داد. امام می‌فرماید که اگر رئیس‌جمهور یک سیلی نا به جا بزند از جایگاه‌اش ساقط است. برای مسئولان صلاحیت‌های اخلاقی مهم است. شهید بهشتی می‌فرمود که من با خیال راحت می‌توانم پشت سر شهید رجایی نماز بخوانم. رئیس‌جمهور باید واجد صلاحیت‌های بالای اخلاقی باشد.



شورای نگهبان پاسدار هویت انقلاب

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها براساس قانون عمل می‌کند و اگر باید موضوعی مورد اعمال و توجه قرار بگیرد باید در چارچوب قانون باشد.

حکمرانی صلاحیت‌های خاصی می‌خواهد و باید در این مورد حساسیت‌های ویژه داشت. نگاه باز و گشاده‌دستی در این موضوع معنایی ندارد. هرچقدر که در مورد مردم گفته می‌شود که نباید سخت گرفت، باید مدارا کرد و نگاه‌های مختلف و متنوع باید وجود

داشته باشد، در مورد صاحبان مناصب بالعکس است و اتفاقاً باید سخت گرفت، دقت داشت و موشکافانه عمل کرد. حکومت دینی نسبت به حکومت‌های دیگر، معیارها و محدودیت‌های بیشتری در این رابطه دارد.

نقش شورای نگهبان در این رابطه مراقبت ایدئولوژیک از ورود افراد به حاکمیت است. حکومت دینی اگر این کار را انجام ندهد بعد از مدتی هویت خود را از دست خواهد داد. همانطور که رهبری فرمودند دشمنان ابتدا به دنبال براندازی و اگر نشد به دنبال استحاله هستند. در استحاله، جمهوری اسلامی تقلبی خواهند ساخت که احياناً یک فرد معمم نیز در راس آن خواهد بود. وقتی انسان‌های بی‌اعتقاد بر سر کار بیایند، جمهوری اسلامی از هویت خودش بیگانه خواهد شد.

امام چرا منتظری را از قائم مقامی عزل کرد؟ چون می‌دانست که پس از وی، حکومت را به دست لیبرال‌ها خواهد سپرد. دلیل دومش این بود که منتظری با منافقین در ارتباط بود و اخبار محرمانه کشور را به آن‌ها می‌داد.

لیبرالیسم ایرانی نمرده است

البته باید توجه داشت که گونه‌هایی از لیبرالیسم داریم و لیبرالیسم ایرانی پس از بازرگان نمرده است. آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌گفت بازرگان اگر لیبرال بود، صداقت داشت اما امروز با لیبرال‌هایی مواجه هستیم که صادق نیستند. در هر بازه زمانی با گونه‌ای از لیبرالیسم مواجه‌ایم. شهید مطهری در برابر رفتارها و گفتارهای مهندس بازرگان و دولت موقت مواضع جدی و محکمی داشت. او یک هفته پیش از شهادتش گفت که بازرگان را برکنار می‌کنیم. ایشان در خصوص اصول انقلاب اسلامی بسیار حساس بود.

پس ورود و خروج افراد به حاکمیت مشروط به همراهی فکری و ایدئولوژیک علاوه بر آن صلاحیت‌هایی که باید داشته باشد، است. شورای نگهبان اگر در این رابطه ملاحظات کند با جمهوری اسلامی تقلبی مواجه خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در دهه هفتاد چهار سخنرانی با موضوع عبرت‌های عاشورایی بیان کرد. ایشان در آن سخنرانی‌ها فرمود ما باید ببینیم ظرف ۵۰ سال پس از پیغمبر اکرم (ص) چه اتفاقی در جامعه دینی افتاد که نواده پیامبر به فجیع‌ترین شکل به خاک و خون کشیده شد. اگر جامعه دست‌پورده نبی‌اکرم (ص) ظرف ۵۰ سال به این نقطه رسید، جامعه ما مستعد زمان کمتری است.

رهبر انقلاب در سال ۸۷ در دانشگاه علم و صنعت بیان کرد که یکی از درگیری‌های اساسی ما در طول دهه‌های گذشته جلوگیری از استحاله شدن ساخت حقیقی نظام بود و ولی‌فقیه موظف است تا ساخت حقیقی نظام را نگه دارد. ساخت حقیقی همان ارزش‌های نظام است.

ضرورت پاسداری از انتخابات

برخی به دنبال این هستند تا از طریق انتخابات در ساختار قدرت حضور یابند و ساخت حقیقی نظام را تغییر بدهند. رهبر معظم انقلاب در برابر این استحاله ایستاده است. از این رو جریان غیرانقلابی همواره به انتخابات به عنوان اهرم فشار برای تغییر حکمرانی رهبر انقلاب و عبور از ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی نگاه می‌کند. آن‌ها مهندسی می‌کنند تا انتخابات را بستری برای اهداف ساختارشکنانه قرار دهند. کدام دستگاه عاقل سیاسی اجازه می‌دهد که چنین افرادی وارد ساختارش بشوند و ساختارشکنی کنند؟

شورای نگهبان ساز و کار نگه دارنده وجه دینی حاکمیت است و نظارت استصوابی وسیله‌ای در این راستا می‌باشد. اگر نظارت استصوابی نباشد، وجود شورای نگهبان تعارفی می‌شود. وقتی یک نهاد سخنش و تشخیصش، توانایی عملی شدن نداشته باشد،

سخن و تشخیصش فایده ندارد.

وجه مردمی و پاسداری این نهاد از جمهوریت چیست؟

شورای نگهبان نگه‌دارنده قانون اساسی و ارزش‌های دینی است. اگر قانون اساسی برآمده از وجدان جمعی است و اگر ارزش‌های دینی مقوم هویت تاریخی ماست، پس شورای نگهبان در حال دفاع از هویت اصیل ماست.

اراده مردم دینی است

اراده جمهور (مردم) اراده دینی است. دین در ملیت و ملیت ما در دین هضم شده است. وقتی از ارزش‌های اساسی دفاع شود، از نیات، انگیزه‌ها، اندیشه‌ها و خواست مردم دفاع شده است. مردم تعلقات دینی دارند و اگر کسانی از این مرزها عبور کنند در مقابل دین خواهند ایستاد. در فتنه ۸۸ دیده شد که سرانجام فتنه، حمله به مقدسات دینی و بی احترامی به ساحت امام حسین (ع) بود. بنابراین اگر شورای نگهبان از این ارزش‌ها دفاع کند، از چیزی جدای از مردم دفاع نکرده است.

قانون اساسی نیز یک میثاق ملی و برآیند نظر مردم است. گاهی حرف‌های سطحی را به مردم نسبت می‌دهیم که این نسبت دادن ربط علی ندارد اما یک وقت است که تشخیص و تعیین پیدا کرده و باور داریم که هویت اصلی و عمده مردم، دینی است. مردم با ظواهر مختلف دست از هویت دینی‌شان برنداشته‌اند و اکثر مردم اینگونه هستند.

سکولاریسم هم اصولی دارد

پس هر ساختار سیاسی باید چنین نهادی برای حراست از ارزش‌ها و آرمان‌هایش داشته باشد.

اگر یک ساختار سیاسی بی‌اصول باشد، بدون شورای نگهبان هم می‌تواند باشد. ساختار سیاسی بی‌اصول نیاز به نگهبان ندارد. اما آیا در دنیا ساختار سیاسی بدون اصول وجود دارد؟ اصول ممکن است دینی یا سکولار باشد اما اصل داشتن دینی و سکولار نمی‌شناسد. سکولاریسم هم اصولی دارد.

بالاخره هر ساختار سیاسی مقوم‌ها، ممیزات و مشخصاتی دارد که اجازه نمی‌دهد با جابجایی افراد، آن‌ها دستکاری شود. برخلاف اینکه در نظام جمهوری اسلامی ایران، برخی از روسای جمهور تصور کردند که قدرت انقلاب کردن دارند، ساختارهای سیاسی دیگر خشک است و بر افراد غلبه دارد.

آن ساختارها امکان‌های حداقلی برای کنشگری افراد فراهم می‌کنند و افراد پیشاپیش می‌دانند وارد ساختاری می‌شوند که قدرت بازیگری‌شان اصلاً حداکثری نیست. بنابراین حس انقلاب کردن به آن‌ها دست نمی‌دهد و نمی‌گویند چون ۲۰ میلیون رای آوردیم پس می‌توانیم ساختارشکنی کنیم. ما از این حیث سستی به خرج دادیم که برخی تصور می‌کنند حالا که آمده‌اند، می‌توانند ریل‌های اصلی را تغییر بدهند. رهبر معظم انقلاب در مورد سیاست خارجه این موضوع را بیان فرمودند و گفتند در همه جای دنیا نیز همین است. تنوع جریان‌های سیاسی ذیل یک ساختار سیاسی به معنای ساختارشکنی نیست. برخی از جمهوری اسلامی انتظار بی‌چارچوبی دارند، در حالی که هیچ ساختار سیاسی بی‌اصول، بی‌چارچوب و بی قاعده نیست. هر ساختاری هم که اصول، قاعده و چارچوب دارد یک نهادی را برای پاسبانی اصول طراحی می‌کند. ضمن اینکه هیچ نظام سیاسی، اصول خودش را به انتخابات نمی‌گذارد. هیچ برگزیدگی انتخاباتی نیز به معنای عبور از اصول نیست.



ایدئولوژیک بودن آمریکایی‌ها

ما در جلسه مدیرعامل تیک تاک در کنگره آمریکا دیدیم که در آن سرزمین نیز از ارزش‌ها و اصول سخن گفته می‌شود و نمایندگان کنگره آمریکا به شدت به آن مدیرعامل حمله می‌کردند که شما ارزش‌های آمریکایی را زیرسوال بردید. آن جلسه نشان داد که آمریکایی‌ها در حفاظت از ارزش‌هایشان محکم هستند.

شورای نگهبان یک نهاد ایدئولوژیک است و برخی مدعی هستند چون در دوره ایدئولوژی‌زدایی قرار داریم باید شورای نگهبان کنار برود، سنجش صلاحیت غلط است و ایدئولوژیک نگاه کردن نیز اشتباه می‌باشد.

در آن جلسه‌ای که بدان اشاره کردید، علاوه بر ارزش‌های آمریکایی شاهد به کار بردن مداوم یک عبارت نیز بودیم و آن «حزب کمونیست چین» بود. یک شرکت تجاری نرم‌افزاری ساخته و در کشور آمریکا نیز ۱۵۰ میلیون کاربر دارد، اما آن‌ها برایشان مهم است که آن شرکت و گردانندگان آن کمونیسم هستند یا لیبرال. آن‌ها به تیک‌تاک نیز ایدئولوژیک نگاه می‌کنند اما به ما که می‌رسند می‌گویند ایدئولوژیک نگاه نکنید و باید به خانواده جهانی پیوست. مساله آن فقط دولت چین نیست بلکه بیشتر از آن به کمونیسم بودن دولت چین موضع دارند. ما نیز نسبت به لیبرال بودن آمریکا و وجوه استکباری آن حساسیت داریم. چگونه این حساسیت‌ها غیرمنطقی، غیرعقلانی و آرمان‌گرایی محض است اما شما خودتان مرتب ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه نگاه می‌کنید؟ شما حتی به یک شبکه اجتماعی نیز ایدئولوژیک نگاه می‌کنید و اصرار دارید آن را کمونیست بودن نسبت بدهید.

یکی از نکات دیگری که در آن جلسه مدام تکرار می‌کردند، امنیت ملی آمریکا بود. اما در داخل اگر کسی بگوید به فلان موضوع نگاه امنیتی داریم، مورد هجمه و حمله قرار می‌گیرد. رهبری در مورد اغتشاشات فرمود که هم باید فرهنگی بدان نگاه کرد و هم امنیتی. حضور یک شبکه اجتماعی در آمریکا ممکن است امنیت ملی آمریکا را خدشه‌دار کند، اما آیا حضور شبکه‌های اجتماعی آمریکایی در ایران، امنیت ملی ما را نمی‌تواند تخریب کند؟ چرا باید نگاه امنیتی در آمریکا مطلوب و در ایران مذموم باشد؟



گفتگو با دکتر علی فتاحی زفرقندی قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان؛

پژوهشکده پشتیبان علم- حقوق جلسات شورای نگهبان

دکتر علی فتاحی زفرقندی یک جوان دهه شصتی است که دکترای خود را در رشته حقوق عمومی از دانشگاه تهران دریافت کرده و اکنون عضو هیات علمی و قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان است.

او کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره حقوق اساسی، قانون اساسی و شورای نگهبان نوشته است. کتاب «شورای نگهبان؛ نظارت بر انتخابات» یک اثر جامع از وی در پاسخ به شبهات مطرح شده درباره انتخابات و شورای نگهبان است. دکتر فتاحی کتاب‌های «مردم و حکومت اسلامی» و «آشنایی با جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان» را هم نگاشته است که از سایت انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان می‌توان تهیه کرد.

گفتگویی که با وی انجام دادیم درباره فلسفه وجودی شورای نگهبان و مجموعه ماموریت‌ها و اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان است که در ادامه این گفتگورامی خوانید:

ابتدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنیم. سوال نخست ما درباره فلسفه وجودی شورای نگهبان است. چرا باید نهادی وجود داشته باشد تا به بررسی و تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و اصول قانون اساسی بپردازد؟ آیا در سایر کشورها نیز چنین نهادی وجود دارد؟ مبنای عقلانی و اساسی حراست و پاسداری از قانون اساسی چیست؟

بسم الله الرحمن الرحیم. برای پاسخ به این سوال و بیان فلسفه وجودی شورای نگهبان و یادگاه قانون اساسی یا نهاد پاسدار قانون اساسی، باید یک قدم به عقب برگشت و به سیر تاریخی ایجاد مفهوم «قانون اساسی» پرداخت.

فعل و انفعالات اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ میلادی منجر به این شد تا کشورهای مختلف و مردم تحولاتی را که در حوزه‌های علمی آغاز شده بود وارد تحولات اجتماعی کنند. تحولات اجتماعی نیز منجر به تغییر و تحولات سیاسی در ساختارها شد و نظام‌های جدیدی منطبق بر مطالبات جدید مردم شکل گرفت.

مردم در آن برهه دو سه مطالبه اصلی داشتند. نخستین مطالبه‌شان این بود که ساختارهای اعمال قدرت و حاکمیت در کشور

مشخص شود. آن‌ها می‌گفتند ما باید بدانیم با چه ساختارهایی مواجه هستیم. آیا این ساختارها برای اعمال قدرت مشروعیت و حقانیت دارند؟ و اینکه آیا هر کسی می‌تواند در کشور اعمال قدرت کند؟

دومین درخواستشان این بود که حدود صلاحیت نهادها و ساختارها مشخص شود. وقتی نهادهایی برای قانون‌گذاری، اجرا و حل و فصل خصومت (قضات) در نظر گرفته می‌شود، حدود صلاحیت هر کدام باید مشخص شود. آیا نهاد قانون‌گذاری می‌تواند وارد حوزه اجرا شود؟ آیا نهاد اجرایی می‌تواند وارد نهاد قانون‌گذاری شود؟ و اگر در کشور مفهومی به نام رئیس، پادشاه، ملکه و... وجود داشته باشد، حدود صلاحیت آن جایگاه چیست؟ سومین مطالبه درباره حقوق و تکالیف مردم بود. آن‌ها می‌گفتند حقوق و تکالیف مردم باید در یک سند مشخص شود تا هم بدانند حقوق و تکالیف‌شان چیست و هم چگونه از آن پاسداری خواهد شد. بنابراین مردم سه خواسته اساسی در تحولات آن دوره که با عنوان نهضت قانون اساسی‌گرایی شناخته می‌شود و با انقلاب فرانسه آغاز شد و با تحولاتی که در آمریکا روی داد و منجر به تدوین متن قانون اساسی شد، داشتند.

قانون اساسی بیانگر ارزش‌های سیاسی ست

خواسته‌های مردم نیز برای یک بازه زمانی کوتاه نبود و باید در طول زمان تداوم می‌داشت. بنابراین باید تدبیری

می‌شد تا اصول کلی، ساختارها و حدود صلاحیت‌هایشان و حقوق و آزادی‌های مردم مشخص و تبیین شود.

از این رو مفهومی به نام «قانون اساسی» ایجاد شد تا صلاحیت‌ها، حقوق و آزادی‌ها به شکل مکتوب در آن وجود داشته باشد. قانون اساسی سند مکتوبی است که ارزش‌های کلان نظام سیاسی را بیان می‌کند. در قانون اساسی نهادهایی که دارای اعمال حاکمیت هستند مشخص و حقوق و آزادی‌های مردم تبیین شده است.

اما متن به ما هو متن اثری در نظام سیاسی ندارد. باید نهادی وجود داشته باشد تا از آن قانون پاسداری شود. از این رو وجود قانون اساسی در یک نظام سیاسی همزمان با ایجاد نهادی برای پاسداری از این قانون است.

باید نهادی در متن قانون اساسی باشد که از هنجارهای عالی نظام سیاسی حراست کند. ارزش‌هایی که در قانون اساسی آمده باید پاسداری و حراست شود؛ این کار نیازمند وجود یک نهاد است. برای به وجود آوردن این نهاد، نظام‌های مختلف ساختارسازی کردند. برخی نظام‌ها، نهادهای قضایی برای پاسداری از قانون اساسی ایجاد کردند. برخی نظام‌ها، نهاد جدیدی ایجاد نکردند و گفتند دادگاه عالی در کنار دیگر وظایفش از قانون اساسی نیز پاسداری کند. برخی نظام‌ها هم به ایجاد یک نهاد سیاسی و مستقل و جدا از نهاد قضایی برای حراست از قانون اساسی پرداختند. شورای نگهبان یک نهاد سیاسی است که البته با مبانی متفاوتی نسبت به سایر کشورها به وجود آمده است.

بنابراین اساساً و عقلاً امکان ندارد قانون اساسی وجود داشته باشد و نهادی برای پاسداری آن وجود نداشته باشد. حتماً باید نهادی برای پاسداری از قانون اساسی وجود داشته باشد. در قانون اساسی، ساختارهای اساسی، حقوق و آزادی‌های اساسی و ارزش‌ها و هنجارهای اساسی ذکر شده که باید از آن‌ها پاسداری کرد.



بازدید دانشجویان دانشگاه علوم قضایی از پژوهشکده شورای نگهبان



«موازن اسلام»؛ هنجار عالی در ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه قانون اساسی به عنوان یک ارزش بنیادین باید مورد توجه باشد، یک هنجار عالی یعنی موازین اسلام هم داریم که باید مورد حراست قرار بگیرد. قانون اساسی نیز براساس آن هنجار عالی نگاشته شده است. هنجارهای عالی در تمام قوانین اساسی وجود دارد. در برخی از قانون‌های اساسی، مردم‌سالاری مدرن و دموکراسی هنجار عالی است.

مردم در جریان انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی در کنار مردم‌سالار بودن جامعه یا به عبارت دیگر مقدم بر مردم‌سالاری، دین را انتخاب کردند. اما باید توجه داشت که رهبر معظم انقلاب فرمود مردم‌سالاری را از غرب وام نگرفته‌ایم. مردم‌سالاری دینی برآمده از شریعت است. مردم گفتند

که می‌خواهیم دین حکومت کند و مدل حکومت دینی نیز جمهوری اسلامی شد؛

یعنی اراده مردم در چارچوب اسلام.

پس مقدم بر قانون اساسی و هنجارها و ارزش‌هایی که در آن قانون اساسی آمده، یک هنجار عالی با عنوان شریعت اسلام داریم که باید از آن هم پاسداری کرد. در فرآیند قانون‌گذاری و مقرررگذاری نباید اجازه داد این هنجار عالی مورد خدشه قرار بگیرد.

شورای نگهبان با ۲ کارویژه اساسی به وجود آمد؛ وظیفه این نهاد پاسداری و

حراست از اصول قانون اساسی و موازین شریعت اسلام است.

روند تاریخی ودلائل ایجاد پژوهشکده

سوال بعدی در رابطه با پژوهشکده شورای نگهبان است که شما قائم مقام آن هستید. ضرورت وجود این پژوهشکده چیست و از چه زمانی این ضرورت احساس شد یا به عبارت دیگر به وجود آمد؟ همچنین ماموریت این نهاد چیست و میزان اثرگذاری پژوهش‌ها و اقداماتش چقدر بوده است؟

کاری که برعهده شورای نگهبان قرار داده شده یک کار کاملاً تخصصی و حقوقی است. این کار نیازمند پژوهش‌ها و اقداماتی برای پیش از بررسی مصوبات در جلسات شورای نگهبان، در حین بررسی و پس از آن است. لازم است محتواهایی به صورت پیشینی برای پشتیبانی علمی جلسات شورای نگهبان آماده شود. در حین بررسی‌ها نیز ممکن است سوالات و ابهاماتی به وجود آید که باید برای این‌ها نیز محتوا آماده شود. خروجی‌ها

و نتایج جلسات شورا هم باید منتشر شود.

این نیازها سال ۷۶ در شورای نگهبان احساس شد. مقام معظم رهبری در دیداری که اعضای شورای نگهبان با ایشان در سال ۷۹ داشتند، فرمود که شورای نگهبان باید یک مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوی داشته باشد تا از جلسات شورای نگهبان پشتیبانی کند.

بعد از آن جلسه مرکز تحقیقات ایجاد شد و سپس در دیدارهایی که اعضای شورای نگهبان با رهبری داشتند، راهبردهایی در حوزه پژوهش برای شورای نگهبان از سوی معظم له ارائه شد. پژوهشکده شورای نگهبان براساس همان راهبردها به وجود آمد و به فعالیت پرداخت.

آن راهبردها که طی سه دیدار بیان شد، مبنای عمل پژوهشکده قرار گرفت و اکنون پژوهشکده براساس همان راهبردها در حال پشتیبانی از شورای

شورای نگهبان است. بنابراین وظیفه

اصلی و ذاتی پژوهشکده شورای نگهبان

پشتیبانی از این شورا است.

پشتیبانی علمی از جلسات شورای نگهبان

نخستین راهبرد پژوهشکده براساس این فرمایش رهبری است که فرمود جلسات شورای نگهبان نیاز به بررسی و کارشناسی پیشینی دارد و باید قبل از آنکه مصوبه‌ای در جلسات شورای نگهبان بحث شود، جمعی از نخبگان، صاحب‌نظران و اثرگذاران

در حوزه‌های حقوقی درباره میزان مغایرت یا عدم مغایرت آن مصوبه با قانون اساسی اظهارنظر کنند و آن اظهارنظرها در اختیار اعضای شورای نگهبان قرار گیرد. این راهبرد در پژوهشکده در حال انجام است و فرآیندهای متعددی طراحی شده است.

اکنون مصوبه‌ای در جلسات شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه آن مصوبه به صورت پیشینی در پژوهشکده بررسی شده باشد. برای بررسی یک مصوبه در شورای نگهبان، جلسات متعددی در پژوهشکده برگزار می‌شود. تحلیل‌های علمی صورت می‌گیرد و این تحلیل‌ها مبنای بحث در جلسات شورای نگهبان خواهد بود.

راهبرد دیگری که رهبری طراحی فرمود این بود که مشروح مذاکرات شورای نگهبان در اختیار عموم قرار گیرد. رهبری استدلال‌های جلسات شورای نگهبان را هم مورد توجه قرار دادند و فرمود که شما در جلسات تان استدلال دارید؛ این استدلال‌ها را برای مخاطبین تبیین کنید.

آئین رونمایی از کتاب روایت اسابع – با حضور آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، دکتر کدخدایی و دکتر طهمان نظیف



پژوهشکده در حال انجام است. در این بخش نحوه عملکرد نهادهای مشابه و نهادهای دادرسی اساسی و چگونگی انتشار مذاکرات بررسی خواهد شد. در حوزه ترویج نیز مبتنی بر خوانش اصیل انقلاب اسلامی فرآیندهایی طراحی شده است. در سال‌های گذشته هزاران نفر از دانشجویان از دانشگاه‌های سراسر کشور در پژوهشکده حضور پیدا کردند و با قانون اساسی و صلاحیت‌های نهادهای اساسی همچون مقام رهبری، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و قوه قضاییه آشنا شدند.

بهره‌گیری از کارشناسان مختلف برای بررسی مصوبات

باتوجه به اینکه مصوبات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های مختلف است، پژوهشکده شورای نگهبان از چه پژوهشگرانی بهره می‌برد؟ پژوهشگرانی که در این پژوهشکده مستقر هستند چه تخصص‌هایی دارند و در چه رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند؟ آیا از پژوهشگران بیرونی به صورت برون‌سپاری و... استفاده می‌کنید؟

مصوبات مجلس حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود. اکنون مجلس مصوباتی درباره مسکن، مالیات و... دارد. برنامه هفتم توسعه نیز شامل موضوعات متعددی است. قطعاً پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان نمی‌توانند دارای همه تخصص‌ها باشند. مائل مرکز پژوهشکده را مبتنی بر دانش حقوق عمومی قرار داده‌ایم چون مرتبط‌ترین دانش با صلاحیت‌های شورای نگهبان است.

اما این دانش برای شورای نگهبان کافی نیست و باید به ابعاد مختلف یک موضوع یا یک مصوبه پرداخت. از این روش‌های متعددی از کارشناسان حوزه‌های مختلف به وجود آمده است. به طور مثال اگر بحثی در حوزه مالیات داشته باشیم ما شبکه‌ای از کارشناسان مالیاتی داریم که از نظرات و ایده‌های آن‌ها استفاده می‌کنیم. البته جمع‌بندی و نتیجه‌گیری توسط حقوقدانان انجام می‌گیرد چرا که نتیجه‌گیری باید حقوقی و براساس قانون اساسی باشد. ما اکنون برنامه هفتم توسعه را در دستور کار داریم. تلاش شده با کارشناسان حوزه‌های مختلف ارتباط گرفته شود و از نظرات آن‌ها برای ارتقای نظرات شورای نگهبان استفاده شود. در این رابطه جلسات متعددی برگزار خواهد شد.

موضوع یک مصوبه شاید حقوقی نباشد اما ما برای موضوع شناسی آن نیازمند تخصص‌های مختلف هستیم. از این رو به سراغ کارشناسان متعدد می‌رویم و از نظرات آن‌ها استفاده می‌کنیم. این نظرات باعث ارتقای کار کارشناسی شورا خواهد شد.

در حوزه‌های پژوهشی نیز این‌گونه عمل می‌کنیم. اگر پژوهشی بین رشته‌ای یا بین گرايشی داشته باشیم به کارشناسان آن حوزه رجوع می‌کنیم. در خصوص بودجه بخش قابل توجهی از تحلیل‌ها اقتصادی و مدیریتی است و ما از نظرات کارشناسان اقتصادی و مدیریتی در قالب طرح‌های علمی و حل مساله کمک می‌گیریم. ماسعی می‌کنیم از دانسته‌های کارشناسان برای حل مسائل حقوق اساسی کشور استفاده کنیم.

فرآیندی نیز برای این موضوع طراحی شد. اکنون مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان در حال پیاده‌سازی و آماده‌سازی است. مشروح مذاکرات به تدریج در حال بازگذاری در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان است که مردم به صورت برخط می‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند.

استدلال‌های جلسات شورای نگهبان هم منتشر می‌شود. حدود ۱۵ روز بعد از اینکه مصوبه‌ای در جلسه شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و اعضا نظرات نهایی خود را اعلام می‌کنند، این استدلال‌ها منتشر می‌شود.

رهبری همچنین فرمود شورای نگهبان نیازمند یک نهاد برای تربیت نیروست؛ نیروی متخصصی که با رویه‌ها و نحوه عملکرد شورای نگهبان و نحوه برداشت از قانون اساسی به طور کامل آشنا باشد. از این رو از سال ۹۲ که پژوهشکده شورای نگهبان از وزارت علوم مجوز دریافت کرد، نخبگان علمی در حوزه‌های مختلف به خصوص حوزه حقوق عمومی که مرتبط‌ترین حوزه با قانون اساسی، صلاحیت‌های نهادهای اساسی و شورای نگهبان در پژوهشکده شورای نگهبان دور هم جمع شدند و به فعالیت‌های علمی پرداختند. این نخبگان از برترین دانشگاه‌های کشور هستند.

تدوین طرح‌های پژوهشی در باره قانون اساسی

پژوهشکده براساس اسانسانه‌اش و تأکیدات اعضای شورای نگهبان یک وظیفه دیگر هم دارد و آن انجام کارهای علمی دقیق پژوهشی در حوزه قانون اساسی و صلاحیت‌های شورای نگهبان است. برای این حوزه دورویکرد کلان اتخاذ کرده‌ایم؛ رویکرد پژوهشی و رویکرد ترویجی.

در بخش پژوهش، طرح‌های پژوهشی متعددی تعریف شده است. در رابطه با قانون اساسی کتاب دوجلدی محشای قانون اساسی و کتاب شرح قانون اساسی آماده و منتشر شده است. شرح فقهی قانون اساسی یا تحلیل مبنای نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در پژوهشکده در حال انجام است. شرح مبسوط قانون اساسی نیز در حال انجام است که در آن هر اصل از قانون اساسی به طور مفصل شرح و تحلیل می‌شود. تاریخ‌نگاری مبتنی بر روایت‌های صحیح از فرآیند تصویب قانون اساسی تأتشکیل نهادهای اساسی نیز در حال انجام است.

درباره شورای نگهبان هم طرح‌های پژوهشی متعددی در حال انجام است. صلاحیت‌ها و وظایف شورای نگهبان تحلیل و بررسی شده است. درباره نظرات برانتخابات به عنوان یک حوزه اثرگذار در فعالیت‌های شورای نگهبان نیز کتاب مفصلی چاپ شده و به تمامی شب‌هات حقوقی در این باره پاسخ داده شده است.

در خصوص رویه‌های شورای نگهبان هم باید گفت که این شورایی چهل سال گذشته به مثابه یک قانون اساسی زنده فعالیت کرده است. شورای نگهبان دائم به قانون اساسی مراجعه و آن را در رویه تفسیر می‌کرده است. این رویه‌ها تاکنون در جایی مورد مطالعه، تجمیع و دسته‌بندی قرار نگرفته است و در پژوهشکده در حال انجام می‌باشد.

تحلیل تطبیقی نهادهای مشابه با شورای نگهبان در کشورهای دیگر نیز در

گفتگو با محسن ابوالحسنی معاون پژوهشکده شورای نگهبان؛

چگونه مواجهه اعضای شورای نگهبان با موضوعات گوناگون

محسن ابوالحسنی معاون پژوهش‌های کاربردی پژوهشکده شورای نگهبان است که مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی را در دانشگاه شهید بهشتی گذرانده و اکنون دانشجوی مقطع دکترای این رشته است.

ابوالحسنی اگرچه همراه با برخی از نویسندگان و پژوهشگران کتاب‌ها و مقالاتی همچون «تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی» و «تقنین شریعت در منظومه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» تألیف کرده، اما بیشتر به انجام پژوهش‌های کاربردی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در خصوص حقوق عمومی، قانون اساسی و شورای نگهبان مشغول است.

در ادامه در خصوص مجموعه اقدامات معاونت پژوهش‌های کاربردی از جمله موضوع شناسی مصوبات ارسالی مجلس، تهیه گزارش‌های کارشناسی و تدوین گزارش‌های استدلالی نظرات شورای نگهبان با ابوالحسنی گفتگو شده است که آن را می‌خوانید:



اعضای شورای نگهبان اعم از فقیه و حقوقدان چگونه با موضوعات مختلف و جدید آشنا می‌شوند و درباره آن‌ها اظهار نظر می‌کنند؟ تهیه محتوا با استفاده از چه دانش‌هایی و توسط چه کسانی انجام می‌گیرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. صلاحیت و وظیفه اصلی شورای نگهبان که قانون اساسی برعهده این نهاد قرار داده، تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و اصول قانون اساسی است.

موضوع شناسی هر مصوبه یکی از لوازم و ضروریات تطبیق مصوبات با موازین شرع و اصول قانون اساسی است؛ البته موضوع شناسی به معنای شناخت موضوع و تصمیم‌گیری درباره آن که منجر به وضع مصوبه شود از صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی است؛ چراکه نهاد تقنینی باید مسأله را تشخیص دهد، برای حل آن راهکار پیدا کند و مصوبه‌ای مطابق با اهداف و سیاست‌های نظام آماده و به تصویب برساند. اعضای شورای نگهبان نیز جهت تطبیق این مصوبات با موازین شرع و قانون اساسی نیاز به موضوع شناسی دارند و بدون شناخت موضوع نمی‌توانند به بررسی قانونی مصوبات بپردازند.

لازم به ذکر است بر اساس اصل ۹۱ قانون اساسی، فقهای شورای نگهبان باید زمان شناس، آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند که البته به نوعی می‌توان همین ویژگی‌ها را به حقوقدانان نیز تعمیم داد که آنها نیز باید برخوردار از این ویژگی‌ها باشند.

اما با توجه به اینکه مصوبات مجلس در حوزه‌های گوناگون به تصویب رسیده و دایره شمول آنها نیز وسیع و گسترده است، انتظار نیست که اعضای شورای نگهبان نسبت به تمامی حوزه‌ها آشنایی و تسلط داشته باشند. به طور مثال در مصوبه بودجه موضوعات مختلفی همچون مسائل اداری، عمرانی، زیرساختی، مالیاتی و... وجود دارد که تسلط بر همه آن‌ها برای یک نفر بسیار سخت، دور از ذهن و بعید به نظر می‌رسد.

در گذشته موضوع شناسی به روش‌های گوناگون توسط خود اعضا صورت می‌گرفت؛ یعنی اعضا از طریق ارتباطاتی که با کارشناسان و اهل فن داشتند با موضوعات آشنا و آگاه می‌شدند

که این روش همچنان هم در بین برخی از اعضا وجود دارد. اما چندین سال است پژوهشکده شورای نگهبان و مجمع مشورتی حقوقی این شورا به صورت نظام‌مند اقدام به موضوع شناسی مصوبات می‌کنند و در قالب گزارش‌های فنی و تخصصی به اعضای شورا ارائه می‌دهند و احیاناً در خلال بررسی مصوبات اگر ابهام و ایرادی درباره موضوع به وجود آید، مفاهیم و دیدگاه‌ها به طور دقیق‌تر دریافت و به اعضا منتقل می‌شود.

موضوع شناسی مصوبات با کمک نهادها و پژوهشگران

موضوع شناسی با بهره‌گیری از چه دانش‌هایی و با کمک چه افرادی توسط پژوهشکده انجام می‌گیرد؟

در پژوهشکده شورای نگهبان ابتدا بررسی می‌شود که یک مصوبه نیازمند موضوع شناسی است یا خیر. موضوع یک مصوبه اگر سابقه نداشته و پیچیدگی‌های تخصصی داشته باشد، مورد بررسی فنی و کارشناسی قرار می‌گیرد. این کار نیز در تعامل با مجموعه‌های مختلف اعم از پژوهشی مانند دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌ها و دستگاه‌های اجرایی از قبیل وزارتخانه‌ها، دستگاه‌ها و نهادها و کارشناسان مختلف مانند مقامات مسئول، اساتید دانشگاهی و پژوهشگران انجام می‌گیرد.

همچنین در فرآیند موضوع شناسی از نظرات و دیدگاه‌های مرکز پژوهش‌ها، کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در تدوین و تصویب مصوبه نقش داشته‌اند نیز استفاده می‌کنیم. به طور معمول هر مصوبه‌ای که به شورای نگهبان برای اعلام نظر ارسال می‌شود، از طراحان و نویسندگان آن مصوبه چه از مجلس باشند و چه از دولت و قوه قضائیه نیز خواسته می‌شود تا در پژوهشکده شورای نگهبان حضور یابند و به موضوع شناسی مصوبه کمک کنند.

لازم به ذکر است که گاهی به منظور موضوع شناسی با مدیران و کارشناسان بخش‌های خصوصی، صاحبان کسب و کارهای دانش بنیان و اصناف و بازاریان نیز جلساتی برگزار و نظرات آن‌ها هم دریافت می‌شود.

ارائه گزارش‌های کارشناسی به اعضای شورا

سؤال بعدی در رابطه با گزارش‌های کارشناسی و گزارش‌های استدلالی است؛ پژوهشکده شورای نگهبان گزارش‌های کارشناسی را چگونه و در چه قالبی به اعضای شورا منتقل و ارائه می‌کند؟ برای تدوین گزارش‌های



جلسه شرح فقهی قانون اساسی با حضور آیت الله کعبی



رقابت علمی

شبیه سازی شورای نگهبان

صلاحیت های شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات و انتخابات

همراه با اعطای گواهینامه
معتبر علمی

شرکت در قالب گروه ۶ نفره
به همراه یک مربی

با حضور و داوری اساتید
معتبر دانشگاهی

اعطای جوایز ویژه به گروه های برتر، به همراه امکان همکاری پژوهشی (بعد از ارزیابی علمی)
با پژوهشکده شورای نگهبان

زمان برگزاری پاییز سال ۱۴۰۲

مهلت ثبت نام ۲۲ شهریور الی ۱۴ مهر ۱۴۰۲

۰۲۱ ۸۸ ۵۳۳۴۳۸

@ccri.ir

@amoozesh_ccri

www.ccri.ac.ir

ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

نکته قابل ذکر این است که گسترش فعالیت ها و اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان در حیطه صلاحیت هایش به دلیل توجه و استقبال اعضای شورای نگهبان از گزارش ها و نظرات پژوهشکده شورای نگهبان بوده؛ و اینکه اکنون پژوهشکده در حوزه های بررسی مصوبات، پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری و موضوع شناسی مصوبات در حال انجام فعالیت است، با نظر لطف و موافقت اعضای این شورا، مهر تأییدی بر کارایی و عملکرد این پژوهشکده است.

گزارش های کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان و مجمع مشورتی حقوقی در جلسات شورای نگهبان به اندازه ای مورد توجه است که اگر گزارش کارشناسی یک مصوبه آماده نباشد یا به اتقان لازم نرسیده باشد، آن مصوبه مورد بررسی قرار نمی گیرد و از دستور کار جلسه آن روز خارج می شود تا گزارش کارشناسی آماده شود.

البته لازم به ذکر است که این بدان معنا نیست که تمامی نظرات کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان مورد تأیید اعضا قرار می گیرند؛ بلکه گزارش های کارشناسی پژوهشکده جنبه مشورتی داشته و اعضای شورا درباره آن گزارش ها بحث و گفتگو کرده و با بیان نظرات استدلالی خود، سرانجام با رأی گیری، نظر نهایی را اعلام می کنند.

گزارش های استدلالی نیز همانطور که گفته شد مورد توجه قانون نویسان و نخبگان بوده و رو به گسترش است. اکنون کمیسیون های تخصصی و مرکز پژوهش های مجلس به طور مداوم از ما درخواست دارند تا گزارش های استدلالی را برای آن ها ارسال کنیم.

گفتنی است از حدود یک سال پیش گزارش های استدلالی با فاصله زمانی کمی پس از اظهار نظر اعضای شورای نگهبان نسبت به هر مصوبه منتشر می شود و یک گام رو به جلو برداشته شده است و ما تلاش داریم تا گزارش های استدلالی نظرات شورای نگهبان درباره مصوبات به خصوص مصوبات مهم را در مدت زمان کمتری پس از اعلام نظر رسمی منتشر کنیم.



کارشناسی چه فرآیندی طی می شود و گزارش های استدلالی چیست؟

طبق اصل ۹۴ قانون اساسی، شورای نگهبان باید ظرف مدت ۱۰ روز درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی اعلام نظر کند که البته تا ۲۰ روز قابل تمدید است. از این رو فرصت بررسی در شورای نگهبان محدود است و پژوهشکده باید قبل از آنکه یک مصوبه به شورای نگهبان برسد، بررسی هایش را آغاز کند.

بنابراین از زمانی که یک طرح یا لایحه در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار می گیرد، بررسی هادر پژوهشکده شورای نگهبان آغاز و فرآیند تصویب آن در مجلس پیگیری می شود. به طور مثال اکنون برنامه هفتم توسعه در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است و ما از مدت ها پیش بررسی این لایحه را در پژوهشکده آغاز کرده ایم و مصوبات کمیسیون تلفیق را هم پیگیری می کنیم.

پس از اینکه آن طرح یا لایحه به صحن علنی مجلس رسید و در آستانه تصویب نمایندگان قرار گرفت، ما بررسی های نهایی، دقیق و عملیاتی را انجام خواهیم داد. این بررسی ها شامل دو بُعد موضوع شناسی و گزارش های کارشناسی است که در خصوص موضوع شناسی توضیح داده شد؛ ولی گزارش های کارشناسی در قالب بررسی ها درباره تک تک بندهای یک مصوبه در چارچوب صلاحیت های قانونی شورای نگهبان است.

نحوه آماده سازی و ارسال گزارش های کارشناسی به اعضا نیز اینگونه است که در ابتدا معاونت کاربردی پژوهشکده شورای نگهبان گزارش های اولیه کارشناسی را آماده و به جلسات مجمع مشورتی حقوقی که با حضور برخی از اعضای حقوقدان شورای نگهبان و اساتید حقوق عمومی برگزار می شود، ارسال می کند.

در جلسات مجمع مشورتی حقوقی، گزارش های اولیه مورد بحث، گفتگو و تبادل نظر قرار می گیرد و پس از اینکه افراد و حاضران نظرات خود را بیان کردند، گزارش های اولیه اصلاح و نهایی شده و در قالب گزارش مکتوب خدمت اعضای محترم شورای نگهبان اعم از فقها و حقوقدان ارسال می شود.

در صحن شورای نگهبان نیز قبل از بررسی هر مصوبه، نظرات کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی در کنار نظرات کارشناسی مجمع مشورتی فقهی ارائه و مورد بحث و مذاقه اعضای این شورا قرار می گیرد.

گزارش استدلال های نظرات شورای نگهبان چیست؟

در رابطه با گزارش های استدلالی هم باید گفت که رهبر معظم انقلاب در دیداری که اعضای شورای نگهبان با ایشان داشتند، فرمودند که استدلال های نظرات شورای نگهبان در خصوص هر یک از مصوبات خوب است که منتشر شود.

در جلسات شورای نگهبان درباره بندهای هر یک از مصوبات مجلس شورای اسلامی بحث ها و گفتگوهای استدلالی بسیاری انجام می گیرد؛ آن استدلال ها در پژوهشکده شورای نگهبان آماده سازی، دسته بندی و منتشر می شود. این استدلال ها مورد استقبال مجلس شورای اسلامی، نمایندگان و مرکز پژوهش های مجلس و نخبگان و کارشناسان قرار می گیرد.

نظرات استدلالی به رفع ابهامات و ایرادات شورای نگهبان نسبت به یک مصوبه در مجلس شورای اسلامی کمک می کند؛ چرا که نمایندگان اگر بدانند که اعضای شورای نگهبان بر اساس چه مبنایی اعلام ایراد یا ابهام کرده اند، بهتر می توانند به اصلاح مصوبه بپردازند. در نتیجه این موضوع به کاهش رفت و آمدهای یک مصوبه بین مجلس و شورای نگهبان و هزینه های قانون گذاری کمک می کند.

استقبال مجلس از گزارش های استدلالی

سؤال پایانی اینکه میزان استقبال و اثرگذاری گزارش های کارشناسی در بین اعضای شورای نگهبان و گزارش های استدلالی در بین قانون نویسان و نخبگان چقدر است؟

قاب ماندگار

روایت مصور از تاریخ شورای نگهبان

به مناسبت چهل و سومین سالگرد تاسیس شورای نگهبان، روابط عمومی این شورا با همکاری خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) اقدام به انتشار برخی از تصاویر تاریخی کرده است. این تصاویر مربوط به چهار دهه است که دربرگیرنده جلسات، دیدارها و نظارت‌های انتخاباتی شورای نگهبان می‌باشد.



اعضای شورای نگهبان در افتتاحیه اولین دوره مجلس خبرگان رهبری، ۲۳ تیر ۱۳۶۲ / از راست: آیت‌الله خامنه‌ای (نماینده اصفهان)، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، گودرز افتخار جهرمی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله محمدمهدی رثانی املشی، آیت‌الله غلامرضا رضوانی، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، حسین مهرپور، علی آزاد، مهدی هادوی و محمد صالحی



اعضای شورای نگهبان، اسفند ۱۳۶۰ تا دی ۱۳۶۱، محل نهاد شورای نگهبان / از راست: آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، مهدی هادوی، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، حسین مهرپور، آیت‌الله غلامرضا رضوانی، گودرز افتخار جهرمی و محسن هادوی.



اعضای شورای نگهبان، بین تیر ۱۳۶۲ تا تیر ۱۳۶۵، محل نهاد شورای نگهبان / ایستاده از راست: محمد صالحی، حسین مهرپور، علی آزاد، خسرو بیژنی، سید جلال الدین مدنی کرمانی، حسن فاخری، نشسته از راست: حضرات آیات: محمدمحمّدی گیلانی، محمّد مؤمن، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ابوالقاسم خزعلی، احمد جنتی و محمّد امامی کاشانی.



جلسه‌ای اعضای شورای نگهبان حوالی تابستان ۱۳۸۰ / از راست: ابراهیم عزیزی، احمد علیزاده، محمدرضا عباسی فرد، آیت‌الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی، آیت‌الله رضا استادی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله محمّد یزدی، آیت‌الله غلامرضا رضوانی، آیت‌الله محمّد مؤمن، سیدرضا زوارای و علی آزاد.



جلسه‌ی شورای نگهبان، تیرماه ۱۳۹۵/ از راست: دکتر عباسعلی کدخدایی، آیت‌الله مهدی شب‌زنده‌دار، آیت‌الله سیدمحمدرضامدّرسی یزدی، آیت‌الله محمّد یزدی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله سیدمحمود هاشمی شاهرودی، آیت‌الله محمّد مؤمن، محمّد رضا علیزاده، دکتر محسن اسماعیلی، دکتر نجات‌الله ابراهیمیان، دکتر سید فضل‌الله موسوی و دکتر سام سوادکوهی فر.



اعضای اولین دوره شورای نگهبان که به ترتیب عبارتند از: دکتر علی‌آزاد، دکتر محمد صالحی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله محمد رضامهدوی کتبی، دکتر محسن هادوی - آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، دکتر حسین مهرپور، محمدآبادی، آیت‌الله غلامرضا خوانی، دکتر گودرز افتخارچهرمی، آقای مهدی هادوی (۸ دی ۱۳۶۱)



جلسه‌ی شورای نگهبان، تیرماه ۱۴۰۲/ از راست: دکتر هادی طحان‌نظیف، دکتر سیامک ره‌پیک، دکتر عباسعلی کدخدایی، آیت‌الله مهدی شب‌زنده‌دار، آیت‌الله سیدمحمدرضامدّرسی یزدی، آیت‌الله سید احمد خاتمی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله سیداحمد حسینی خراسانی، آیت‌الله علیرضا اعرافی، دکتر خیرالله پروین، دکتر غلامرضا مولایی‌گی و دکتر محمدحسن صادقی مقدم.



اعضای اولین دوره‌ی شورای نگهبان در افتتاحیه اولین دوره مجلس شورای اسلامی، خرداد ۱۳۵۹/ از راست آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله عبدالرحیم ریثانی شیرازی، آیت‌الله احمد جنتی و از چپ آیت‌الله محمد رضامهدوی کتبی دیده می‌شوند.



اعضای شورای نگهبان در آیین افتتاح اولیه دوره مجلس خبرگان رهبری که در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۲ برگزار شد، حضور یافتند. در این تصویر آیت الله احمد جنتی، آیت الله محمد مهدی ربانی املشی و آیت الله غلامرضا ضوانی از فقهای شورای نگهبان دیده می شوند.



سمینار هیات نظارت بر انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۶۶ با حضور آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت برگزار شد که آیت الله محمد امامی کاشانی آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آقای محمدرضا علیزاده اعضای هیات مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات بودند.



اعضای شورای نگهبان ۶ روز پس از انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر جدید انقلاب اسلامی (۲۲ خرداد ۱۳۶۸) با وی دیدار کردند. حاضرین در این دیدار به ترتیب عبارتند از: آیت الله محمد محمدی دعوی سرائی (گیلانی) آیت الله ابوالقاسم خزعلی آیت الله محمد امامی کاشانی خسرو بیژنی-حسن فاخری- آیت الله احمد جنتی دکتر حسین مهرپور محمد آبادی دکتر گودرز افتخار جهرمی دکتر سید جلال الدین مدنی کرمانی آقای محمدرضا علیزاده



آیت‌الله احمد جنتی در روز ۱۸ اسفند ۱۳۷۴ در ستاد انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در وزارت کشور حضور یافت. در این تصویر آقای علی محمد بشارتی وزیر وقت کشور نیز حضور دارد.



دکتر حسن حبیبی عضو شورای نگهبان در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۷۲ در حال نظارت بر برگزاری انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری



اعضای شورای نگهبان در تاریخ یازدهم مهر ماه سال ۱۳۸۰ با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. حاضرین در این دیدار به ترتیب عبارتند از: آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله محمد مومن، آیت‌الله محمد یزدی، آیت‌الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی، آیت‌الله غلامرضا خوانی، آیت‌الله محمد حسن قدیری، آیت‌الله صادق‌آملی‌لاریجانی، آقای سید رضا زوارای، حجت‌الاسلام محمد رضا عباسی فرد، آقای محمد رضا علیزاده، دکتر عباسعلی کدخدایی، دکتر ابوالrahیم عزیزی، دکتر محسن اسماعیلی، دکتر سید محمد چهرمی



عبدالله بن علی القطیعی رئیس وقت مجلس عمان با هیات همراه در تاریخ ۵ دی ۱۳۷۴ با دبیر شورای نگهبان دیدار کرد. در این دیدار علاوه بر آیت‌الله جنتی، آقای سید رضا زوارای قائم مقام دبیر شورای نگهبان نیز حضور داشت.

گفتگوی صریح و پے واسطہ

دانشجویان بافقہا و حقہا و قدانان شورای نگهبان

گزارش بازدید علمی پنج ساعته نمایندگان تشکلهای دانشجو

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان، جلسه روز چهارشنبه ۷ تیر ۱۴۰۲ شورای نگهبان متفاوت برگزار شد و اعضای این شورا برای نخستین بار در صحن برگزاری جلسات، میزبان نمایندگان از تشکلهای دانشجویی بودند. این دانشجویان که از تشکلهای بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی دانشجویان، دفتر تحکیم وحدت، اتحادیه انجمنهای اسلامی مستقل سراسر کشور، مجمع اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی و جنبش عدالتخواه دانشجویی بودند در قالب یک بازدید علمی ۵ ساعت و نیمه در شورای نگهبان حضور یافتند و ضمن اطلاع از روند برگزاری جلسات و بحث درباره مصوبات، به گفتگوی صریح و صمیمی با فقها و حقوقدانان شورای نگهبان پرداختند. این اتفاق تنها چند روز پس از اینکه دکتر هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان در نشست با اصحاب رسانه اعلام کرد که درهای شورای نگهبان به روی همه باز است و این شورا گوشهای شنوایی دارد، روی داد. آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان در جلسه این شورا ضمن عرض خیر مقدم به دانشجویان با اشاره به روز عرفه و فرارسیدن عید قربان بیان داشت: این روزها ایام مبارکی است و جزو بهترین روزهای سال به حساب می آید. خداوند را سپاسگزاریم که به ما این توفیق داد تا این ایام را درک کنیم. وی خطاب به نمایندگان تشکلهای دانشجویی خاطرنشان کرد: حضور شما دانشجویان در شورای نگهبان خوشحال کننده است. دانشجو باید اطلاعات کافی در مورد موضوعات مختلف داشته باشد و ما مشتاقیم که شما دانشجویان بیشتر با وظایف، عملکردها و اعضای شورای نگهبان آشنا شوید. دبیر شورای نگهبان ابراز امیدواری کرد که این رفت و آمدها تداوم یابد و دانشجویان حضور بیشتری در شورای نگهبان داشته باشند. وی همچنین به دانشجویان توصیه کرد که از فرصت جوانی برای خودسازی معنوی و ارتباط با خداوند استفاده کنند. آیت الله مدرسی یزدی، آیت الله حسینی خراسانی و آیت الله سیداحمد خاتمی فقهای شورای نگهبان نیز به دانشجویان خوش آمد گفتند و از حضور دانشجویان و نخبگان در جلسات شورای نگهبان استقبال کردند. معین رضی نیز به نمایندگی از دانشجویان حاضر در جلسه شورای نگهبان از برگزاری چنین برنامه ای قدرانی کرد و گفت: این رویداد در تاریخ جنبش دانشجویی بی نظیر است و امیدواریم این اقدام مثبت، سرآغاز همکاریها و ارتباطات با شورای نگهبان باشد. وی خاطرنشان کرد: اگرچه در گذشته با تعدادی از اعضای شورای نگهبان جلساتی داشتیم، اما انتظار داریم که این جلسات توسعه یابد و اعضا در جمع دانشجویان حضور یابند و به سوالات و شبهات پاسخ گویند. دانشجویان در بخش دوم این بازدید در نشستی که آیت الله شب زنده دار عضو فقیه شورای نگهبان، دکتر سیامک ره پیک قائم مقام دبیر شورای نگهبان و دکتر هادی طحان نظیف سخنگوی این شورا حضور داشتند، شرکت کردند.

توصیه آیت الله شب زنده دار برای تفقه در دین

آیت الله شب زنده دار در ابتدای این نشست ضمن عرض خیر مقدم، دانشجویان را به قرائت دعای عرفه و بهره مندی دقیق از مضامین و معارف والای این دعا دعوت کرد و اظهار داشت: لازم است گروههایی تشکیل شود و جملات امام حسین (ع) در این دعا را مورد پژوهش و بررسی قرار دهند. وی در ادامه با گرامیداشت عید قربان به احادیثی از امام باقر (ع) و امام رضا (ع) اشاره کرد و بیان داشت: ائمه معصومین (ع) بشر را به سه امر مهم توصیه فرمودند که یکی از آنها تفقه در دین و دین شناسی است. تفقه به معنای عمق اندیشی و ژرف اندیشی برای درک صحیح و اصولی مفاهیم است. این عضو فقیه شورای نگهبان تاکید کرد: شناخت دین بسیار مهم است. از شما دانشجویان و جوانان نیز خواستارم که برای شناخت



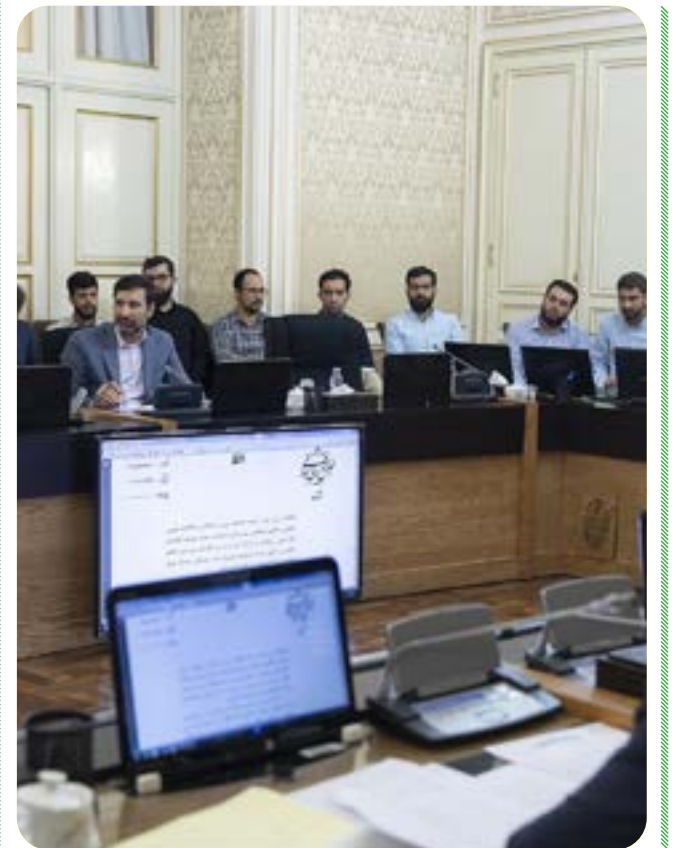
دین تلاش کنید. تفقه در دین، انسان‌ها به ویژه جوانان را در برابر مغالطات فراوان معاندین و کج‌اندیشان واکسینه و مصون خواهد کرد.

وی خاطرنشان ساخت: خداشناسی زیربنای تفکر دینی است و در محافل و نشست‌های دانشجویی باید به این موضوع توجه جدی کرد. دو توصیه دیگر در این احادیث نیز یکی درباره حسن تقدیر معیشت است بدین معنا که زندگی را براساس تدبیر خوب بنا کنیم و برای آن برنامه‌ریزی صحیح و آینده نگری داشته باشیم و دیگری در خصوص صبر در برابر رخدادها، پیشامدها و فراز و نشیب‌های زندگی است.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار در بخش دیگری از صحبت‌هایش با بیان اینکه حق خدا را باید گرامی دانست، به ماجرای قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) اشاره کرد و گفت: حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) آماده اجرای دستور خداوند متعال بودند و اگر آن دستور و اطاعت آن‌ها نبود، مقام‌شان برای جهانیان آشکار نمی‌شد و عید قربانی نیز برپا نمی‌گردید. حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) قهرمانان بندگی خدا و توحید هستند.

این عضو فقیه شورای نگهبان با بیان اینکه حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) در برابر خداوند تسلیم بودند، عنوان کرد: انسان اگر علم، کمال، جمال و جلال خداوند را بشناسد، بنده او خواهد شد. خداوند حکیم و عادل مطلق است و باید به دستورات او عمل کرد. وی افزود: جامعه خداپرست و دینی باید نسبت به احکام الهی همچون حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) مطیع باشد. زیربنای تحکیم عقاید، شناخت خداوند، پیامبر و ائمه معصومین (ع) است و باید بدانیم که دین چیزی جز صلاح ما و سعادت ابدی ما نمی‌خواهد.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار در پایان صحبت‌هایشان تصریح کرد: بشر برحسب برهان عقلی راهی ندارد جز اینکه مطیع و تابع خداوند باشد. زندگی سکولار معنایی ندارد و روشنفکر آن کسی است که خداشناس باشد و این چیزها را بداند.



دکتر ره‌پیک: «اعتمادافزایی» رویکرد جدی شورا است

دکتر ره‌پیک نیز در جمع دانشجویان گفت: شورای نگهبان یک ناظر عالی و اساسی در جمهوری اسلامی ایران است و وظایف گوناگونی برعهده دارد. نظارت عالیه شورای نگهبان در دو بخش اعمال می‌شود که یکی در حوزه بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های دولتی است و دیگری در حوزه انتخابات است.

وی با اعلام اینکه شورای نگهبان از ابتدای تشکیل تاکنون حدود سه هزار و پانصد مصوبه مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی و تطبیق با شرع و قانون اساسی قرار داده است، اظهار داشت: هر یک از مصوبات به صورت دقیق و بند به بند در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد که گاهی تعداد مواد و بندهای برخی مصوبات به یک هزار هم می‌رسد.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان اظهار تاسف کرد که این وجه از عملکرد شورا به خوبی دیده نمی‌شود و به دلیل فضای سیاسی حاکم بر کشور، شورای نگهبان بیشتر با موضوع انتخابات و نظارت بر آن شناخته می‌شود.

وی درباره نظارت بر انتخابات هم بیان کرد: نظارت استصوابی یک نظارت موثر است و این رویه از ابتدای تشکیل شورای نگهبان وجود داشته است. همه نظام‌های حکمرانی هم اصل این نوع از نظارت را دارند. هیچ نظامی نمی‌پذیرد که نسبت به صلاحیت‌ها، تخلفات و... فقط اطلاع داشته باشد و هیچ اقدام موثری انجام ندهد. در همه کشورها نهاد یا نهادهایی برای اعمال نظارت کامل و موثر وجود دارد؛ در ایران شورای نگهبان مسئول انجام این کار است و در برخی کشورها دادگاه یا نهاد دیگر.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان وظایف دیگر شورای نگهبان را تفسیر قانون اساسی و حضور برخی از اعضای آن‌ها در بعضی از مراکز تصمیم‌گیری همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام برشمرد و درباره بررسی مصوبات گفت: شورای نگهبان برخوردار از دو نهاد مشورتی است که یکی پژوهشکده شورای نگهبان (مجمع مشورتی حقوقی) و دیگری مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان است. کلیه مصوبات در این مجامع به طور دقیق بررسی می‌شود و یک مصوبه در صحن شورا مورد بحث قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه نظرات کارشناسی این مجامع دریافت شده باشد.

دکتر ره‌پیک در بخش دیگری از این نشست در پاسخ به سوال دانشجویی مبنی بر اینکه آیا شورای نگهبان برای انتخابات ۱۴۰۲ تمهید ویژه‌ای اندیشیده است؟ عنوان کرد: انتخابات امسال بسیار مهم است و رهبر معظم انقلاب نیز بدان تاکید کردند. شورای نگهبان از ماه‌ها پیش مقدمات و آمادگی‌های لازم برای انجام وظایف خود را ایجاد کرده و هماهنگی‌های خوبی با دستگاه‌های مرتبط با انتخابات داشته است. انتظار از شورای نگهبان آن است که طبق قانون عمل کند. شورا هیچگاه نمی‌تواند از قانون عبور کند یا نسبت به موازین قانونی بی‌توجه باشد. در صورت نهایی شدن اصلاحات قانون انتخابات مجلس با توجه به افزایش مهلت بررسی‌ها، در این دوره به

بررسی صلاحیت‌ها زمان بیشتری اختصاص خواهد یافت؛ بدین معنا که مستندات به طور دقیق بررسی خواهد شد و به طور جدی به استماع سخنان شاکیان و کسانی که ردصلاحیت شده یا صلاحیتشان احراز نشده، پرداخته می‌شود. آنچه برای ما مهم است این می‌باشد که اعتماد مردم و داوطلبان به شورای نگهبان افزایش یابد. با بررسی دقیق و مستند صلاحیت‌ها و فراهم آوردن امکان گسترده برای شنیدن دفاعیات داوطلبان این اعتماد افزایش خواهد یافت. وی درخصوص ۴ راهبردی که رهبر معظم انقلاب برای انتخابات پیش‌رو اعلام کردند و در سوالات یکی از دانشجویان بود نیز بیان داشت: شورای نگهبان مسئول اصلی تحقق راهبرد «سلامت» است و در رابطه با سایر راهبردها یعنی مشارکت، رقابت و امنیت ضمن همکاری با دستگاه‌های دیگر اقدامات لازم را انجام خواهد داد. اگر بررسی‌ها و نظارت‌ها دقیق و طبق قانون انجام بگیرد، سلامت انتخابات تامین خواهد شد.

دکتر ره‌پیک خاطرنشان کرد: اگر مردم و نخبگان بدانند که شورای نگهبان در بررسی‌ها و عملکردها قانونی عمل می‌کند، اعتماد افزایش خواهد یافت و این موضوع در کنار سایر عوامل منجر به افزایش مشارکت در انتخابات خواهد شد؛ البته موضوع مشارکت متأثر از عوامل مختلفی به خصوص مسائل معیشتی و اقتصادی است. قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان این را هم گفت که ما وظیفه و مسئولیت قانونی نداریم که از افراد بخواهیم در انتخابات نامزد شوند، اما این را به تمامی افراد و جناح‌های سیاسی که در چارچوب قانون عمل می‌کنند می‌گوییم که از آمدنشان استقبال می‌کنیم و همچون گذشته بی‌طرف خواهیم بود، طبق قانون عمل می‌کنیم و نسبت به عملکرد خودمان نیز پاسخگو خواهیم بود.

دکتر ره‌پیک در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان که پرسیده بود چرا شورای نگهبان به طور شفاف دلایل ردصلاحیت‌ها یا عدم احراز صلاحیت‌ها را بیان نمی‌کند؟ نیز بیان داشت: شورای نگهبان در بسیاری از موارد برای بیان عمومی دلایل ردصلاحیت‌ها منع قانونی، شرعی و اخلاقی دارد.



دکتر طحان‌نظیف: دانشجویان مطالبه‌گر اصلاح قوانین انتخاباتی باشند

دکتر طحان‌نظیف نیز در بخش پایانی این نشست و پس از اینکه نمایندگان تشکل‌های دانشجویی به بیان انتقادات، پیشنهادات و سوال‌هایشان پرداختند، گفت: درهای شورای نگهبان به روی عموم مردم به ویژه نخبگان و تشکل‌های دانشجویی باز است. آینده کشور در دستان شما دانشجویان است و باید خود را برای تصدی مسئولیت‌های مهم آماده کنید.

سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به مطالباتی که در این نشست از سوی دانشجویان مطرح شد، اظهار داشت: تحقق برخی از این مطالبات نیازمند اصلاح قوانین است. ما در برخی از حوزه‌ها با نقصان و خلاء قانونی روبرو هستیم و تا زمانی که قانون اصلاح نشود، نمی‌توانیم برخی اقدامات را انجام دهیم.

وی افزود: شورای نگهبان یک نهاد قانونی است و نمی‌تواند کاری برخلاف قانون انجام بدهد. اگر هم خدای ناکرده روزی ما یا هر نهاد دیگری خارج از چارچوب قانون عمل کرد، شما دانشجویان باید متذکر شوید. در هر نظامی، قانون فصل الخطاب است و هیچ‌کس نمی‌تواند به نظر و سلیقه خودش عمل کند.

دکتر طحان‌نظیف خاطرنشان کرد: بنده از زمانی که سخنگوی شورای نگهبان شدم، تقریباً در تمامی نشست‌های خبری بر لزوم اصلاح قانون انتخابات تاکید کرده‌ام. جریان دانشجویی باید نقاط آسیب یا نقصان را شناسایی و مطالبه کند و یکی از این موارد، اصلاح قانون انتخابات است. البته شورای نگهبان قانون‌نویسی نمی‌کند و در انتخابات به نوعی مجری قانون در حوزه نظارت است.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان ادامه داد: حدود ۷ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات توسط رهبر معظم انقلاب می‌گذرد. این سیاست‌ها درباره وجوه مختلف انتخابات و در واقع آسیب‌شناسی نظام انتخابات است که در آن راهکارها هم به نحو کلی آمده است. سیاست‌های کلی حاصل خرد جمعی و کار کارشناسی است. سال‌ها قبل شورای نگهبان، وزارت کشور و همه دستگاه‌هایی درگیر در امر انتخابات مسائل خود را درخصوص انتخابات به مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده‌اند. این نظرات دسته‌بندی و مدون شده و طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی خدمت مقام معظم رهبری ارائه شده و ایشان نیز پس از بررسی و احیاناً اصلاح مواردی را به عنوان سیاست‌های کلی انتخابات را ابلاغ کرده‌اند.

وی تاکید کرد: سیاست‌های کلی انتخابات باید مبنای عمل قرار گیرد و لازمه آن تبدیل به قانون شدن این سیاست‌هاست. ضمن احترام به تلاش‌های دولت‌ها و مجالس گذشته اما متأسفانه در هفت سال گذشته به این سیاست‌ها توجه کافی نشده و اگر هم توجه شده با خروجی ملموسی روبرو نبودیم؛ بجز دو مورد که یکی درباره شفافیت منابع مالی نامزدها بود، اما فرصت اجرا پیدا نکرد و دیگری راجع به ساماندهی ثبت‌نام‌های ریاست جمهوری بود. شورای نگهبان در سال ۱۴۰۰ بر اساس بند ۵-۱۰ و تعداد دیگری از بندهای سیاست‌های



کلی، ابلاغیه‌ای در خصوص حداقل شرایط و ضوابط کافی ثبت‌نام‌های انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد؛ چرا که در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری با ثبت‌نام‌های تفتنی زیادی روبرو بودیم.

سخنگوی شورای نگهبان درباره طرح «اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» نیز ابراز امیدواری کرد این طرح هرچه زودتر به نتیجه برسد و در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان درباره شفافیت منابع مالی نامزدها گفت: قانون مورد اشاره در سال ۱۳۹۸ به تصویب رسید و در بهمن همان سال ابلاغ شد، اما به دلیل نزدیکی زمان تصویب و ابلاغ این قانون با زمان برگزاری انتخابات مجلس یازدهم، فرصت اجرا پیدا نکرد. ما در جلساتی که با مسئولان دستگاه‌های مرتبط به خصوص وزارت کشور داشتیم، تاکید کردیم که از هم اکنون باید برای اجرای این قانون تمهیدات لازم فراهم و در انتخابات ۱۴۰۲ اجرا شود. امیدواریم که امسال این قانون اجرا شود.

وی درباره شفافیت شورای نگهبان هم بیان داشت: شورای نگهبان در موضوع شفافیت بدون هیچ گونه الزام قانونی پیشگام بوده است. نظرات شورا درباره هر طرح و لایحه‌ای در سامانه نظرات شورای نگهبان بارگذاری شده و مشروح مذاکرات شورای نگهبان نیز پس از پیاده‌سازی در این سامانه بارگزاری می‌شود و عموم مردم می‌توانند به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. علاوه بر اینها، گزارش استدلال‌های شورای نگهبان نیز در آن سامانه ارائه می‌شود که مورد استقبال نمایندگان و نخبگان قرار گرفته است. در بحث بررسی صلاحیت‌های داوطلبان انتخابات نیز همانطور که گفته شد انتشار عمومی نیاز به مجوز قانونی دارد و ما با منع شرعی مواجه‌ایم چراکه بحث آبرو و حیثیت افراد در میان است.

دکتر طحان‌نظیف در بخش پایانی صحبت‌هایش با بیان اینکه شورای نگهبان با بیش از ۳۰۰ هزار ناظر مردمی (این ناظران از اقشار مختلف مردم هستند) برای امر نظارت بر برگزاری انتخابات در سراسر کشور همکاری دارد، از دانشجویان و همچنین اهالی رسانه خواست که در اسفند ماه سال جاری که دو انتخابات مهم برگزار می‌شود، از سوی شورای نگهبان به عنوان ناظر پای صندوق‌های رای حضور داشته باشند و خود شاهد روند برگزاری انتخابات در یک شعبه اخذ رای و آن را برای دیگران روایت کنند.

گفتنی است؛ نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در یک کارگاه آموزشی که با ارائه دکتر فتاحی زفرقندی قائم‌مقام پژوهشکده شورای نگهبان تشکیل شده بود نیز حضور یافتند و با فرآیندها و کارکردهای شورای نگهبان آشنا شدند.

دانشجویان حاضر در این بازدید علمی نیز عبارت بودند از: امیرمحمد کولانی (دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان و دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی) و معصومه محمدزاده (قائم‌مقام واحد خاوران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان و دانشجوی دانشگاه تبریز)، سید شایان ابهری احمدی (عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل)، معین رضیئی (دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل و دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی)، محسن نراقی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران)، رقیه قاسمی (مسئول خاوران بسیج دانشگاه شهید بهشتی) و سیدمحمد زمانی (از بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت)، محمدرضا غلامی (از مجمع اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی)، امیررضا بخشی‌پور (دبیر دفتر تحکیم وحدت و دانشجوی دانشکده وزارت امور خارجه)، فاطمه‌سادات هوشمند (از دفتر تحکیم وحدت و دانشجوی دانشگاه امیرکبیر) و محمدامین شاکر و محمدابراهیم جغتایی (از جنبش عدالتخواه دانشجویی و از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت).

مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان

شورای نگهبان بر اساس اصول قانون اساسی، از جایگاه والایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. مطابق اصل ۹۴ قانون اساسی، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایر شناخته شدن با موازین شرع یا قانون اساسی برای تجدید نظر به مجلس بازگردانده می‌شود.

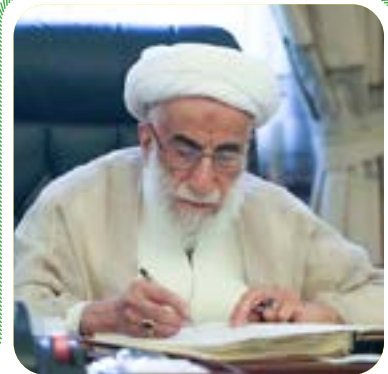
همچنین به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل ۴ قانون اساسی، «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»

تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی، بر عهده‌ی نهاد شورای نگهبان قرار گرفته است. در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی و نیز استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی که مدعی مغایرت مقرره‌ای با موازین شرع هستند، در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار می‌گیرد و سرانجام در قالب نظر شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود؛ بنابراین شورای نگهبان به عنوان نهادی که حافظ اسلام و ضامن اسلامیت نظام است، وظیفه مهم، خطیر و سنگینی را بر عهده دارد که مبادا قوانین یا مقرراتی وضع و اجرا شود که با موازین اسلامی و قانون اساسی مخالف باشند.

بر اساس اصل چهارم قانون اساسی تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات، قوانین و مقررات با «شرع مقدس»، بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. به همین منظور «مجمع مشورتی فقهی» به عنوان بازوی مشورتی فقهی شورای نگهبان، فعالیت خود را از سال ۱۳۸۰ آغاز می‌کند تا در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب دولت با قانون اساسی و شرع مقدس و همچنین در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری نظرات مشورتی خود را به فقهای شورای نگهبان ارائه نماید.

تأسیس و آغاز به کار مجمع مشورتی فقهی پس از آن بود که در تیرماه سال ۱۳۸۰ آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی به دلیل مشکلات جسمی و بیماری از عضویت شورای نگهبان استعفا می‌دهند؛ آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان با توجه به وزانت و جایگاه بالای فقهی ایشان که فردی مؤثر در اظهارنظرهای فقهی این شورا بوده است، طی نامه‌ای با اشاره به نیاز مبرم این شورا جهت استفاده از نظرات فضلاء برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه قم در امور فقهی و ارتباط آنان با شورا، تشکیل شورای مشورتی فقهی را با مسئولیت آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی برای دعوت از فضلاء برجسته‌ی واجد شرایط لازم و برنامه‌ریزی و راه‌اندازی و فعال‌سازی آن شورا و برقراری ارتباط با فقهای محترم شورای نگهبان را طی نامه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب پیشنهاد می‌دهد؛ که مقام معظم رهبری ضمن موافقت با تشکیل مجمع مشورتی شورای نگهبان در امور فقهی، طی حکم مورخ ۲۰ تیر ۱۳۸۰، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی را به ریاست این مجمع منصوب می‌نمایند.





متن نامه ی آیت الله جنتی به شرح زیر است:

«محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی»

با سلام

نظر به نیاز مبرم شورای نگهبان به استفاده از نظرات فضلی برجسته ی حوزه ی علمیه ی قم در امور فقهی و ارتباط آنان با شورا و آشنایی آن ها با طرز کار و برنامه ها و اظهار نظر فقه های محترم شورا درباره ی مسائل گوناگون فقهی ارجاع شده از طرف مجلس شورای اسلامی، دیوان عدالت اداری و غیره، مستدعی است حضرت آیت الله آقای حاج سید حسن طاهری خرم آبادی را جهت مسؤولیت تشکیل شورای مشورتی فقهی و دعوت از فضلی برجسته ی واجد شرایط لازم و برنامه ریزی و راه اندازی و فعال سازی آن شورا و برقراری ارتباط با فقه های محترم شورای نگهبان منصوب فرمایید.

با تشکر از عنایات مستمر حضرت تعالی نسبت به شورای نگهبان و آرزوی دوام عمر و عزت و موفقیت آن رهبر بزرگوار.

دبیر شورای نگهبان. احمد جنتی



حکم انتصاب آیت الله طاهری خرم آبادی که مقام معظم رهبری پیرو نامه ی

آیت الله جنتی صادره فرمودند، به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله آقای حاج سید حسن طاهری دامت برکاته

نظر به پیشنهاد دبیر محترم شورای نگهبان آیت الله آقای جنتی در باب تشکیل مجمع مشورتی شورای نگهبان در امور فقهی موافقت خود را با این پیشنهاد ابراز داشته و جنابعالی را به ریاست این مجمع منصوب می کنم.

از خداوند متعال بقاء عمر و صحت و توفیقات جنابعالی را مسئلت می کنم. [۱]

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

سید علی خامنه ای

۲۰ تیر ۱۳۸۰

منابع:

[۱] سامانه ی اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/>

message-content?id=۱۱۵۸۹۰

[۲] مصاحبه اختصاصی فصلنامه ناظر امین با آیت الله مؤمن، عضو فقه های شورای نگهبان و نماینده مردم قم در مجلس خبرگان رهبری، ۲۵/۴/۱۳۹۶ (فصلنامه ناظر امین، شماره ۵۵، بهار

۱۳۹۷، صص ۸-۱۱)

نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه مصوبات بدون تأیید شورای نگهبان تبدیل به قانون نمی‌شود. لذا با توجه به اینکه نظرات شورای نگهبان به دلیل استفاده شدن در مستندات علمی و قانونی در مجامع علمی و دانشگاهی دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است، انتشار این نظرات از امور محوری پژوهشکده است.

نظرات شورای نگهبان در قالب‌های مختلفی چون مصوبات مجلس، اساننامه‌های دولت، پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری و... منتشر می‌شود. همچنین نظرات شورای نگهبان با تفکیک اصول قانون اساسی توسط پژوهشکده منتشر می‌شود. سامانه‌ای هم با عنوان سامانه جامع نظرات شورای نگهبان در پژوهشکده طراحی شده که از سال ۱۳۹۳ در دسترس عموم است. کلیه نظرات شورا از بدو تأسیس (تیر ۱۳۵۹) تا به امروز در این سامانه منتشر شده است.

از زمانی که مصوبه‌ای وارد شورای نگهبان می‌شود تمام فرایندهای آن از جمله متن اولیه مصوبه، نظر مجمع مشورتی حقوقی و فقهی به هر تعداد رفت و برگشتی که داشته در این سامانه بارگذاری شده و در دسترس عموم قرار دارد. حتی اگر مصوبه‌ای به دلیل اصرار مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده، مصوبه مجمع تشخیص و در نهایت متن نهایی قانون نیز در پرونده آن مصوبه بارگذاری شده است.

پژوهشکده شورای نگهبان برای کسانی که ممکن است فرصت خواندن مشروح مذاکرات را نداشته باشند، قالب دیگری تحت عنوان نظرات استدلالی یا مبانی نظرات شورای نگهبان طراحی و آماده کرده؛ بدین شکل که مشروح مذاکرات به صورت خلاصه و دسته‌بندی شده منتشر شده است.

این پژوهشکده در راستای انجام سایر مأموریت‌هایش اقدامات دیگری نیز طراحی و اجرا کرده است که در گفتگو با آقایان فتحی زعفرندی و ابوالحسنی به آن‌ها اشاره شد.



این مرکز مهم با توصیه رهبر معظم انقلاب به وجود آمد. ایشان در دیداری که با اعضای شورای نگهبان داشتند فرمودند: «تشکیل یک مرکز پژوهشی قوی و استفاده از دیدگاه‌های تخصصی علما، فقها، استادان دانشگاه‌ها و دیگر کارشناسان، دقت نظر شورا را در بررسی ابعاد گوناگون قوانین، افزایش خواهد داد، ضمن آنکه ایجاد کمیسیون‌های تخصصی نیز می‌تواند روند فعالیت‌های شورا را عمق بیشتری بخشد» و اینکه «شما متخصص شورای نگهبان داشته باشید؛ کسانی باشند که آنجا بنشینند، بحث کنند، جوانب قضیه را بسنجند، با افرادی مشورت کنند، بعد نظرشان را به صورت یک نظر تخصصی در اختیار شما بگذارند. او کارشناس شماست که برای شما نظر داده است. همینطور در زمینه‌های تخصصی دیگر، آن چیزهایی را که به اصول قانون اساسی یا به مسائل شرعی ارتباط دارد، از دید تخصصی این شخص استفاده کنید. بنابراین یک مرکز اینجوری لازم است». بر این اساس مرکز تحقیقات (پژوهشکده) شورای نگهبان چند هدف مهم در دستور کارش قرار داد و تا به امروز این اهداف را دنبال می‌کند. مهمترین مأموریت این پژوهشکده ارائه نظرات مشورتی و کارشناسی به اعضای شورا است. پژوهشکده بازوی مشورتی و علمی شورای نگهبان است و هر آنچه در دستور کار اعضای شورای نگهبان قرار می‌گیرد، همزمان برای پژوهشکده نیز ارسال می‌شود تا به همراه نظرات کارشناسی و مشورتی که توسط پژوهشگران و کارشناسان این پژوهشکده آماده می‌شود، به دست اعضای شورا برسد.

گزارش‌های کارشناسی توسط جمعی از کارشناسان پژوهشی آماده و در مجمع مشورتی حقوقی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مجمع مشورتی حقوقی را جمعی از حقوقدانان تشکیل می‌دهند که با تشکیل جلسات در خصوص مصوباتی که در دستور کار شورا است، بحث‌های علمی و کارشناسی می‌کنند. در صورت لزوم میهمانانی هم با توجه به تخصصی که دارند از مجلس و یا مراکز، ارگان‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه دعوت می‌شوند تا نظراتشان را در خصوص مصوبات ارائه کنند. در نهایت تمامی نظرات جمع‌بندی و نهایی می‌شود و برای اعضای شورای نگهبان ارسال می‌شود.

در پرونده‌های شرعی هم که عموماً مجمع مشورتی فقهی درباره آن‌ها نظر می‌دهد، پژوهشکده شورای نگهبان به لحاظ موضوع‌شناسی و تحلیل حقوقی کارهایی انجام می‌دهد و برای شورای نگهبان ارسال می‌کند؛ به طور مثال در استعلام‌های دیوان عدالت اداری که مستلزم نظر فقهی شورای نگهبان است و یا در سایر پرونده‌های شرعی که در جلسات فقهی شورای نگهبان مطرح می‌شود، پژوهشکده به لحاظ موضوع‌شناسی کارهای کارشناسی در خصوص تبیین و شرح موضوع انجام می‌دهد و تحلیل حقوقی خود را برای فقه‌های شورای نگهبان ارسال می‌کند تا آن‌ها به لحاظ شرعی نظر بدهند.

مأموریت دوم پژوهشکده، انتشار نظرات شورای نگهبان است. نظرات این شورا در فرآیند قانونگذاری



آشنایی با پژوهشکده و مجمع حقوقی شورای نگهبان؛

بازوی علم و حقوق شورای نگهبان

پژوهشکده شورای نگهبان از سال ۱۳۷۶ شروع به کار کرد. این پژوهشکده در ابتدا نامش مرکز تحقیقات شورای نگهبان بود و با این عنوان فعالیت می‌کرد، اما از سال ۱۳۹۲ با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با عنوان پژوهشکده شورای نگهبان به ادامه فعالیت پرداخت.

پاسدار

گزارشی از گفتگو با خانواده شهید ناظر
«سلمان امیراحمدی»؛

رای و امنیت مردم

اواسط مهر ماه سال گذشته، اغتشاش و آشوبی که از دو هفته قبلش شروع شده بود به محله فلاح در منطقه ۱۷ تهران رسید؛ محله‌ای که زادگاه بستگان و برادرهای «سلمان امیراحمدی» بود و او از کوچه پس کوچه‌های آن، مردمانش و مساجدش خاطرات بسیاری به یاد داشت.



پدر و مادر سلمان پس از ۴ سال زندگی در منطقه فلاح به شرق تهران رفتند. محمدعلی و روح‌الله برادرهای سلمان متولد فلاح بودند، اما سلمان در سال ۱۳۶۶ در پیروزی به دنیا آمد. او سال‌ها همراه با پدر و مادرش در شرق بود و سپس به شمال شرق تهران رفت تا اینکه به سن جوانی رسید و ازدواج کرد. سلمان ازدواج که کرد به محله فلاح رفت و همراه با همسرش در یکی از خانه‌های آن محله زندگی کرد و خدا در همان محله دو فرزند پسر به او عطا کرد که یکی را «محمد صالح» و دیگری را «عباس» نام گذاشتند. آن شب که محله فلاح شلوغ شد و اغتشاشگران پا به آن منطقه گذاشتند، سلمان همراه با برادر بزرگترش محمدعلی راهی کوچه و خیابان شد تا شاید بتواند کاری انجام دهد و آرامش را به آن محله برگرداند.

برادر می‌گوید یک لحظه دیدم تیری به سر سلمان اصابت کرد و بر زمین افتاد. سرو صورتش غرق خون شد و در حال پر کشیدن و رفتن به سوی معبود است. بعدها در کالبدشکافی مشخص شد که ۵۲ ساقمه به سر و صورت و بدن سلمان اصابت کرد و آن تیر از اسحله‌ای شلیک شده بود که قدرت فوق‌العاده‌ای داشت.

مادر گویا از این ماجرا و نحوه شهادت سلمان خبری ندارد یا اینکه نمی‌خواست به زبان بیاورد و دلش دوباره شرحه شرحه شود. برای او همین که داستان «دو برادر» تکرار شد، سخت و جانکاه است؛ ۱۷ سال پیش سلمان شاهد شهادت برادرش «روح‌الله» توسط ارادل و اوپاش بود و اکنون محمدعلی می‌دید که چگونه اغتشاشگرها برادرش را غرق زمین کردند.

حالا ۹ ماه و نیم از آن اتفاق می‌گذرد و ما به خانه شهید «سلمان امیراحمدی» رفتیم. بهانه‌مان سالروز تأسیس شورای نگهبان و دلیل مان هم این بود که سلمان از اعضای شبکه ناظران انتخاباتی بود و از شهدای ناظر به حساب می‌آید.

مادر میزبان ماست و با حوصله و مهربانی از ما پذیرایی می‌کند. هر بار که می‌رود و می‌آید یک سینی یا ظرفی به دست دارد؛ یک بار آب، یک بار شربت، یک بار شیرینی و یک بار میوه. از او می‌خواهیم که بنشینند و بیش از این زحمت نکشد تا با او گفتگویی داشته باشیم.

گفتگو را آغاز می‌کنیم. نام خدا را که بر زبان می‌آورد، صبر و صلابتش آشکار می‌شود. از شهادت دو فرزند و فراق همسر که دو سال پیش به رحمت خدا رفت، شکوه نمی‌کند. خدا را شاکر است و وقتی که دو ماجرا از یک پسر و یک دختر به جا مانده برایش، تعریف کرد، بسیار تحسینش کردیم.

اغتشاشگرها به هر چیزی که می‌رسیدند آسیب می‌رسانند و با سنگ و آجر و هر چیزی که دستشان بود به سوی مغازه‌های مردم، وسایل عمومی و نیروهای مدافع امنیت حمله می‌کردند. خیابان‌ها و کوچه‌ها را هم می‌بستند تا کسی نتواند رفت و آمد کند.

سلمان و محمدعلی و عده‌ای دیگر تا حدودی توانستند به محله سر و سامان بدهند و آرامش را برقرار کنند، اما اغتشاشگرها دست بردار نبودند. از این خیابان به آن خیابان و از این کوچه به آن کوچه می‌رفتند و مانند داعشی‌هایی که در سوریه یک روز در این شهر و یک روز در آن شهر بودند و همه چیز را خراب می‌کردند، بودند.

آن دو برادر به کوچه‌ای رسیدند. در فاصله یک متری از یکدیگر ایستاده بودند. صدای نعره و فحاشی اغتشاشگرها می‌آمد. هر لحظه نیز سنگی از سویی به سمت آن‌ها پرتاب می‌شد. مردم هم از این وضعیت کلافه شده بودند و هر از چند گاهی یکی از آن‌ها به پشت پنجره می‌آمد و می‌گفت بس کنید دیگر. در همین حین یکی از اغتشاشگران که مسلح بود و تفنگ داشت خود را به پشت بام یکی از ساختمان‌ها رساند و یک تیر به سوی سلمان شلیک کرد.





نخست اینکه بعد از شهادت سلمان، دوباره شلوغ کاری شد و اغتشاشگرها شهر و محله را به هم زدند. محمدعلی که سرش ضربه دیده بود، می خواست برود تا شاید بتواند کاری انجام بدهد. عده ای مانعش شدند و گفتند مادرت دیگر تحمل ندارد، اما مادر می گوید به آن ها که مانعش شده بودند گفتم کنار بروید و بگذارید پسرم برود. تمام خانواده ما فدای انقلاب و امام حسین (ع) است. اگر لازم باشد خودم نیز جانم را در این راه فدا می کنم.

نمی دانم اگر آوینی بود در وصف چنین مادرانی چه می نوشت؛ مادرانی که نمونه های آن در دهه شصت و در بحبوحه جنگ تحمیلی زیاد بود و وجود آن ها در این دوره از زمان حیرت انگیز است. گویا به تعبیر شهید چمران باید شیپور جنگ نواخته شود تا مرد از نامرد شناخته و وجود چنین مادری در این شهر عجیب و غریب هویدا شود.

اما اتفاق دوم بسیار عجیب تر و بلکه باورناپذیر است. مادر می گوید سلمان در بین فامیل بمب انرژی و نشاط بود. وقتی رفت همه شکستند و خاکستری از غم بر دل هایشان نشست. زینب تنها دخترم از مدت ها پیش خواستگار داشت و قرار و مدار ازدواج هم گذاشته شده بود. وقتی این وضعیت را دیدم، دست به کار شدم. به زینب گفتم لباس عزایت را بیرون بیاور و آماده عروسی شو. برای زینب بسیار سخت بود که در مدت کوتاهی پس از شهادت سلمان که بهترین رفیق، بهترین دلسوز و بهترین مشاورش بود، سر سفره عقد بنشیند. اما مادر به چیز دیگری می اندیشید و او در فکر بستگانی بود که می دید در غم فراق سلمان بی رمق شده اند. حقا که روح حضرت ام البنین (س) همچنان زنده است.

بعد از شهادت سلمان، دوباره شلوغ کاری شد و اغتشاشگرها شهر و محله را به هم زدند. محمدعلی که سرش ضربه دیده بود، می خواست برود تا شاید بتواند کاری انجام بدهد. عده ای مانعش شدند و گفتند مادرت دیگر تحمل ندارد، اما مادر می گوید به آن ها که مانعش شده بودند گفتم کنار بروید و بگذارید پسرم برود. تمام خانواده ما فدای انقلاب و امام حسین (ع) است. اگر لازم باشد خودم نیز جانم را در این راه فدا می کنم.

مبارزه با نفاق و پاسداری از وطن؛ میراث پدر

در ابتدای گفتگو از مادر می خواهیم تا از خودش و پدر سلمان بگوید؛ تا ندانیم پدر و مادر شهید که بودند و که هستند و شهید در چه محیطی بزرگ شده است، نخواهیم دانست که سلمان کیست و که بود؟

پدر و مادر سلمان پسر خاله و دختر خاله و اصالتاً دامغانی بودند. البته حسینعلی (پدر سلمان) در تهران به دنیا آمد و معصومه ابراهیمی (مادر سلمان) در دامغان بزرگ شد. مادر هایشان یعنی مادر بزرگ های سلمان نیز مری قرآن بودند. انقلاب که به پیروزی رسید، حسینعلی که دیگر یک جوان قد کشیده و رعنا شده بود به فکر ازدواج افتاد و چه کسی بهتر از دختر خاله اش که او را به خوبی می شناخت و مومن و با وفا بود. معصومه پس از ازدواج با حسینعلی به تهران آمد. آن روزها تهران آبستن حوادث مهمی بود. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و همزمان با

اینکه دشمن به مرزهای کشورمان حمله کرده بود، منافقین اقدام به شورش مسلحانه در تهران و چند شهر کشور کردند. درگیری ها و ترورهای خیابانی ادامه داشت و منافقین هر روز تعدادی از مردم کوچه و بازار، متدینین و جوانان مدافع وطن و اسلام را به شهادت می رساندند و مجروح می کردند.

در یکی از همین روزها معصومه با خبر شد که همسرش توسط منافقین به شدت مجروح شده است. حسینعلی مدتی در بیمارستان بود و سپس برای گذراندن دوره نقاهت به خانه رفت. حال و روزش که بهتر شد، لباس رزم به تن کرد و به همسرش گفت که برای دفاع از مرزهای کشور به جبهه های جنگ می رود. در جبهه نیز از تیرهای دشمن در امان نماند و چند باری مجروح شد؛ حتی گازهای شیمیایی نیز به او امان ندادند و به ریه هایش آسیب رساندند. به نظر می رسد همین نیز پاشنه آشیلش شد تا در دوره شیوع ویروس کرونا جانش را از دست بدهد و به یاران شهیدش بپیوندد. دوره ای که سلمان به عنوان مدافع سلامت در کنار بیماران کرونایی بود و به آن ها یاری می رساند.

زندگی معصومه با حسینعلی، زندگی سخت و پرفراز و نشیبی بوده است؛ چرا که حسینعلی پس از جنگ هم میدان جهاد و مبارزه را ترک نکرد. گاهی اوقات یک هفته یا ۱۰ روز به ماموریت می رفت و معصومه خبری از همسرش نداشت. او باید در غیاب همسر چهار فرزند را بزرگ می کرد. فرزندها که بی تابی می کردند و بهانه می گرفتند، جمع شان می کرد و دسته جمعی زیارت عاشورا می خواندند. برای پدر نیز دعا می کردند تا به سلامت به خانه بازگردد.

حسینعلی و معصومه، فرزندهایشان را به مسجد و حسینیه می بردند. هر مناسبتی هم بود مانند راهپیمایی ۲۲ بهمن، راهپیمایی روز قدس و تشییع پیکرهای شهدا شرکت می کردند. مادرش می گوید به خاطر ندارم در یک راهپیمایی شرکت نکرده باشم، فقط امسال روز قدس فراموش کردم به راهپیمایی بروم. وقتی در تلویزیون حضور مردم را دیدم، خیلی ناراحت شدم و افسوس خوردم.

پدر و مادر تلاش می کردند تا فرزندان شان با اندیشه های اسلامی آشنا و برخوردار از بینش سیاسی شوند. کتاب هایی هم که در قفسه کتابخانه این خانه چیده شده بود، نشان از همین تلاش داشت. بخش زیادی از کتاب ها درباره اندیشه اسلامی و تعداد زیادی هم درباره تاریخ اسلام و تاریخ ایران معاصر بود. مادر می گوید علاوه بر اینکه در جلسات سخنرانی حضور پیدا می کردیم، پدر نیز هر وقت فرصت پیدا می کرد درباره اتفاقات و جریان های سیاسی برای بچه ها می گفت و تاکید می کرد که نباید گذاشت انقلاب به دست نااهلان بیافتد.

دیدار خانواده شهید امیر احمدی با آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان



احتمالاً همین صحبت ها و تربیت پدر و مادر موجب شده بود تا سلمان علاقه زیادی به مشارکت در انتخابات ها داشته باشد. مادرش می گوید سلمان علاوه بر اینکه خودش ناظر بود و پای صندوق رای حضور پیدا می کرد، دوستان و خویشاوندان را هم تشویق می کرد تا در انتخابات شرکت کنند و به کسی که اصلح است، رای بدهند.

داوطلب دفاع از حرم، در تهران شهید شد

اما در همه این سال ها یک چیز در وجود سلمان بود که آسایش را از تنش گرفته و بی قرارش کرده بود. معلوم نیست شوق به شهادت از چه زمانی در وجود سلمان شکل گرفت، اما مادرش می گوید او بعد از شهادت برادرش روح الله خیلی بی تابی می کرد. با روح الله دو سال اختلاف سنی داشتند. ۱۷ سال پیش روح الله به مسجد محله رفت تا با دوستان و هم محله ای هایش به جمکران بود. به مسجد که رسید، دید ظرفیت اتوبوس پُر شده و جایی برایش نمانده است. ساعتی تا اذان مغرب و عشا مانده بود، همراه با یکی از دوستانش به مقبره الشهدا رفت تا دلتنگی هایش را با شهدا تقسیم کند. گریه ها و اشک هایش که در جوار شهدا به پایان رسید، راهی مسجد شد.

چند وقتی بود که عده ای از اراذل و اوباش جلوی مسجد جمع می شدند و هم برای خانم ها ایجاد مزاحمت می کردند و هم نمازگزاران را اذیت می کردند. روح الله به یکی از آن ها تذکر می دهد، اما آن ها نه تنها توجه نمی کنند بلکه پیش خودشان نقشه می کشند تا این جوان را هم اذیت کنند. نماز تمام می شود و روح الله و سلمان که در مسجد به یکدیگر رسیده بودند، راهی منزل می شوند. اراذل و اوباش این دو برادر را تعقیب می کنند و یکی از آن ها در یک محیط خلوت یک چاقو در بدن روح الله فرو می کند. سلمان به زحمت قاتل برادرش را می گیرد و اجازه نمی دهد که بگریزد. قاتل گویی نسبتی با فردی داشته و خوش خیال بوده که هر غلطی بکند، کسی با او برخورد نمی کند، اما تیغ تیز عدالت او را به سزای عملش رساند. سلمان از همان روز بی تاب برادرش روح الله بود و برای رسیدن به آرزوی شهادت لحظه شماری می کرد. ماجرای داعش و دفاع از حرم که پیش آمد، سلمان فرصت را مهیا دید تا به آرزویش برسد. او که زیر نظر سردار شهید محمد ناظری دوره های آموزشی گذرانده بود، خود را برای نبرد با داعش ورزیده تر کرد تا همراه با مدافعان حرم راهی سوریه شود.

اما چون برادرش به شهادت رسیده بود، اجازه پیدا نکرد تا به سوریه برود. همسرش می گوید وقتی به سلمان اجازه ندادند که به سوریه برود، خیلی ناراحت شد. به هر دری می توانست زد و به هر کسی می توانست رو انداخت، اما اجازه ندادند که برود و وقتی فهمید بیشتر آن هایی که قرار بود با آن ها برود در خان طومان به شهادت رسیدند، خیلی بیشتر ناراحت شد. گویا تقدیر اینگونه بود که سلمان بماند و در آشوب پاییز ۱۴۰۱ که همه

دشمنان جمع شده بودند تا نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط کنند به شهادت برسد و با خون خود راه و رسم حقیقت را در برابر بلوای فتنه انگیزان نشان دهد.

مادر شهید می گوید، همسر یکی از شهدای مدافع امنیت به من گفت که همسرم یک شب خواب دید که نام او در کنار سلمان امیراحمدی، آرمان علی وردی و روح الله عجمیان نوشته و در روزهای آینده به شهادت خواهد رسید. سلمان، آرمان و روح الله هنوز به شهادت نرسیده بودند و آن شهید مدافع امنیت به همسر خود می گوید من در بین دوستان خود افرادی به این نام ها نمی شناسم و نمی دانم این ها چه کسانی هستند. آری او آن ها را نمی شناخت اما آن کس که آن ها را فراخوانده بود و نام آن ها را در لوحی نوشته بود، به خوبی می شناخت.

از سلمان امیراحمدی دو یادگار به جا مانده که هر روز و هر شب بی تاب پدرشان هستند. عباس که حالا دو ساله شده، قاب عکس پدرش را بغل می کند. آن را پای سفره می آورد تا کنارشان باشد.

وقتی هم از مادر می خواهیم که توصیه ای داشته باشد، اول خطاب به مسئولان می گوید که به فکر کار و درآمد جوان ها باشید و تا می توانید تلاش کنید. اگر می خواهید خون شهیدان پایمال نشود باید به مردم خدمت کرد. بعد هم برای ما دعای عاقبت به خیری می کند.

در روزهای پس از شهادت سلمان، دکتر طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان به دیدار خانواده این شهید رفت و در حاشیه مراسمی هم که در شورای نگهبان برگزار شده بود، دیداری بین خانواده این شهید و آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان صورت گرفت. شهید امیراحمدی پاسدار رای و امنیت مردم بود.



گزارش شورای نگهبان در آینده رسانه‌ها

تیرماه
۱۴۰۲

گزارش روزنامه‌فرهنگیان
از حضور دانشجویان در
شورای نگهبان



گزارش روزنامه‌انگلیسی‌زبان
تهران تایمز از حضور دانشجویان
در شورای نگهبان

گفتگوی دکتر کدخدایی با
شبکه تلویزیونی المیادین



حضور دکتر ره‌پیک در برنامه
تلویزیونی گفتگوی ویژه خبری



خبر عیادت آیت‌الله اعرافی از طلبه
مجروح در خبرگزاری رسمی حوزه

انعکاس صحبت‌های آیت‌الله
شب‌زنده‌دار در خبرگزاری ایرنا



خبر عضویت آیت‌الله
مدرسی یزدی در هیات مرکزی
انتخابات در خبرگزاری فارس

انعکاس سخنان آیت‌الله جنتی
در خبرگزاری صداوسیما



حضور دکتر طحان نظیف در
خبرگزاری ایسنا



بازدید سخنگوی شورای نگهبان
از خبرگزاری مهر



بازدید دکتر طحان نظیف از
شبکه‌های تلویزیونی
سحر و العالم



بازدید آیت‌الله حسینی خراسانی
از خبرگزاری رسا



انعکاس سخنان دکتر کدخدایی
در خبرگزاری تسنیم



انعکاس سخنان دکتر ره‌پیک در
خبرگزاری فارس



پیام تبریک آیت‌الله حسینی
خراسانی به مناسبت روز خبرنگار



انعکاس سخنان آیت‌الله خاتمی
در خبرگزاری ایسنا

بازدید سخنگوی شورای نگهبان
از خبرگزاری دانش‌آموزی پانا



بازدید دکتر ره‌پیک از
نمایشگاه بین‌المللی کتاب

حضور دکتر کدخدایی در جمع
دانشجویان شرکت‌کننده در دوره
آموزشی تربیتی طرح ولایت



حضور سخنگوی شورای نگهبان
در دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
به مناسبت روز دانشجو



حضور دکتر طحان نظیف در برنامه
گفتگوی تلویزیونی صفاول



حضور دکتر پروین در برنامه
تلویزیونی صبح‌بخیر ایران



حضور دکتر مولایی در برنامه
تلویزیونی صبحانه ایرانی



حضور دکتر صادقی مقدم در
برنامه تلویزیونی سلام تهران



کانال سروش شورای نگهبان:
SPLUS.IR/SHORA_GC



کانال روبیکا شورای نگهبان:
RUBIKA.IR/SHORA_GC



آپارات شورای نگهبان:
WWW.APARAT.COM
/SHORA_GC



پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان:
WWW.SHORA-GC.IR



کانال بله شورای نگهبان:
BLE.IR/SHORA_GC



رایانامه شورای نگهبان:
INFO@SHORA-GC.IR



کانال ایتا شورای نگهبان:
EITAA.COM/SHORA_GC



اخبار شورای نگهبان را در
شبکه های اجتماعی دنبال کنید

shora-gc



مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



یاد، افتخارات و عزّت شهدا را همه باید
نصب العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید
فراموش بشود.



یاد و خاطره شهیدان و
هفته دفاع مقدّس گرامی باد

